

تجدید نظر در رویه‌های حقوقی (۱۳۷۷) - مجله حقوقی دوازدهم - ۲۷ فروردی (۱۴۰۵) - صفحه ۹

... مرآت زشت و زیبا

« بقلم یکی از علماء طهران »

(شماره ۴)

(ششم) از خواص مستوفیان آنکه حقوق و مرسوم دیوارا که با دایم خدمت و ایساف است چون امتعه بازرگان در بازار خیانت و طغیان در ازای قیمت که موافق میل آنان بوده بمشتریان تسلیم کرده طرف استحقاق و خدمت بشمار آمده یا از اصحاب تعارف و رشوت فرضاً اگر حکم جیره یا موجب در حق یکی از خدمت گذاران صادر میشد و میرزا را عزم اجرای آن نبود آن قدر معاذیر مییافت و معاذیر پیش با مییافت که آن بچهاره تصور میکرد انجام آن از ممنوعات است - ولی اگر اول مقصود مولانا انجام میشد کار بدون وسیله و حکم تمام میشد - طرف صرب بود یا عجم کلامی یا معمم - ترك یا ديلم - موجب توطانی ... جیره یکمن ... در این مرآت نیز این گروه را نسبت بیکدیگر فرقه‌های بسیار و مزایای بسیار بود که وقت و موقع اقتضای احمای همه را ندارد شاید هم مورث نومی فرض شخصی گردد - پس از بعضی در گذریم و بعضی را بر سبیل اشارت نوشته تحریر و کتابت آریم

ملاطافه کرکان هموماً اعتبار اقوالشان پیش اردیگران بوده چه پس از متارله و دریافت حق مفروض حتماً از محل متوفیات یا عین مالیات بروات و قبوس بمشتریان تسلیم میکردند - الحاق در این مرتبه کسی خیانتی از آنان ندیده فرضاً اگر مستوفی خزانه پس از عمل استقراض سند خرج ولایات را بجای بروات مهر کرده یا دست برد دیگر نموده که قروض سابق خود را باک و خایه موروثی را تبدیل بر (بارك) کرده تقصیر خودش نبوده - زیرا که يك دو نفر از اجزای وزیر سابق و دیگران او را بدین کار وا داشته‌اند و گرنه این طایفه کاری بخلاف نکرده و راهی بخینانت نرفته‌اند - این است که همیشه بخت با آنان یار و اقبال در هر کار با آنان مددگار است - وزیر سابق چون از مراتب خدمت سادقانه آنان واقف بود در حق آنان سکه در حقیقت يك خانواده پیش بستند قرب بمسکند هزار توبان پایم بمنول داشته اضافه نیول و حقوق بلا اسم

تم الی ماشاء الله (اللهم زد فضلك و لا تنقص بملك) اما بعضی دیگر از این گروه که میتوان گفت محدودی بیش نیستند پس از تحصیل وجوه زنده را مرحوم یادی وجودی را مدوم قلم داده مشتری جدید را بجای او رقم میکردند غالباً اینکار منجر بچنگ و بیکار شده ارباب حقوق بنای تدافع و تنازع را میگذاشتند - پس از مدتی قبل و قال و چندین بار تظلم و عرض حال در آستان رؤسا و رجال از آنجائیکه همه کس مستوفی را مالک رقاب دانسته حق سؤال و جواب درگاههای آن جناب نداشته - بالاخره طرفین مصالح ذات‌الین خود آنجناب را قرار داده در حقیقت دزد را قاضی و بمحاکمه خود جناب راضی میشدند - در محضرش وارد با نهایت خضوع تعظیمی بحد رکوع کرده مدتی سرریا قرار گرفته اذن جلوس را انتظار میکشیدند - جناب پس از مدتی نجامل و اتفائل با حاقی مهیب و هیتی عجیب يك عالم چین رحین سربلند نموده اذن جلوس داده یا نداده با سطای مقرون به عتاب آهنگ سؤال و جواب میفرمود ضمناً بیانی از زمینه قدس و هرمان کسی از درستی خود و گاه از نادرستی دیگران سخنها گفته و درها سفته تا از روی دلیل رهان خود را بحسنه قدس و هرمان قرار داده تقصیر را بگردن آن بدبختان انداخته خود را برقی لذت میساخت آن بیچارگان از آن نطق و بیان دروادی حیرت سرگردان چاره جز عجز و لاله و اطهار توبه و انابه ندیده پس از اعتذار و استغنا از گناه ناکرده چاره کار را استفسار میکردند آن فسال طابرد پس از قرائت آیه شریفه (هل من مزید) هر کدام را باطاعت نزدیکتر میدید تصدیق بحقیقت دعوی او میداد مثلاً اگر تصدیق ذیحق قدیم را میکرد دفع تنازع را بدان میکرد سکه هر چه از مشتری ثانوی دریافت فرموده اولی ندارك نموده بدو بردازد و حقوق خود ببرد - اولی پریشان روزگار به امید انجام کار بلا درنگ از هر عملی بود وجهی بچنگ آورده تسلیم محتوفی میکرد سکه بعدی بردارد و او را آسوده سازد آن جناب از آنجائیکه اموال و دران ارباب رجوع را از آن خود میدانست این وجه حلال را نیز نوش جان میکرد مجدد مشتری جدید بنسای وعده و وعید را میگذاشت

خلاصت صلواته این دو سه تن پر و جوانان کز صفت
تاریخ حق شناسان ابران هو نکته همه دانش که آن
دو سه تن همکار محترم و همدرس همگم چیزی از
لوازم امانت و خدمات ملک و ملت فرو نداشتند
نهایت جوانانرا تدبیر با تقدیر موافقت نموده یکی
یکی منصب را فروخته جلای وطن اختیار کرده
دیگری از شغل خویش اعتزال جست اما پیر روشن
ضمیر پس از ابراز خیانت و تقصیر بیش از مظلون
خویش مورد الطاف رؤسای مآل اندیش گردیده برای
تشویق دیگران باغ معروف بیخ کنت را که معادل
شصت هزار تومان قیمت داده آن نود بدو بخشیده
تا دیگران نیز قدر دست و قلم خویش بدانند و طریقی
جز طریق سرقه و خیانت نیابند بلی اگر از دیگران
در اصلاح امور ملک و ملت قیاسی یا در تأسیس
مدارس و ادارات علمیه اقدامی دیده شد مرحوم
امیر آتابک اعظم میرزا قبیخان امیر اطاب الله ثراه آثار
خیری چون مدرسه دارالفنون و امثال آن بیامدگار
گذاشته و نام نیک خویش را که بنزله حیات جلوه
است در تاریخ عالم برقرار داشته و مرحوم حاج امین
القوله صدر اعظم طباب ثراه در سایه اعلیحضرت رعیت
بناه بتاسیس مدارس ملیه پرداخته و آستنگار آدامان
قیامت رهبن منت خویش ساخته چه عقلاء و دانشمندان
بینکی واقف و بصیرند که ابواب سعادت و راحت جز
بفتح علم و آداب کشوده نکردد و منادی اقبال جز
در مدارس و مکتب ندای بشارت در ندهد - خوشحال
آنکس که بر انگشت تدبیر این درهای بسته را بروی
ملت ابران باز کرد خدایش قرین رحمت خویش
فرماید که در راه وطن برستی هر ساله هزارها تومان
از جیب قوت و مروت خود در این راه خیر بذل
نمود و در موقع رحلت اخلاف خود را باستحکام
اساس این بنیان و تشدید مبای و دعایم آن وصیت
فرمود تا ملت و ارشد و رشاد است و مدرسه رشده
دایره آباد باشد علو قدر و رفعت منزلت نانی و مؤسس
در قلوب و صدر رمانه متمکن خواهد بود و این یادگار
نیک آزان شخص معظم بسالیان دراز باقی خواهد
ماند و اگر یک دو تن از جهله و اشرار عوام از روی
نقدای و سخاقت بخواهند حقوقی ثابت آن مرحوم را

بالخره آن چهاره را بر آن میداشت که در آن سال از
وجه و مرسوم هر دو در سکندر و در سنه آنیه
مرسوم از محل جمع ببرد آن طابع بوالهوس که غیر
از قبول چاره و علاجی نمیدید و عده آنجناب را قبول
و تیکسال انتظار موقع وصول را میکشید سال دیگر
موقع تجدید دستورالعمل و بهار دزدی و دخل سرورشته
دار نیز بار خود را بار کرده از قرار سنه ماضیه
کلاه دیگر را بر سر او میگذاشت و بدین جهانه چندی
مشغولش میداشت (دور میشد این سؤال و این
جواب)

فراموش نمیشود که یکی از اینان مرده و مبلغ پانصد
تومان حقوق بنام یکی از آشنایان که هنوز خبر نبود
از دستورالعملش بیرون آمده معلوم شد همه ساله آن
مقدار بنام آنشخص دریافت میشد اخلافش که از موضوع
و محمول مطلع نبوده قافیه را باخته بالاخره مجبور
وجهی دریافت داشته مواجب را بدو وا گذاشته اند

میگویم و میبایم از عهده برون

فاسلوا اهل الذکر ان کتم لاتظنون

(هفتم) خیانت دائره استیفا آنکه بعضی بی باکان لایابالی

چون میدان مسئولیت را یکباره خالی دیده بی برده این اسم
و شغل را وسیله گوش بری و مال مردم خوری
قرار داده در مواقع لزوم وجهی بوعده مواجب و
مرسوم از علی و تقی دریافت نموده اضطراراً بطلبگار
پرداخته یا اختیاراً در مجلس ... در باخته چون کشته
زیاده از آن بود که بتوان همه را گفتن نمود پس از
مطالبه صاحب وجه در صورت پیشرفت انکار و گرنه
اقرار کرده سندی نوشته بصاحب نخواه میداد حکه
التامان وجه مهور را در بوم بوعود کارسازی دارد
اما چون مقصودش از ایام وعده ایام ربوبی بود که هر
روزش مقابل چندین هزار سال زطانی است ناچار
قبل از التهای مدت طرفین رحلت بسرای اخرت در
کشیده در کنار حوض حکور باقی عمل را انجام و
مخاسمه را به تمام می رساندند - محض اثبات مدعا یک دو
تن از گذشتگان و یا بد کتم تا خوانندگان نامه مقدس
تصور فرمایند سخن به بهبوده گفته باطریق مسافه
و لسانی رفته - حرکات مستوفی اسبق عراق و خراسان
و حکمران (دانش آیدست که بر هر سر بازاری هست)

چونکه طرف بی‌وجودان نمک نشانی و سگفران
بیادی منکر خود آینه جز نساد اخلاق خود و سوء
نیت و طریقت خودشانرا بر مردم آشکار نخواهند نمود
(باقی دارد)

بسم الله تعالی شانه

چاره متین در ترویج دین

(مقاله ذیل از جناب مستطاب شریعتدار نقرالماء)
(المالین دررف الفقهاء المجتهدین للمالم العلیم آقای آقا)
(شیخ عبدالرحیم سلمه الله للملک الکریم نجل الصیخ)
(للمرحوم حججالاسلام صاحب الفصول اعلی الله)
(مقامه الشریف است)

ما مسلمانان که خود را قوم الهی و گروه ناجی
میدانیم چنین اعتقاد بنیاییم که شالوده دین مقدس اسلام
بر تکی و استحکام ریخته شده بنی حضرت محمد رسول الله
را پیغمبر بر حق و فرستاده قادر مطلق میدانیم و او امر
و نهی و احکام و قوانین او را تمام وحی الهی میخوانیم
در این صورت گروه اسلامیان باید در کمال جمعیت
خاطر و تیره اسباب و ترقیبات کامله باشد و آخری آن
و اشرف متمکنین عالم بشمار آیند پس چه شد صکه
بالمکس نتیجه بخشید و ذلت ما روز بروز در تزايد
است تمام قوس اسلابه به تفرقه حواس و عدم تیره
اسباب گرفتار و فقر و فاقه و ذلت دوچارند رشته
امورات مسلمین گسیخته و هر روز فتنه انگیزانه میشود
دشمنان با کمال سی و تدابیر در کین و ما عیارگان
در خواب غفلت و عدم اطلاع مکین هستیم
از عقلای انام و دانشمندان اسلام جواب این
ايراد را میخواهیم که بجه وجه جامع این دو مقدمه
بهم راست آیند که قوانین اسلام برای فی عالم است
و مسلمانان در کمال تزلزلند

بنیاده نگارنده وجه جامع این است ، مسلمانان
زمان خودشان را کول زهند و اسم بی‌مسی بر خود
نهانند قوانین اسلام در میان ایشان معمول نیست و
بمرو و دهور بالکل از حقایق اسلامیه طاری شدند
و گرنه در ترقی بودند و احسن اهل عالم بشمار میآمدند
اسلام بذات خود ندارد عیبی
هر عیب که هست از مسلمانی ماست
پیغمبر مکرم حضور داشتند که اطفال اسلام بجهود

زائیده شدن در اسلام اکتفا نکنند بلکه دین بینر ر
از روی دلیل متین و برهان مستین اخذ کنند تا
وقتیکه بسن تکلیف میروند وارد اسلام حقیقی شوند
و قول پدر و مادر را سند تدبیر خود قرار ندهند امر
تقلید در اصول اول مفسده اسلام است که باعث ارج
مذاهب مختلفه در دین گردید مثلا اقبال عوام مسلمین
به مذهب بابیه از همین جهت است زیرا بجهاد ابداء
اسلام را فهمیده و ادله حقیقت آن را ندانسته
بشهادت بابیه گرفتار میشود هیچ بید نیست که نابی
شد زیرا مسلمان نبود بلکه در بطن اسلام زائیده شد و
مفهد بود همچنین اگر دو چار دماء عیسویه شد ، سبهاست
آنها را شنید استبدادی ندارد که لایذم و یا عیسوی
شود و یا اگر وطن عزیز خود را به نفع شخصی بدهد
و یا در حوائج برادران وطن و ایام شود سعی نکند
و یا روزی چند بار دروغ بگوید یا غیبت بکند
به بندگان خدا آزار نماید - بعدی ندارد زیرا که ترک
این رذایل متفرع به اعتقاد محکم ناشی از دلیل و
تربیت در فهم اسلام است نه بمجرد گفتن اینکه
من مسلمانم و در روز قیامت خدا و پیغمبرش را
کول میزنم و به اسم اسلام به بهشت میروم - حال اگر
رقبای اسلام هم مثل اهل اسلام گرفتار صفات رذیله
و جهل بودند بنیای ما ضروری وارد نمی آمد همان آخرت
نداشتیم ایکن چون رقبای ما بیدار گشتند و از صفات
رذیله دورند و به انحصار قومی و تدبیر عقلانی روش
میکنند البته بجزر اذلال ما خواهند برآمد و تدابیر
نتیجه کار خودشان را خواهند کرد یکبار از خواب
بیدار میشویم که کار گذشته و آب از سر مدر وقتناست

نیاید دگر تیر رفته زشت
اگرچه بندگان گری پشت دست

حکایتی که ملتفت این مفسده در اسلام گردید و
در مقام رفع برآمد حضرت مستطاب حجة الاسلام
آقای حاجی سید محمد طباطبائی دامت برکاته است که
مدرسه موسومه به (اسلام) را برای این مقصود دائر
فرمودند اطفال مسلمین را وارد این مدرسه کردند و به
ترتیب سهل و ساده و سریع الاصل خواندن و نوشتن فارسی
و عربی را تعلیم میگیرند و پس از تسلیم اصول و فروع
عقاید اسلام در دوده اول در دوده دوم تمام اصول و
فروع عقاید را به ادله محکم و براین منتهی اخذ

میکند و مسلمان حقیق میشوند آنوقت اگر آن طفل باید از جانب دولت حقه اسلام قونسول در بلاد خارجه شود و یا در تجارت با خارجه مربوط است البته زبان خارجه هم تعلیم میگردد و آن اسباب باعث استحکام عقاید او است نه اضلال نه اینکه هر بقال زاده در روز اول ورود بمدرسه کتاب الفبای فارسی را یا کتاب الفصاحت انگلیس و یا فرانسه با هم بخواند طفل ساده لوح در اول کار گرفتار شبهات دفاة عیسویه شود (زیرا کتب تعابیه زبان انگلیس مصنوع دفاة عیسویه است مملو از شبهات آنان) ایراد علای اصفهان بر مکاتب جدیدة این سامان از همین راه بود و گرنه علای اسلام که اعتل از جماعتند هرگز با دانش دشمنی ندارند و ابد اراضی میشوند که مردم بی دانش و عوام کالانعام یار آیند - زیرا مرده خر هر چند برای سواری بسیار خوشند لیکن چون رندان در کارند زود این خرها را میدزدند یک مرتبه با خبر میفهمیم که بی خر شدیم - پس خوب است خر را آدم کنیم تا برادر و معین باشد و از خطر رندان هم دور ماند - باری اگر مکاتب جدیدة اصفهان بدستور العمل حضرت حجة الاسلام معزی الیه رفتار نمایند محل ایراد نیستند

امر دوم که اسلامیان از دست دادند و به وصیت رسول محترم و ائمه هدی رفتار نمودند همانا بیان حقایق اسلام برای ملل خارجه و دعوت آنان بدین مقدس حضرت خیر الانام است این امر مسلم تمام علای جهان و دانشمندان دوران از هر ملت است که پیغمبر اسلام شالوده این دین مقدس را به طوری ریخته که بالذات و بنفسه در ترقی است چه رسد به اینکه دفاة و رسولان برای ترویج این دین معین شوند باده در دالودان بخون کند صافی اگر باشد ندانم چون کند

بر آنانیکه روزنامههای صفحه ارض را میخوانند و از فن جنرافی بهره کافی دارند مشهود است که با اینکه ملت نصرانیت برای انتشار مذهب خود در هر سال کرورها خرج میکنند و دفاة و رسل به تمام نقاط عالم فرستادند از آن طرفی در اسلام ابدایک پول خرج نمیکند و اسلام دفاة ندارند با این حال عدد توسیع در هر سال واره اسلام میشوند چندین برابر توسیع

است که به نصرانیت میگردند حکایت شیخ محمد غفوری و چند میلیون بت پرست افریقا را به اسلام عزیز آوردن و امر شیخ عبدالله کیلیام ساکن ۲ لیورپول انگلیس و نفوذ دادن اسلام را در آن سامان و غیره و غیره . . . شواهد مدعی میباشند

حکمی که در مقام اجرای این مقصد مقدس و وظیفه واجبه برآمد همانا حضرت حجة الاسلام آقای حاجی سید محمد طباطبائی است که مجلس مقدس (حوزه ترقی اسلامی) را در طهران در منزل خودشان دائر فرمودند و اهل حل و عقد اسلام را بتوسط اعلانات مطبوعه بر آن مجلس دعوت فرمودند اگر ما مسلمانان دود دین و وطن داشتیم باید اهل حل و عقد طهران در هر روز انعقاد مجلس حاضر شویم و با هم درسی و اتحاد در دفع مفاسد و تخریبات وارده بر اسلام شریف گفتگو کنیم و در مقام رفع برآیم و اهل بلاد دور از طهران هم باید بمکاتب همدردی و غیرت خود را اظهار بنمایند و بنویسند که ما هم در عضویت آن مجلس حاضریم ، آنچه اهل مجلس برادرانه برای ما تکالیف معین سازند با کمال خیر نیتی در انجام آن برای اعلائی کله اسلام و رفع مفاسد وارده بر هیئت اجتماعی سی داریم و از خداوند توفیق میطلبیم

آه آه افسوس! افسوس! تا کتون که متجاوز از دو سال است که این مجلس داراست نه از دارالخلافه کسی عضویت این مجلس را قبول کرده و نه مکاتب و مراسلات از خارج رسیده همان چند نفر بزرگان دین که در ابتدای تأسیس بوده اند هستند چنین مجلس را ملت نصاری دائر نمودند و از آن مجلس دفاة عیسویه به تمام بلاد عالم فرستادند کتب مذهبی خود را به تمام بوم و برزن بقاع ارض انتشار دادند وجه وجه . . . همین از مجلس (حوزه ترقی اسلامی) باید دفاة اسلامیه به تمام نقاط فرستاده شود و کتب نافه نایف و طبع گردد چراید ملیه منفکی و ماهیانه به تمام جهات فرستد ضوابط آن مجلس جناب مستطاب شریعتمدار و حیدرآلام آقای نغرا الاسلام است که علاوه بر علوم عقلیه و قلبیه اسلامیه بواسطه سبق در مسیحیت تکلم و دقائق آن مذهب را خوب میدانند و از اوضاع حالیه عالم خوب مطلعند و راه ترویج اسلام را بر این

زمان بخوبی در دست دلوند مصنفات ایشان که سنوائی است بی دربی به طبع میرسد و منتشر میگردد بر حسبیت ایشان دلیل کافی و برهان وافی است

جهت چیست که اداره دعوت اسلامیة اصفهان حسابه به (صفاخانه) در این مدت سه سال ترقی نکرد زیرا علاوه بر اینکه یک قر داهی به خارج اصفهان فرستادند در امورات اصفهان هم کمال معطلی را دارند میخواستیم بدانیم تقصیر از طرف آن اداره است نه چنین است - زیرا در این مدت کلمات ایشان را در جریده مقدسه (الاسلام) خواندیم الحاق در آیات حقیقت اسلام و بطلان سایر مذاهب داد مردی دادند و اسلام را در انظار ملل عالم رو سفید کردند پس تقصیر از ما مسلمین است که ابدًا بفرک اعلای کلمه اسلام و بقای نوع نیستیم تمام شرافت و اسلامیت خود را به جمع اموال و آزار همدیگر میدانیم

آه اگر از پس امروز بود فردائی

هرکس تاریخ حدوث اسلام و رفتار حضرت خیر الانام را در انتشار دین مقدس اسلام بداند و با رجوع به تواریخ و سیر نماید میداند که بنای اسلام بر دعوت بوده و یک نفر پیغمبر محترم با صفت قبیله‌اش به آن درجات نائل شدند بدعوت بوده تا سیزده سال در بدین منوال گذشت تا جمیع مؤمنین کثیر گشت. مشرکین هرپ از نصب به تاب و تب افتادند و در مقام نزاع و حرب با پیغمبر بر آمدند پیغمبر مکرم به امر مالک رقاب ام خلاق عالم مؤمنین را بدفع مشرکین حامور فرمود و به کشتن آنان اشارت نمود - نهایت بد از رحلت آن بزرگوار ... شد - هر یک بفرک ریاست بر آمدند و کیدی اندیشیدند و صلابی پیغمبر رواج نگرفت (گناشتند امور خدای را مهمل) از آن تاریخ به بد امر دعوت در اسلام متروک شد جوی به این اعتقاد مانند که باید مسامحن در هر زمان بقوه شمشیر جهاد کنند و دین را رواج دهند جوی گویند همچنین است در غیبت امام تکلیف انام اسلام به سکوت است نهایت هرگاه مال دیگر بفرک انهدام اسلام برانید بر ما دفاع لازم است عقلای این طایفه گویند (دفاع کل شیخ بحسب) در این ازمنه اخیره که ملل دیگر دماهه تزیب دادند و به بھان اسلام فرستادند بد مقام دفاع

ترتیب دماهه بر ما منتعم است نگارنده در این مقام که ذکر از دعوت شد قدری از آیات قرآنی و اخبار اسلامی در وجوب دعوت در اسلام ذکر مینمایم

تقریب ترقی عوالم مدنیّت و رونق صلح و صنایع

جناب شوکت مآب مستر (روزی ویلت) رئیس جمهوری دولت متحده آازونی پیروی از حیالات صلح خواهانه امپراطور کل بمالک روس نموده برای تکمیل کفترانس صلح عمومی مجدداً دول عظام را در شهر لاهی که امروزه گهواره صلح و صنایع باید خوانند دعوت نموده و جهان مسلک که پنج سال قبل بر حسب دعوت اعلی حضرت امپراطوری کافران صلح منعقد و بنایندگان جمیع دول مدعو گردیدند - انعقاد کافران در تکمیل نواقصات منعقد خواهند نمود و سؤال و جواب در استحکام بنای صلح و جلوگیری از بلای جنگ و در دفع و دفع نواتر وحشت خیز که هر روز از یک گوشه دنیا سرزده خانمان مملکتی را سوزانده کوشش خواهند نمود و اقدامات تازه و مجاهدات بی اندازه خواهند کرد و قراردادهای جدید در حصول این مقصود مقدس و شرایط استحکام لصف و عدالت و انهدام اساس ظلم و ستم را در جمیع ملل روی زمین مستحکم خواهند نمود - مقصود مستر روزی ویلت اینست که هر قسم تواند خدمتی در طریق اسباب و عالم مدنیّت نموده و تا اندازه که ممکن است مقاصد عالیة امپراطوری را تکمیل نماید

بالجمله پس از اینکه این خبر بهجت اثر بر مرض خک بای مبارک‌هایونی صلح خواه رسبد فرمانی مبنی بر قبول این دعوت صادر و به تصویب شاهزاده صدر اعظم و تصدیق آقای مشیرالدوله وزیر امور خارجه بمناز السلطه مقیم دربار هولند به سفارت فوق العاده منتخب و امر و مقرر شد که شرکت دولت علیه را اعلان و خود نیز در ککاترس دوم صلح عمومی بحمت نمایندگی مخصوص حضور بهم رسانیده و به تکالیف این خدمت بزرگ و شرایط آن عمل نمایند و مکنونات خاطر مهر مظاهر شاهنشاهی را نسبت بتمام صلح و صنایع اظهار و اجرا دارند

از نگارشات جرائد انگلیسی ظاهری شود که جرائد هولند از قبول و شرکت دولت علیه در این

انجمن دوم صلح عمومی و حسن انتخاب و نایبندگی
چون: تنازالتنه اظهار مسرت می نمایند. در کافرانی
اولاً - بحسب عمومی جناب اشرف برین ارفع الاوله شرکت
فرمودند.

در اجابت می نویسد که دعوت رئیس جمهوری
انازون را جمیع دول حتی دولتین روس و ژاپون قبول
صکرده ولی رسماً تاریخ انعقاد مجلس معین نیست و
مظنون است که این مجلس خدمت بزرگ بموالم السابیت
خواهد سیهود

مکتوب یکی از فضلاء جلیل

به سر تمدن

(شماره ۴)

و گذشته ازین اقسام اتفاق که حصول او بمراتب
نفسانیه از رعیت و ملت است دیگر اتفاق اضطراری
است که بواسطه قهر و غلبه و قوت و سطوت سلطنت
است که ملت و رعیت از خوف تیر و تفنگ و شمشیر
و بیم و گرفتار و کوفتن و حبس و زنجیر و ترس نفی و
ارسال اردبیل و سبیریا از مخالفت و تقصیر به برهیزند و
از اوامر و نواهی حکومت و سلطنت نگریزند و ایهم شبه
اتحاد و اتفاق است باین معنی که تمام نفوس ملت مسلوب
الاختیار و مقهور اختیارات یک شخص مقتدر بختیارند
مثل سلطنت تاج شاه و امیر افغانستان و یا دولت هیه
روس و امثال ذلك و این اتفاق هر گجا ممکن بشود
نبوده نبوده است الا بشرايط كثیره در مدت قصیره و
دانستن زیاد ر این از معلومات احوال این قسم اتحاد
و اتفاق حكه در معنی فرد اعظم تفرق و اتفاق است
موقوف بدانستن حال و حال امته نك است. تواریخ
ایام و جراید رصد انتظام را مطالعه فرمایند تا صدق
مقال را برای الدین مشاهده نمایند و با اعتقاد عقل و
اهل نظر نه چنین سلطنتی را دولت است و نه چنین
جعبیتی را نام ملت بلکه چنین اسلطانها گاهی بکار دانی
نبوده و جز بتائیدات آسمانی صورت نموده و از موضوع
بحث خارج است (قل اللهم مالك الملك تولى الملك من تشاء
و تززع الملك ممن تشاء و تهب من تشاء و تذل من تشاء)
باری اول واجبات اتفاق و اتحادی است حقیقی و
مضوی و بدون وقوع آن منتظر هیچگونه استقلال و ترقی
ناید بود و این اتفاق صورت پذیر نیست الا بحقیق و

آمین قانون یعنی اگر قانون و قاعده معلوم معتبری
نباشد مردم چه مانند که بجه چیز اتفاق میسکنند و
بکدام مطلب باید اتحاد داشته باشند و بدون قانون
تکلیف هیچ فردی از افراد رئیس و مرؤس معلوم
نیست و پس از این مقدمه ملاحظه باید نمود که قانون
ناقصی را که در ملك و رعیت معمول و عری می بوده
است و ملت را قول باو و انس بفروع او حاصل
است آسان تر است تکمیل نمودن یا يك قانون غیر
مانوس را از نو جاری کردن البته بر همه کس معلوم
است که قانون جدید جاری کردن بدشواری نزد يك
بمحال است و قانون ناقص جاری را تکمیل نمودن
سهل است و آسان - امروزه غالب رعیت و جمیت
ایرانیان مسلمان هستند و باقی طوایف و جهاتی که
هستند در میان ایشان مغلوب و مستهلك محسوب میشوند
پس اگر قوانین مجده حکمه اسلامیه را که قولاً غالباً
مزمند فلأ الزمان کنند عمده و کلی از این جمیت سر
برشته قانون نهاده موجودند و اگر چه مخالف هواهای
نفسانیه شان هم باشد تخلف کردن نمیتواند و جز
گردن فرمان دادن چاره ندارند و هر گاه تمام قوانین
شرعیه جاری گردید فرق مختلفه نیز امنیت و اسقراحت
خودشان را در ظل آن قوانین حاصل میکنند و کمال
تمکین مینمایند و اینکه بعضی از جهال و بیخبران چنین
گمان کرده اند که قوانین شرعیه در همه ابواب و امور
نیست و احکام شارع را در فروع معیشت و تمدن
قصور نیست تمام غلط و اظهار جهل است که مینمایند
هیچ حرکت و سکونی از مکلف صدور ندارد حكه
شرع حکم آنرا بیان فرموده باشد

خصوصاً در مذهب عموم ایرانیان که تشیع است
و با اینکه عمل برای و قیاس را عذب اساس دین خدا
و مخالف دلیل و جوب بعثت انبیا میدانند و تا هو
حکمی ملاحظه آیات قرآن اولاً و ملاحظه سنت و
احادیث انبیا و ملاحظه اتفاق و اجماع را با شرايط
آن نائاً نکنند رجوع بقل نمایند ابواب فقه را حاوی
و جامع تمام احکام جزئی و کلیه میدانند چیزی که
هست این است که چون ما در مقام عمل نسکیم عوام
ما هم از مسئله نمی پرسند علمای ظاهری هم وقت خود را
هزرف مباحثه و گفتگویی آن کفر میکنند این است که

و حکمتنا بیان فرموده و مد تغییر و تبدیل احکام پادشاهان باقسام دسایس و مخایل بکوشیم و جردم طیبالی و هر روزه واث خود و بزورگانرا بدنام کنیم و باینواسطه رعیت را اسیر بیگانگان و دولت را محتاج همسایگان بدانیم. مثله مامثل آن پسرانست که خانه خود را از روی جهل بخمال امتثال امر و وصیت پدر از دست بدادند و بعد از انتقال باشتباه خود پشیمانان را سودی نبود (بقیه دارد)

جغرافیای ایران

(از شماره ۲۱)

و از غرب موقع محکم قلعه (دیز) و از طرف شرقی شهر دیسفل گذشته قدری بطرف جنوب جریان و از سمت راست نهر (بالارود) داخل او شده پس از آن دشت (سوس) آبیاری درجوار قصبه (بندگیر) داخل رود کارون شده و باهواز و بند اهواز داخل میشود از اینجا که گذشت کس عمیق و جسامت نموده از اراضی (باتلاق) خوزستان بالمرور در نزدیکی شهر محمره از دو دهنه صکه (پاهامشیر) و (پوزه) بوده باشد بشط العرب میریزد و در وسط دو دهنه تا بحصب (آده - جزیره) خضرا را تشکیل مینماید

این رود از جمیع رودهاییک در درون ممالک ایران موجودست عمیق و حسیب ترست از مصب پوزه تا بند اهواز کشتیهای بخاری کبابی (مال مبر) انگلیس آمد و شد مینمایند و این کشتیها ثابت لطیف و مزین شیه و مانند کشتیهای بخاری است که در شهر (سن لوای) امریک کار میکنند - چرخهایشان از عقب است فیابین بصره و اهواز آمد و شد مینمایند و در سمت داخلی بند اهواز هم کشتیهای کوچک بخاری از قبیل (استمبوط) و (موش) تا شوش دررفت و آمد میباشند در جنوب و شمال بند اهواز دو بندر موجود که این دو (بندر - اسکله) بایک رشته راه آهن بیکدیگر اتصال داده شده جبهه حمل مالالتجاره و غیره که حالان مالالتجاره و اشیاء را را در همراهیها گذارده ازین بندر بدان بندر حمل مینمایند و جمیع عدلهاییک از کشتیها اخراج میشود یا همین همراهیها حمل و نقل میشود

جهال کان کرده اند که شرع یشعری در فلان باب که قانونی نداده پس خوب است این قانون را از همسایها قرض کنیم دیگر غفلت فرمودند که خانه را چون بدستور بعمل همسایگان اداره کردیم هم بکار همسایه میخورد دیگر اهل آغخانه کار گذاران و ماموران این همسایه محسوبند - امیر و فرمانفرمای فلان اداره که رعیت گوگلان باشد تمام اهل اداره رعیت گوگلان خواهند بود اگر کسی کان کند که بکلاه فرنگی کار کرده میشود باید گفت چنین نیست بحکم لا یرد و لا یرید شاهانه کار از پیش میرود اگر دو نفر وزیر دولتخواه هر مقام صیانت و اتقان حکم پادشاه ایستادگی نمایند و نگذارند که حکم جهانمطاع خسروی را به تعلل یا تبدیل کسی در معرض اهانت برآید یا بسدور حکم معارض آنرا منسوخ نماید و اگر کسی از وضع یا شریف مامورین در اجرای اوامر و نوای شاهانه اقدام خائنه ورزد فوراً بجزای سینه خود پادشاه باید چرا باید از مامورین داخله کار از پیش نرود و مامورین خارجه کار داده شود مگر نه این است که مردم تحمل اوامر و نوای فرنگی مستخدم را بملاحظه امر و نهی پادشاهان میکنند والا زور بلجیک در ملک ایران چه مدخلیتی بر رعیت ایران دارد

اولا پروانه شاهانه را که نمونه قضای الهی است تردید و تبدیل نشاید اگر ما احکام شاه را که بقول خودمان ظل الله مینامیم بر نگاهداری و استقرار و استحكامش اقتباس از حکم الهی درباره حکم خدا و رسول صلی الله علیه و آله وسلم بنماییم که میفرماید (ما کان لومن و لا مومنة اذا قضی الله و رسوله امر ان یکون لهم الخیرة من امرهم) و در مقام ماموریت خودمان از دربار حاکم دون اقتدار در مقام عدم تخلف بدستور ماموران خدائی رفتار کنیم که در حق وحشوران و ماموران خود فرموده است (لا یسبقونه بالقول و هم بامرهم یصلون) با اینکه احادیث درباره ملائکه عذاب وارد است که گوش شنوا ندارند یعنی بقیله و قال مامور علیهم گوش نکنند و رشوت و توسط قبول نمایند و بالخاص و التماس کسی دستشان از کارست نشود پس بگوئیم دین ما احکام سلطنت و مامورین او را هم بیان فرموده است. چه راست را بگوئیم بینهر ما احکام کذا

بجنوب جریان يك رود تابع خود را از طرف باور
اخذ و در جوار قصبه (چابار) بخلیج فارس منصب
میکرد.

(رود سفید) - از دامنه جنوبی کوه (دان)
نجان پس از گذشتن از موقع استوار مستحکم قلعه
(نخت - که آب شیر) - مینامند تابع خود را از
جنوب خرابه‌های شاپور اخذ و از شمال شهر کازرون
گذشته تخت بسوی غرب و بعد بطرف جنوب تبدیل
مجرى و بنام سفید رود تسمیه و در شمال سکورفز
بندر بوشهر بخلیج فارس منصب میکرد.

رود (پرکتاف - یا ستاره گیان) - از جوار
قصبه حسین آباد نجان و بطرف جنوب جریان و از
دو طرف آبهای کوچک بسیار به او ملحق و در شمال
قصبه بیدهان بخلیج فارس میریزد.

رود (نابند) و رودخانه لار و رودخانه شور
چون اینها از آب دره‌ها و نهرهای کوچک تشکیل
و شایان تعریف نیست از تعریف آنها صرف نظر شد
(سوم)

خانهٔ بخر همان - ایات مکران دولت علیه ایران
از نهرهای دائمی الحریان محروم است و در موسم
باران برخی دره و جویهاییکه از سیل بمحصول می آید
هست که اینها در اکثر اوقات سال خشک و بی آب
میشوند.

و معروفترین آنها (رودنبت) و (رودقبر)
و آبهای (قاچو) و یا سرپاز میباشد که بگورنر
کوادر میریزد (باقی دارد)

مکتوب

ادارهٔ راه شوسه در کمال سرعت راه قازیان اتزلی
را فرش و هموار میکند. خط آهن موقت نیز کشیده
است که آلات راه را از قبل سنگ خاره وغیره
با همان خط حمل و نقل کند و پس از ختام راه اتلی
رشت دوباره آن خط موقت را خواهند برداشت
بعد از اینکه این راه از قازیان اتزلی برشت شوسه شد
مسافری از بندر اتزلی - وار کالسه شده در ظرف
(۵۴) ساعت وارد طهران خواهند شد همچنین مسافری
از طهران در مدت مذکور با اتزلی سفر خواهند کرد
بوزان اتزلی را نیز دارند طوری تسمیه و دست میکنند

اگر يك (قالی - کنده) بطول دو سیکلومتره
یعنی دو هزار ذرع حفر نمایند که از بفت بند اهواز
بگذرد کشتیهای نهری که بوزن شصت تن و بخواه
یکصد و بیست اسب بخاری است میتوانند تا پیشگاه
شهر شوشتر با کمال سهولت سیر و سفر نمایند و اگر
برخی موانع کوچک و بزرگ که در میان رود
موجودست رفع و برطرف شود یعنی باشاههای جسم
رود يك کن تنقیه شود کشتیهای تجارتي جسم که از
بندرات اقطار عالم می آیند با کمال سهولت تا شهر
شوشتر خواهند آمد - که هم بادی اعمار ملک و هم
واسطه واردات جسمه جهت امور تجارت و دوات
میشود. باید دقت شود که در هیچ زمان و هیچ موسم
همق نهر کازرون در هیچ طرف از يك متر کمتر نشده
و پیوسته از مقدار مزبور خیلی بیشترست لذا از منصب
رود مذکور که موقع پوزه است رویندیع یعنی سرچشمه
الیوم تا دوست و پنجاه کیلومتر سیر سفان ممکن و
مسترس

رودهاییکه يك سر به (بگورنر) میریزد اینهاست
رود (جراحی) و رود (تاب - آب زوره) و
(شمسپاراب) و رود (سفید) و رود (پرکتاف -
ستاره گیان) و (نابند رود) و رود خانه (لار)
و رود خانه (شور)

(رود جراحی) - از کوههای سرد سیر نجان و
آب (ارغون) که از قصبه بهبهان میگردد و (نالار
رود) که از سمت شمال می آید یکی شده و کسب جسامت
نموده پس از آن دشت کر - سپر را قطع و در منتهای
شمالی کوفزی که بگورنر جراحی خوانده میشود
بخلیج فارس میریزد

(رود تاب) از کوههای سرد سیر نجان و او
را آب شیرین تسمیه نموده اند پس از آنکه بموقع
محکم و متین قلعه (گلاب) رسید در اینجا نهر کوچکی
که از طرف دست چپ جاری است با او ملحق بعد
از آن بطرف غرب برگشته و از قصبه (دینون)
و قلعه (چام) و قصبه (مدین) گذشته بخلیج فارس
داخل میشود

(رود دشمسپاراب) - از دامنه جنوبی کوههای
سرد سیر در جوار قلعه (آرو) نجان و پیوسته در

خواهی دولت این رپورت را بتدریج نامه مقدمه برض
اولیای دولت قاهره برسانید باز هم یادآوری خواهد شد

طالش دولاب

امنیت (طالش دولاب) از توجهات جناب نصیر
حضور بمرحد کمال است نصیرحضور مرکز مأموریت
خود را ازلی قرار داده خوب از هبده امنیت آن نواح
برآمده است - طوائین طالش دولاب تلگرافی مبنی بر
رضایت خود به شاهزاده صدارت عظمی نموده جواب
مرحمت آمیزی از مقام منبع صدارت بافتخار ایشان
صادر شده اکنون محض اطلاع و برای درج در نامه
مقدمه میفرستم تا دیگران عبرت گیرند و بدانند

(بجای ظالم شقی نشسته مؤمن قوی)

(حکمه مؤمنان متقی کنند افتخارها)

درحق این وجود محترم یعنی صدارت عظمی درست
می آید و مردم بدانند در جبل المتین آنچه درباره این
وجود مبارک درج شد بی جبهه نبوده

سواد تلگراف شاهزاده صدارت عظمی

(در جواب خوانین و کدخدایان طالش دولاب)
تلگراف شما دایر بانظار تشکر و رضامندی از نظم
و امنیت ولایت و رفاه اهالی بواسطه محاسن اقدامات
و اهتمامات کامله و مراقبت و مواظبت شبانه روز
جناب جلالتآب نصیرحضور رسید و از مراتب مطلع
شدم - بدیسی است دولت حکمه جناب مشارالیه را
بسرپرستی و حکومت آنچه مبین فرموده است محض
حفظ امنیت و آسایش اهالی و رعیت و رفع هرگونه
بی نظمی و تعدیات است و البته پیش از پیش و پیش
از اینها در تأمین ولایت و رفاه و موجبات آسودگی
رعیت سعی و جهد نموده از هرحیت شاهارا آسوده
خواهد داشت که احدی قدرت تعدی و بی نظمی نداشته
عموماً در راحت باشید (سلطان عبدالمجید)

امید است حکام خسته طوائین تغییر مسلک داده
هرکدام عدالت را پیش نهاد خواهند کرد چند سال
قبل خاطر دارم رعایای طالش باغزی آمده در کلیسای
ارامنه پناهنده شده بودند گویا جبل المتین هم این فقره
را درج نموده بود اشتباهاً بعداً رعایای طالش
به معابد مسیحیه متحصن خواهند شد و قریباً ظلم
موضع باشد ضرورت نیست حکمه بجای خودمان هم

که جہازات در ۳ موقع میتوانند خود را داخل بوغاز
مرداب نمایند و در ۳ امن باشند سابق جہازات اغلب
در لنگرگاه گرفتار سکولاک شده چه کنار افتاده و
چه غرق و برباد می شدند - مال التجاره تجار ضایع و
تلف می شد این حوض یا (بوکت) که مشغول ساختن
حسند بسیار خوب خواهد شد گویا مهندسین این بنا
از نقشه (برت آرتور) با اطلاعند - اتلی هم مثل بندر
آرتور و شبیه باوست منتهی او در بحر اصراف واقع است
و این در دریای اخضر او استحکامات طبیعی را داشت
و مصنوعی را دارا شد این هم دارد و دارا خواهد شد
او راه آهن الی شهر مکن پای تخت منچوریا دارد
این هم راه شوسه الی پای تخت ما - در استحکامات بندر
آرتور ۳۰۰ میلیون خرج شده در استحکامات این
بوغاز سه میلیون خرج خواهد شد - در بندر آرتور
جہازات دول سائره مال التجاره میتوانند آورد در این جا
سایرین را حق جہاز رانی نیست و در فصل هشتم
معاهده ترکمان چلی چنین قید است که کشتی های تجاری
دولتین روس و ایران از هر دو طرف اجازه دارند
که در بحر خزر و طول سواحل آن بطریق سابق
سیر کرده بکنارهای آن فرود آیند و در حالت
شکست کشتی از هر دو طرف امداد و اطانت خواهد شد
بندر آرتور را اگر نژاد اصراف یا طایفه ایض نزاع
نموده تصرف کردند دخلی بمان ما ندارد در این بندر
نژاد اصراف را می نیست و دوستی ما با همسایه مهربان
بمرحد کمال است هر دو طرف امداد و اطانت دوست شود و
دوستی را بجای آرد تا ابد بدوستی برقرار ماند و ملک
او آباد شود و لیکن خانه را هم باید از چهار طرف
حصار کشیده حسین نمود - مثلی است مشهور در ب خانه
خودت را به بند تا همسایهات را بدزدی مهم نسازی
در ازلی بواسطه تعمیر این بندر و ترقی زمین
اراضی دولتی را حضرات با اصافها خوب متصرف
میشوند خاصه در سرسنگر و جاهای دیگر بیشتر
مستمدین میدان را خالی دیده اراضی دولت را ملک
طلق خودشان می بخندارند اگر رجال دولت برای صدق
این خبر مأمور محترم بی طعمی گسیل دارند و آن مأمور
حکم پرشت نباشد و خدا شناس و دولت خواه باشد
میتواند محبت و نظم این منصف را دریافت باید محض خیر

متعین شوند ضرفام السلطنه حاکم سابق طالش دولاپ اطمینان نداشت بانظری قدم گذارد - حالا از اقدامات جناب نصیر حضور حاکم طالش دولاپ و مواظبت شاهنشاهزاده عضدالسلطان فرمانفرمای بگلان با کمال امانت و اطمینان بانظری آمد و شده میباشد حتی چند روز قبل بدیدن جناب نصیر حضور با حشمت تمام بد انظری آمده در منزل ایشان چند روزیم توقیف نموده سپس بطالش دولاپ رفت طالش دولاپ سابق خیلی مغشوش بود از روزی که این مرد محرم از طرف دولت بصوبه شاهزاده صدر اعظم مقرر شده افسادات آنجا را مبدل باصلاح نموده شاهد مدعا تلگراف رضایت رؤسای آنجا و جوابی است که از طهران از مقام منبع شاهزاده صدر اعظم رسیده است

طاعون رنگون

بوجب خطوطیکه از رنگون رسیده تا سیزدهم فروری پست و پنج نفر مبتلای بطاعون و نوزده نفر تلف شدهاند درین موقت که طاعون پدید آمده سرایت برنگون و ملک برمه نکرده بود - ازین رو مردم رنگون متوحش و مردمان کاری بیشتر در صدمه اند چه برای کارهای خود به عمله و مزدور دسترس ندارند با آنکه بر مزد عیالجات خیلی افزوده شده - من جمله می و بجهزار تن اسباب در جهازی متصل ملومین مانده فقط سیصد تن خارج شده بود که جهاز بگلان نرفته اسبابش همه صایح گردید چون جهاز و اسبابش در [ضمانت - چه] بود کسانی ضمانت جماعتی را برای تحقیق فرستاده است

افغانستان

وقایع نگار طمس مورخه ۲۹ دسمبر از پشاور اطلاع میدهد - اخبارائیکه از کابل تاریخ ۱۴ رسیده ازین قرار است - کیسیون افغانستان در سفارت مستر (دن) با کال نجهل وارد کابل گردید امیر آنها را با احترام تمام ملاقات نمود - تا سه روز بدربار طم بار حضورشان داده روز چهارم در تخفیه ملاقاتشان فرمود - سردار نصرافه خان را مخصوصاً برای انتظام و مهابداری مقرر فرمود و نیز حکمی صادر شده که هیچ یک از افغانان سرحدی تا دو مایل اطراف چادرهای این کیسیون نیایند

بسی را گمان این است گفتگو که با کیسیون شده ازین قرار بوده است

(۱) تربیت قشون افغانستان یا افسران انگلیسی باشد

(۲) امتیاز ساختن و کشیدن راه آهن و تلگراف تا آخر سرحدات افغانستان با انگلیس داده شود

(۳) خرید آلات حرب را افغانستان از انگلستان منحصر کند لکن در مطالب منبره امیر افغانستان تحقیقات لازمه را کرده سپس به کیسیون جواب خواهد داد آنچه در باب تعمیر راه آهن و کشیدن سیم تلگراف معلوم میشود امیر جواب داده که چون امالی افغانستان مهذب و صاحب هوش نهاده و منافع اینگونه امور را نمیشناسند واضح بر این امر نیستند لابد از این مطلب صرف نظر باید نمود

مطالبیکه امیر افغانستان در مد نظر دارد گویا ازین قرار باشد

گذاشتن سفیر در لندن - و یافتن یک قطعه زمین از سرحدات هند که در ساحل بحر باشد و کشیدن راه آهن در آن مقام - امیر این امر را نسبت باطمانه که سالانه از دولت انگلیسی می باید بهتر تصور نموده و در انظار عامه نیز بر مراتب مودت و دوستی طرفین خواهد افزود

در کابل انتشار رسیدن کیسیون روس است به (بلخ) از راه بخارا - و این کیسیون در آنجا منتظر حکم امیر میباشد - و چون خبر رسیدن کیسیون انگلیسی بر آنها رسیده متقلب شدهاند - افواج روسیه مندرجاً در سرحد میسرند و میسرند مگر اجازت عبور از نهر تا سکنون نیافتهاند - در قراولانها افواج و ذخیره را افزودند و خطوط روسیه خدمت امیر کابل رسیده و جواب فرستاده میشود بقیه ما این گونه عناوین ایداق مرقوم بصح نیست

مهر چقال که برای آمدن کلکته تا پشاور آمده بود در تاریخ ۱۷ مراجعت نمود - اجازت بمسئولیه از حکومت هند داده نشد

سبب بارندگی برف و سد طرق ما کولات در کابل گناب شده و بر قیمت آن افزوده گشته - خبریکه از سرحد رسیده امیر کابل حکم فرموده سردار ضمانت یاقه خان در جلالت آباد تا ۲۵ مایل طرح اجابت نماید و هر قدر

رسوخ و نفوذ خودصبر ایران دایم لازم است سدی
سدید پیش این روزنامه که چشم و گوش مسلمانان عالم
را میکشاید بکشند - و در کشیدن این سد به پیش
این روزنامه باید تدبیری محکم که لایق و سزوار انجام
اوست بخوانند - اولاً درین باب واجب است فکری
نموده دست آویزی بدست آورد صکه استقامت
واستقامت دول اروپا را در ایران معافیات نماید

علاوه بر این نیز لازم است فکر و تدبیری لایق
نمود که مجدداً دخول جبل‌المتین معدوم شود و یا ایران
ممنوع آید زیرا که دخول نامه مقدس ایران به یولتیک
سیاسیه اروپائیان بطریق عموم صدمه عظیم وارد می
آورد و از مقصود و دلخواه عاقبت بازشان خواهد داشت
و نیز باید با فکر سلیم تدبیری نمود که بر این خطر
عظیم غالب آمد و فکر من چنین می آید که بدوا در مقابل
نامه مقدس باید يك اداره جریده محکم نافذ القوی در
ایران دائر نمود - تا افکار عموم ایرانیان را بجانب دولت
روس منحطف ساخته بطلان خیالات جبل‌المتین را
ظاهر نماید و حافظ مقاصد دولت بیته روس در ایران
باشد و پیشرفت این امر بسیار آسان است - در اول
وهله میتوان این امر را ظاهر ساخت که چون جبل‌المتین
در ضد یولتیک دولت روس سخن میراند ما نیز در مقابل
او در بطلان مقالات معاندانه او سخن رانده افکار باطله
اورا میخواستیم ظاهر سازیم

شکر خدا را که در ایران مردمان بسیار داریم که با دل
و جان محب دولت روس و تجارت او هستند پس بدین
وسیله میتوانیم کار خود از پیش ببریم - و الا انتشار
جبل‌المتین که با رأی رزین و حکم مین رؤسای روحانی
با سودگی و وسعت در میان ممالک ایرانیه و عموم مسلمانان
منتشر است اقتدار و عظمت دولت روس را در ذهن
اهالی بی وقع و وقار می نماید غیر ازین طریق مشکل
است اقتدار و اعتبار دولت روس در قلوب ایرانیان
بافی ماند و تکیه در مفر سلیم ایرانیان این ناخوشی
مصری چن شود آنوقت مدالجه پذیر نیست و محال
می نماید که این اثر از قلوب اهالی ایران رفع شود هرگاه
این موقع را از دست داده بخواب غفلت رویم آن
وقت که حکم حافظیم نمیتوانند این ناخوشی گنبدند و
ان با ایرانیان رفع و دفع کرده صالح نمایند -

انفس که برای محاسبت لازم باشد - همراه خود نگاه
خواهد داشت - سردار مزبور چه از همراهان خود را
یا قیل و اسبابهای دیگر بکابل فرستاده همینکه جهات
مزبور در (جک دلاک) رسیدند بسیاری از برف تلف
و بعضی که جان بسلامت برده در کابل رسیدند میمردمانند
سید سردار احمد خان را از عهده حکومت
قدمار عزل و بکابل طلب کرده پسرانش مغلولاً در
حبس امیر اند

لغات آن فراری که از هند مراجعت نمود بکابل
رفته از حرکت خود - پیشیاند چه حسب الوعد
گویا مورد الطاف امیر شده اند

قوم هزاره نیز که امیر وعده فرموده که ذمه داری
حفاظت آنها را بخاید و اطمینان داده بود که مراجعت
کنند چون بوعده امیر اطمینان حاصل نکرده بمراجعت
در اوطان خویش راضی نشده اند

مکتوب از روسیه

روزنامه تیلیسکی (لیستوق) منطبقه (تفاس) در
شماره [۳۶۰] بوم پنجشنبه ۳۰ ماه دیگبار [۱۹۰۴] مسیعی
که مطابق ۶ ذی القعدة (۱۳۲۲) هجری است - عنوان
ذیل را نگاشته چون خالی از اهمیت نبود نگارنده
برای درج در نامه مقدس انظ بلنظ عیناً توجه نموده
هرگاه صلاح دانسد درج فرماید

اخبار مذکور می نویسد بزرگترین سبب احساسات
محب وطن در قلوب ایرانیان انتشار آزادیات جبل‌المتین
در ایران است - مؤبد این روزنامه بموجب انتشار
جراجه تشویق رئیس اعظم روحانی ملت شیعه حاجی
شیخ محمد حسن ممقانی است که ملت ایران را بقرائت
روزنامه مقدسه امر مینماید که نگارشات جریده مذکوره
دانه تنها قرائت نموده بلکه عمل نمایند

و هیچ چیز جز همراهی علای شیعه چنین تأیید
نمیتوانست نمود - که روزنامه جبل‌المتین باین سرعت در
ایران اهمیت پیدا نماید امر آقایان انتشار اورا علناً ظاهر
ساخت چونکه امر آقای مذکور طایین اهالی ایران از همه
پشترو - واجب الاطاعه است نه تنها در ایران بلکه در
عموم ملت شیعی و طایفه مسلمانیکه در روی زمین هستند
این روزنامه نفوذ و رسوخ کلی پیدا کرده است -
- لذا سفرائی اروپا که میبایست با او معامله

❦ ایضاً ❦

در همان روزنامه مذکور در غرض شهر مزبور از قول اخبار نگار خود چنین می نویسد

از قراریکه معلوم است بعضی نمایان ایرانی توجه و میلان ایرانیان را بدولت انگلیس ترجیح میدهند نسبت بروس

روزنامهجات روسی دولت روس چنین سخن می رانند صکه ابدأ دولت روسیه طمع در ملك و خلك ایران ندارد چنانکه سالیان دراز است که دولت روسیه با دولت ایران دوستانه رفتار نموده و بد از این هم نخواهد نمود

برخی از روزنامهجات پترزبورگ می نویسد که گویا روزنامه جبلالتین برای منفعت شخصی و یا منظور نظر نمودن خود را در نزد دولت انگلیس طرف داری انگلیسان را مینماید و بعضی خیالات درباره دولت روس ظاهر میسازد اینها همه جعلیت ملرا باید که وصیت پترکیبر را فراموش ننمایم چنانکه دولت روسیه همیشه از در دوستی درآمده من بعد هم خواهد درآمد ما میخواهیم هماره با دوستی به مقاصد خود نائل گردیم

❦ جبلالتین ❦

(هر کسی از ظن خود شد بار من)

(وز درون من نجست اسرار من)

يك طرف جرائد انگلیسی نامه مقدس را هدف تیر ملامت ساخته طرف دار رقیب خود ظاهر میدارند - از طرفی جرائد روسیه علناً جبلالتین را طرفدار انگلیس تصور کرده بر سر و سینه میزنند اینست مگر ناشی از خود غرضی و خود بینی که السا را کور و کر می سازد - جرائد همسایگان جنوبی و شمالی ما از مذاق حقیقی جبلالتین که ایران پرستی و اسلام خواهی یقیناً بقب بد و تجماع طوفانه مینمایند - بارها گفته باز هم به تنگ بلند و علی رؤس الاشهاد (میگویم و می آیمش از عهده برون) هیچ عرض و غرض در جبلالتین جز حب وطن و آبادی ملك و آزادی ملت و استقلال و قوت و قدرت دولت خود نیست و هیچ سودئی جز ترقیات اسلامی اعضای جبلالتین را بر سر بوده و نخواهد بود تمام ملك انگلیس و حاکمیت روس را با يك قبضه خاک وطن مقدس خود صکه بخون آباء

گزارشان آفته است مبادا و معاوضه نتوانم کرد
(گویند حریفان که زکوی تو حکتم یا)
(لیکن چه توان کرد که سر عشق قدم ساخت)

علی ارباب جرائد همسایه هر يك مقالیکه بخيال خویش مضر بتلك خود دانسته موضوع بحث قرار داده - چون جراید فارسی زبان بواسطه رسوخ و نفوذ اجانب در داخله یا مرعوبات و همب ازین گونه مقالات کثیری نویسد و متعرض حرکات اجانب کمتر میشوند جراید اجنبیه چنین خیال باقی کرده اند و یا ریباً من غیر رام تیری انداخته تا خطای اجحاف و تعدی خود را پوشانده بدین خود شیرینیا ملت و دولت طرا اغفال نمایند و به تصور برخود خیالات ملک و دولت را از جبلالتین مشوب سازند مهابت مهابت

(آن سبو بشکست و آن پناه ریخت)

اینکه جراید روسیه که باید تدبیری کرد که مانند سابق نامه مقدس در ایران آزادانه اشاعت ننمود - نمیدانم چرا هم قلمان محترم ما تا این درجه سقیم الرای و علیل الفکر اند و چه نتیجه از آن همه اقدامات اولیه خود حاصل نموده صکه از اتهامات جدیده خویش حاصل کنند

(رفیقا تنگ را بر علت افکن)

(ندارد آینه باقه گناهی)

همصهران محترم عرض ما - مقتضیات زمان و احتیاجات لایتمای ولعلمات همسایگان و سیلیهای همجواران ملت و دولت ایران را بهوش آورده از خواب گران غفلت بیدار کرده نیک و زشت و دوست و دشمن خود را شناخته ازین گونه ترهات جنم از حقوق خویش و شرف ملی و لذات آزادی نتوانند پوشید فرحاً باغفال برخی از رجال باز هم روزنامه مقدس از ورود بخساک ایران ممنوع کرده هیچ گونه خلل و نقصانی با اداره اسلامی جبلالتین وارد نخواهد آمد و ملت ایرانی مجدداً بخواب نخواهند رفت امروز جمیع فرق اسلامی متوجه جبلالتین اند گیرم قومی را هم از قرائت آن محروم نمودند اقوام دیگر اسلامی فاشه خود را گرفته و اثرات صکه بر جبلالتین مقرب است بخشیده خواهد شد - دلپیش بین و مثالش طایران است سه سال کامل جبلالتین از ایران ممنوع بود از مقام

اوتکاست و اثرات خود را بنحید از مقام (الانسان حریس
علی مانع) قائل نیاید شد که از اطراف و اسکناف
ذطن السداد بهتر از امروز نامه مقدس ایران میرفت
اینکه هم قلم ما نگاشته که علاج نفوذ و رسوخ و
قوت جبلالتین را باید بانتشار یک جریده آزادی در
ایران نمود چشم ما روشن - دل ما شاد
(عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد)

شاید بدین وسیله نقائص مطایع ما در ایران تکمیل
پذیرد. جبلالتین رواج مطایع و اشاعه معارف را هم قسم
در وطن عزیز خود از صمیم قلب خواهان است. چه
معلمین است که اینک رجال ملت و دولت ما بیوش آمده
نیک و بد و خیر و شر خود را تمیز نمیتوانند داد
لذا ازین راه منتفع خواهند گردید و شهد را از
زهر جدا ساخته خواهند نوشید

با این همه همصران خود را متذکر این مقالم که
(من جرب الحرب حلت به الندامة)

(جراحی را سکه ایزد بر فروزد)

(هر آنکس بفکند ریشش بسوزد)

روزنامه (ماورای بحر خزر) در عشق آباد که همین
غرض یعنی مخالفت با جبلالتین اشاعت یافت - و در
هیچ نمره نیز از مذمت نامه مقدس و تهمت بر ما و
جملیات بجا فرو گذار نکرده در هر صه این ده سال
چه نتیجه حاصل نمود که از جراند جدید حاصل
نمایند - بخیال من آسودگی در آن است که ترک طمع
و غرض را گفته بحق خویش راضی باشند تا هدف
سهام ملات نگردند

پارها گفته بدین موقع هم همصران و هم قلم
خود را مخاطب ساخته میگویم - و بذات یکتای مطلق که
در رگ و پی و خون ما محبت و ملن را جای داده
قسم یاد میکنیم - که در نظر ما ملتین روس و انگلیس
درجه مساوات را دارند و هیچگاه محبت انگلیسان
با روسان طرف نشده و هرگز در همراهی بره بیان با
انگلیسان مناقشه نکرده و نخواهیم کرد - در امریکه
مضر بوطن عزیز ما باشد روس و انگلیس را یکسان
جدایم و هرگز رضا نمیدهم ملت ما تحت اقتدار
هیچیک از دولتین روس و انگلیس قرار گیرند ما آزادی
و آبادی و ترقیات ملک و ملت و دولت خود را بالاساله
خواهیم چرا که شرف و ناموس و عزت قومی ما تا وقتی
است که از خود سلطنت داشته باشیم - بازم همصران
حاضر خود را متذکر میگویم که ازین و بعد نمیتوان
نیات صافیة اعضای روزنامه مقدسه را در نظر ملت
و دولت بدین اتهامات که رسانده انگلیسها با طرف دار

انگلیس اند و یا جراید انگلیسه رساننده روسیان و
طرفدار روسشان جلوه دهند مکندر ساخت روزنامه
مقدس هیچ گاه رضا نمیدهد که احدی از همجواران
در وطن مقدسش رسوخ و نفوذ پیدا نماید

اگر چه تا اکنون مسلك ما در جواب هم قلم
خوشی بوده و هست ولی چون همصرا محترم ما (قلیسی
لیستوق) ما را به تهمتی بزرگ یاد کرد که بشرف و
ناموس ملت و دولت و وطن پرستی مان بر میخورد ناچار
بدین مختصر رفع تهمت را از خود لازم دانستیم چون
باشاره یا صراحت نام برخی از همقلمان دیگر ما نیز در میان
آمده از یگان یگانشان معذرت میخواستیم

(والعذر عند کرام الناس مقبول)

بقیه تلکرافات

(۹ ذی حجه - ۱۵ فروردی)

اداره بحری (توسکیو) اعلان نموده که اگر
جهازاتی که حامل ذقال است بمحبت جهازات (بالتیک)
بیایند افسران بحری واپون هم را غرق خواهند کرد
غیر (روتز) از (توکبو) خبر میدهد - جهازات
موشک شکن (صریق) و (فبوق) که در واپون ساخته
اند - امروز دریائی شد یک فروند جهاز دیگر هم آماده
و نزدیک است دریائی شود

غیر (روتز) از میدان جنگ خبر میدهد که نه
هزار سواره روس با توب خانه کامل دیروز شام
سی میل جانب شرق (لیایانک) دیده شده سکه
میخواستند از رودخانه (من هو) عبور نمایند و حله
بر یسار اردوی (مارشل اوپاما) برند - در قلب اردو
لشکریان روس حرکات دایرانه خیلی ابراز میدهند

(۱۰ ذی حجه - ۱۶ فروردی)

دسته سوم جهازات (بالتیک) از [لیبو] روانه شدند
(دیوکلاگس) افسران بحری دسته سوم جهازات
بالتیک را خدا حاضی کرد
وزیر مختار دولت علیه ایران آقای (عنازالملك) که
در (سیویارک) رسیده بیان فرموده اند که دولت ایران
اطمینان کامل بدوستی دولت جمهوری (آمریک) دارد
و مانند سایر دول اروپا دوستی دولت مشارالها را مبی
بر حرص و طمع نمیداند - ازین است که دولت ایران
دوستی دولت آازونی را هماره با وقت دیده و می بیند
(مارشل اوپاما) اطلاع میدهند که حصه از سواران
روسیه قبل ازینکه افواج کک واپون برسد در جنوب
رجعت کرده - واپونیان آمارا تعاقب کرده قدری
هم قصان با آنها رسانند -

بجواب سوال مسز (برانس) مسز (برادریک) در
دارالشورای ملی انگلستان بیان نمود که هزارج کیسیون

نارنجی در کالسکه دیوک افتاد که از قوت آن کالسکه و اسب و دیوک متلاشی شدند - قاتلهای دیوک کوتار و یکی از آنان نیز سخت مجروح گردید چند نفر شاگردان مدارس بدین جرم ملزم شده اند - دیوک موصوف مدعی بود که در انتظار اصلاح خواهران غار طریق ترقی شناخته می شد

آنجی معلوم می شود جسد دیوک موصوف از صدمه نارنجک قطعه قطعه شده هنوز نرسیده به بیمارخانه جان نسیم نمود - یکی از قاتلان دیوک بعد از گرفتاری بیان کرد که من کار خود را کردم و ابدأ پروا از قصاص ندارم - جسی از سربازان بر گروهی از شاگردان مدارس که در اشاعه اعلانات مفسدانه مشغول بودند حمله شدید کردند

خبری که برخی محل بر صدق نمی نمایند از طرف جنرال (کروپاتکن) رسیده که قشون کک روس محصور شده - و ژاپونیان آنها را پست (پرست) تعاقب کردند اخبارات معتبره روس از قتل گریند دیوک (سرگس) پیزاری می جویند ولی میگویند این همه رفتارهای باغیان از عدم تدابیر عالی در اصلاحات لازمه ملکی است اخبارات (پترسبرگ) از مضامین شور انگیز راست

کارکنان راه آهن شمالی و مشرقی (مسکو - روسیه) و (مسکو و کریف ورنز) و (مسکو و بانک وندا) همه سر به بیابگری بلند کرده - کارهای کارخانه آجرالذکر همه بنداست - و در سائین قدری کار میشود -

اعلیحضرت امپراطور روس در اخبار رسمی بر قتل همی خود (گریند دیوک سرگس) از دست باغیان نظام تأیید ظاهر فرموده و در وصف وی بیان فرموده اند که ایام زندگانی ایشان همواره برای رفاه و فلاح ما و مملکت ما وقف بود -

امروز يك مجلس رسمی برای تشفیکه بر عتق (گریند دیوک) متصور میباشد بطریق غیر رسمی منعقد خواهد شد

(۱۳ ذیحجه - ۱۹ فروری)

خبر قتل گریند دیوک (سرگس) در (پترسبرگ) اشاعه اعلانات شورش انگیز را زیاد نموده از نقاط مختلفه روسیه خبرهای شورش تازه خلیلی موحش میرسد اعلیحضرت امپراطور مقرر فرموده اند که تا یک هفته در دربار مراسم تعزیت (گریند دیوک) معمول شود اخبارات (ناشی می) و (ناشی شن) را دو پترسبرگ سه بار تأکید میدهند و اقبیت تا سه ماه توقیف از طبع گردیند

(بیت) که (۸۱۲۷۷۰) لیرا میباشد بر طزینت مند حمل خواهد شد - جبه این کیسیون کلیه برای بهبودی مند بجانب ثبت حرکت نموده

(۱۱ ذی حجه - ۲۷ فروری)

جنرال (کرین برگ) وارد (پترسبرگ) گردید کسانیکه جنرال موصوف را ملاقی شده - بیانات ورا چنین اشاعت میدهند که جنرال (کروپاتکن) کاملاً از حمله بر (سندیبو) واقف و خود برای قشون حدود مقرر مسکوره دستور العمل داده بود - و ما موافق دستور العمل وی عمل نمودیم - اگر جنرال مذکور در آن موقع مهول حسب خواهش سرکردگان قشون کمک میفرستاد صد هزار ژاپونیان را محصور میکردیم و به سبب همین کج رفتاری جنرال (کروپاتکن) جنرال موصوف از عهده سپسالاری دوم قشون منجوریا استعفا داده از میدان جنگ بیرون شد

اعلیحضرت امپراطور روس امر فرموده اند که در (زارکوسلو) مجلس وزراء بریاست شخص امپراطور منعقد شود (مستردیوت) نیز در آن شامل باشد - مقصود از انعقاد مجلس این است که تغییرات لازمه در مجلس موجوده وزراء داده و همه از روی قاعده صحیح انتخاب - و در کارهای مرجوعه خود مسئول باشند گریند دیوک (سرگس) در (مسکو) سوار کالسکه به (کرمان) بیرفت - نارنجکی در کالسکه او افتاد که از صدمه اش جان تسلیم نمود

(مارشل اوپاما) اطلاع میدهد که بتاریخ پانزدهم سواران روسیه را رجعت داده عقب نشانند

(لیدی کرزن) زوجه محترمه فرماقرمای هند در (مارسیلس) رسیده برای تاشا بخاک آمدند

(۱۲ ذیحجه - ۱۸ فروری)

یکی از وقایع نگاران اخبارات روسی تلگرافا خبری دهد که یوم چهاردهم دست قشون کک روس با دو توپ تعاقب سربازان ژاپونی که راه آهن را خراب می کردند نموده طاقت ژاپونیان کک یافته آنها را محصور کردند - قصاصات قشون روس زیاد بود و یک توپ را هم از دست دادند

اخباراتیکه از (پترسبرگ) رسیده ظاهر میدارد که شورش اعمالی با ژزیاد میشود هزاران نفوس باز شریک بلوایشان شده رجال با سیاست روس این اغتشاشات را خوفناک می شمارند - (بلیس) در گرفتاری باغیان و برقرار داشتن امنیت سامی است

گریند دیوک (سرگس) طرف (کرمان) بیرفت بین راه کالسکه را بر خورده که مو قتر در آن سوار بود کالسکه عقب کالسکه دیوک هر حرکت میکرد نگاه

(شماره ۲۰ فروردی)

§ ولایت منگول (دولت تلگراف) از پترسبرگ مینویسد که در مجالس رسمی این امر قوت گرفته که خانم جنگ هر قدر زود شود برای دولت و ملت روس بهزیست

§ اعلیحضرت امپراطور روس جنرال (کرین برگ) را با مراسم بیکران ملاقات فرمودند

§ مراسم تکفین و تدفین گریند دیوک (سرگس) را شب مقرر داشته اعلیحضرت امپراطور و خانواده سلطنت شریک نشدند تمهیل مراسم عزاداری غیر رسمی خواهد بود

§ اعلیحضرت (ادورد هفتم) پادشاه انگلستان و پرنس (افه-ویلز) ولیم دوم دولت انگلیس محسن اظهار تعزیت و تسلیت به ملاقات دیوک (شکندروف) وزیر مختار دولت روس تشریف بردند

§ اهالی (پترسبرگ) چنان تصور میکنند که قتل گریند دیوک (سرگس) قلوب خاندان سلطنت را زایدالوصوف منالم و مکدر و مشوش ساخته است

§ مخبر (روتر) از (توکیو) خبر میدهد که در مقابل راه (شاهو) و (هن هو) عساکر بسیاری از روس در حرکت آمده - غالباً سرداران را تقسیم جدیدی در اردو مدنظر است

§ هیئت کیسیونیکه برای تحقیق شکایت عملیات منهدم شده مجاویز بلینه پیش کرده اجازت به عملیات کارخانجات نیز در فرستادن وکلای خود داده شده است

§ به اجازه جنرال (تروف) مجلس بسیار بزرگی در اداره تعلیمات (پترسبرگ) منعقد گردید شاگردان مدارس جمعیت زیاد نمودند - کسانی که در مجلس نطق دادند بر ظلمیکه در شلیک قشون بر اهالی شده سخت نکته گیری کردند و سخنان زشت و سحت گفتند اهالی بیرقهای سرخ و سیاه را که باین الفاظ نوشته بود (بکشید کشندگان خود را) بر فراشته بودند - تصویر اعلیحضرت امپراطور که در آن جازم بود قطعه قطعه حک کردند - جمعیت زیادی از (پلیس) مسلح در حوالی بود دست از با خطا نه نمودند

§ جهاز (سلونیا) و (پوردوم) انگلیسی که حمل ذغال برای (ولادپوستک) داشتند جهازات ژاپنی گرفتار نمودند

(۱۰ زنجبه - ۲۱ فروردی)

§ عملیات راه آهن شمالی و مغربی روس در (کیف) مجلسی منعقد کرده که در آن از اقتضایات عمومی و رفع کمالات بحث نمایند

§ مجوزاتیکه در مجلس بزرگ اداره تعلیمات (پترسبرگ)

پیش شده و امضا یافته با انضاط بسیار خشن است که نمودیت و حق سلطنت شخصیه را ظاهر میدارد و اقدام سلطنت شخص که سرایا خطاست لازم قرار داده اند اقدام عملیات را تعجید کرده اظهار داشته اند که اجرا و انجام خواہشات آنان لازم است

§ از یوم یکشنبه زد و خورد زیادی در (بادکوبه) شده مسلمانان با سلاح بر ارامنه حمله می کنند

§ نگارش اخبار رسمی دولت میرساند که یک مجلس شورای ملی بتاريخ چهارم ماه آینده در (پترسبرگ) منعقد خواهد شد

§ بواسطه اشاعه اوراق شورش انگیز در (تراسکوسیلو) حکم (مارشل لا - قانون جنگی) در شهر جاری شده است § از اداره بحری فرانس برای استحکام مستعمرات جدید فرانسه در چین نوشتجات چند در دارالشورا پیش شده در آن اشاره شده است که ترقیات قوای بحری همسایه قویه آنان که ژاپون است مجبور میدارد که بر قوای بحری خود بیفزایند

§ مخبر (روتر) از بشدر (لوی) خبر می دهد که بتاريخ شانزدهم هفتاد فروند جهازات (بالٹیک) که جهازات ذغال و نقل نیز شامل است در (سی) رسیده سپاهیان بحری روس در خرید اسبابهای غیر ضروریه مصرفه مشغول اند

§ مخبر (روتر) از (پترسبرگ) خبر میدهد که با وجود انکار رسمی خبریکه مأخذش موق و صحیح شمرده میشود این است که اعلیحضرت امپراطوری در شرایط صلح نه فقط بحث فرموده بلکه عملاً نیز تصفیه بدین گونه کرده اند

(۱) تسلیم اقتدار و شاهنشاهی ژاپن بر (کوريا)
(۲) الحاق جزیره های (لیاوتنگ) بممالک ژاپون
(۳) بندر (ولادپوستک) را بندر عمومی برای تجارت تمام دول قرار دهند

(۴) راه آهن شرقی چین را تجارتی قرار دهند و انتظام آن را با اختیار نمایندگان تمام دول مقرر دارند
(۵) حصه از منچوریا که در شمالی [هاربن] واقع است بدولت چین واگذارند - شرطیکه خیلی اهمیت دارد مسئله تاوان جنگ است - و در این شرط ژاپویان اصرار ببلغ دارند ممکن است که ژاپون برای قبولایمن این شرط بروس جنگی دیگر کرده قعی تازه حاصل نماید - مشکلاتیکه در نظام اداره بحری و اندرونی روس پیش آمده رجال با سیاست روس را عاجلاً متوجه به صلح نموده و تاوان جنگ را نیز تسلیم خواهند - نمود این مسئله یعنی تاوان جنگ روسیان را از همه شرایط سخت تر است

(۱۶ ذی الحجه - ۲۷ فروردی)

§ سبب نگر از بلوایان روس بتاریخ پشم راه آهن چین (هیچنگ) و (تیفو) را طراب کردند - و نیز در جانب غرب (لاؤ) که نباید اقدام درین گونه امور شود از این گونه اعمال باز نیامده اند

§ این امر محقق نیست که اعلیحضرت امپراطور روس بذات خود شرایط صلح را مجبور فرموده باشند - ولی محققاً تلگراف دیروز در ماده صلح آئینه خیال جماعت بزرگی از صلح خواهان روس است که خیلی با عظمت و رسوخ میباشند

§ دیوک (سومانسو) قبول شرایط صلح را بدین وضع محال بلکه خلاف عقل تصور میکند

§ کمیسیون نانی حاده بحر شمال تحقیقات خود را ختم کرده غالباً یوم شنبه رأی خویش را شایع نماید - کمیسیون درباره موجودگی یا عدم موجودگی جہازات موشک هیچ ذکر نمی نموده - این امر را اشاره کرده اند که امیرالبحر (روزولسکی) اندیشه خطر بسته جہازات خود داشت در این صورت در آنچه برای رفع خطر از جہازات خود نموده ملزم نتوان قرارش داد ولی کمیسیون رأی داده خساره که بر مردم بیگناه درین حاده وارد آمده بردارت روس واجب الاداست

§ تاگراف مختصری از (بادکوبه) رسیده ظاهر میدارد که همه ادارات مسدود و کوچه و بازار پر از اجساد کشتگان است

§ یکی از جہازات فرانسه برای روس اسباب جنگ و (دامیت) حمل نموده در (جیوتلی) و (دیگوسارس) آورده است

(۱۷ ذیحجه - ۲۷ فروردی)

§ هموم اخبارات از تصنیف کمیسیون حاده بحر شمال استعجاب دارند و میگویند که این فیصله قطع سیاسی روس را مسلم داشت

§ تلگرافیک از (بادکوبه) رسیده ظاهر میدارد این امر خونریزی که در شهر واقع شده از شدت ظلم صاکر دوات بود است - به سبب اختفایش راه آهن پسته (پوند) و (آلمان) و (استریا) مبادله نمی شود (وارسا) که ایستگاه آخر راه آهن (ویا) است قشون منصرف است

§ درباره حالات ناگوار (بلقان) که اعلیحضرت (ادوردهفم) پادشاه انگلستان در تقریر خود حین افتتاح پارلمان اشاره فرموده غیر (روتر) خبر میدهد که لارڈ (السون) وزیر خارجه دولت مشارالها مراسلاتی چند نزد سفرای دول سائر فرستاده باین معنی که انتظام امور ملکی (مقدونیا) بذریعه کمیسیون

منتخبه دول بشود - و اختیار تعیین حکومت با سلطان باشد - نمایندگان دول سایر در اصلاح طلبانه مقدونیا که دولتین روس و استریا پیش کرده خود و فکر نمایند

§ شب گذشته وزیر بحری فرانسه در مجلس نوابان اظهار داشته که فهرست امور جدیدی برای نظم اداره بحری همه مراتب را حاوی است و از آن ظاهر میشود که بیست و چهار جہازات بزرگ جنگی باید ساخته شود مصارف سالیانه تا سنه ۱۹۱۵ [۵۷۰۰۰۰۰] لیرا تخمین شده است دو استحكام جدید در چین ساخته خواهد شد و نیز تعمیر بندرگا - بزرگی در [سبگون]

§ غیر (روتر) از (توکیو) خبر میدهد که ژاپونیان اراده دارند يك صد میلیون (ین) بسود صدی شش چهارم قرضه خود را اعلان نمایند مدت ادای این قرض هفتاد سال مقرر شده است

§ امروز حکمنامه کمیسیون حاده بحر شمال بدستخط رسیده اعضای کمیسیون در بعضی مواضع تکر بیانات دولت انگلیس شده چنانچه اراد کرده اند که چرا امیرالبحر (روزولسکی) تا دیر باز شلیک نکرد و افسران دولت انگلیس را خبر نداد

§ رپورتیهای شور انگیز از نواح (قاف) خاصه از (باطوم) و (بادکوبه) میرسد آمدوشد پست مسدودست و بحری به صراحت و صحت رسیده ولی رپورتیهای مختلفه ظاهر میدارد خونریزی و اختفایش همی را در تمام نقاط روسیه و معلوم میدارد شورشهای تازه را در بلاد مختلفه روس

§ اختفایشات راههای آهن زیاد شده امروز در (وارسا) جماعت زیادی از بلوایان هجوم آورده پلیس ملزمین را مجبوراً رها نمود - قشون بر بلوایان شلیک کرد عده تلفات تاکنون معلوم نیست

(۱۸ ذیحجه - ۲۷ فروردی)

§ از خبریکه باسلامبول رسیده معلوم میشود که اختفایش در [باطوم] و [بوت] این قدر زیاد شده که برخی از جہازات بحراسود ناچار بر بندر (بوت) شلیک کردند - بلوایان از اهالی (جرجان) وعده ایشان بالغ بر چهل هزار است

§ غیر (روتر) از عدن خبر میدهد پنج جہازات (بالتیک) حرکت بجانب شمال نموده و از (مگد اسکو) گذشتند

§ افواماست که ملای مفتون در [سوماترا] جدا سر بلند کرده بر سلطان [اویا] حمله نموده جماعتی از همراهان و پراگته است

«جبل اللین»
 «مدیر کل کالج استریت نمبر ۴»
 «کلیه امور اداره با»
 «مدیر کل مؤید الاسلام است»
 «منتظم اداره»
 «آقا محمد سواد شیرازی است»
 «میردوشنبه طبع»
 «سه شنبه توزیع میشود»
 «بتاریخ دوشنبه»
 «۲۹ فی الحبه ۱۳۲۲»

«از هر کس و هر جا بلا استثناء ابواب اخبار»
 «(مقدم حرکت می شود)»
 «روزنامه مقدس»

«قیمت اشتراک»
 «سالانه — شش ماهه»
 «هند — و برمه»
 «۱۷ روپه — ۷ روپه»
 «ایران — افغانستان»
 «۴۰ قران — ۲۵ قران»
 «عثمانی — و مصر»
 «۵ عییدی — ۳ عییدی»
 «اروپا — و چین»
 «۳۰ فرانک — ۱۷ فرانک»

جبل اللین

سنه ۱۳۱۱

«قبل از دریافت نمودن قبض اداره»
 «۶ مارچ ۱۹۰۵ میلادی» (خریدار نباید قیمت اخبار را باسحق تسام نماید) ۱۰ منات — ۶ منات

فهرست مندرجات

- سیاسی • عمره • تخریب نامه • مکتوب از مکران •
- مکتوب از گیلان • سرآت رشت و زیبا • مکتوب از قفقاز • مکتوب از عراق • جبل اللین • سخن مطهره •
- سکرین • مجلس تجارت بندهاد • مساجد احتیضاس شیعیان در بندهاد • فاتحه خوانی سپهسالار اعظم • مکتوب از خراسان • مکتوب از بوشهر • چاره مقین دوترویج دین •
- مناقشه کمرگناه بوشهر با بست خانه انگلیس • جرائدای ایران • تاریخ حرب ژاپون • تبریز • مکتوب یکی از فضلاء جبل • تلگرافات • اخبارات داخله

سیاسی

سابقاً نوشتیم که منازعه منچوریا را کشتار عظیمه (شاهو) و عظمت نسیمبر بندر (آرهر) فیصل نموده و حرکت روسیسان در اقصای شرق ازین و بعد در منچوریا حرکت منبوح است آنچه عقیده سیاسیون بود که روسیسان در نگاهداری (مکن) چندان استقامت نتوانند کرد چه مکن را استحکامات طبیعی نیست بلکه روسیسان را در حلات شدیدة ژاپون پناه دهد نزدیک است صورت وقوع پیدا نماید - چون (مکن) درناو منچوریا واقع است مدبرین روس را تصور آن نبود که در مقابل آنان خصی پیدا شود بلکه آن هم طرق صبه را طی و خویشتن را بدین شهر پای تخت برساند - ازین رو بدوا در (مکن) قلاوینة که در اینگونه حلات شدیدة عمل آرد احداث نشد - فقط وقتیکه جنرال (کروباتکن) از (لیاوانک) فرارا مکن رفت بعضی استحکامات مختصر ساخته - ولی قابل دفع دامن که قلعه آهنین را به بجه فولادین از جای برکنند نیست -

«میتوان گفت جنرال (کروباتکن) را اردوی بزرگ مرتب و منظم موجود است که عده لشکریانش از اردوی (مارشل اوپاما) کم نیست - ولی فکر سرعوب بی دربی شکست خورده روس با آلات و اسلحه کهنه - در برابر لشکریان جرار جسور فاتح ژاپون با بهترین اسلحه جدید چگونه استقامت توانند کرد»

«تمام امیدواری جنرال سکروباتکن قشون کمی که دولت روس او را وعده داده میباشد - ولی از یکطرف صورت سرط و از طرفی دیگر اغتشاشات اندروی لشکریان روس را پیش از پیش مایوس نموده است - عدم توجه دگی اسباب برای دولت روس دو فرستادن قشون کمک باقصای شرق ازین تلگرافیکه روزنامه (طمس) اشاعت داده نیکو ظاهر میباشد (قشون کمی که دولت روس دسمبر [۱۹۰۵] برای جنگ اقصای شرق فرستاده قبل از اپریل [۱۹۰۵] که عبارت از پنج ماه است شوا - رسید) ظاهر است که در هرصه بجهه زیاده بر آنچه دولت روس کمک باقصای شرق فرستد از لشکریانش چه در جنگ و چه از بیماری تلف شده اند - بملاحظه همین نکات ارباب بصیرت را از آغاز جنگ عقیده این بود که دولت روس نمیتواند در اقصای شرق بمقابله ژاپون استقامت یابد»

«حجم فوای از اراده روسیسان در تخلیه (مکن) و حلات شدیدة لشکریان ژاپون اشاعت یافت - اگرچه این خبر سمت رجحیت ندارد ولی قرآن خارجه میباشد که اگر امروز تخلیه نکرده فرما خواهند کرد و بسته بیک برش دیگر لشکریان ژاپون است بعد از تخلیه (مکن) حالت قشون روس را در

کسانی که در وجود امپراطوری رسوخ و قوت تامه دارند بدین امید که هر حکمی را خواسته باشند صادر توانند نمود اختیارات خود را غیر محدود تصور کرده و اسب استبداد بی درنگ در میدان خود فرضی مینازند - همین قسم است حال امرا و حکام و کسانی که در وجود رجالی که پادشاه را در دست دارند مطلق العنان و برحاشا در نبض و ملت استبداد حرکت مینمایند - این است که در ملک استبداد همومیت پیدا کرده قوانین جبریه ناکصه دولت نیز مهمل و معطل مانده و با آله اجساف رجال متوسط برای مرعطین بیدست و پاست

(سر چشمه نای گرفتن به بیل)
(جو پرگشت نتوان گذشتن ز بیل)

قبل از آنکه در روسیه بلوا سمت رسمیت پیدا یابد (سیوروماناف) که از رجال با سیاست خیرخواه و روسی الاصل است و چندی قبل به سمت جمهور طلبی حکم بجلاء و وطنش صادر و اینک در (نیویارک) مسکن گزیده مقاله خطاب به شخص شخص امپراطور در روزنامه (نیویارک هرالد) اشاعت داده چون بیاناتش مبنی بر سیاست و پیشین گوئیهایش همه بوقوع رسیده و میرسد ترجمه آن را درین جا خالی از تناسب نیافتیم

ای خدای اسفر و امپراطور اعظم - اگرچه خاطر مهر مظاهرهت را برخی خود غرضان از کین چاکر خیر خواه صداقت سعادت باندازه مشوب ساخته اند که سخنان بر غرضانهم در قلب مبارکت جلوه خود فرضی می بخشد - ولی بعظمت روحانیت که رب صغیر ما و بجنوق شاهنشاهیت که خیر مایه شرف و عزت قومی روسیاست قسم یاد میکنم - که تا امروز سخنی جز بخیر دولت و قدسی جز در راه ترقی سلطنت بر نداشته و توده ام - چه عزت شخصی و صرف و افتخار نوعی من بین الاقران قطع بانساب ملی و اتصال آستابست که ما روسیان را خاکش توتیای جنم است تصورم چنین و تقصیرم جز این نیست که رقیبانم از منافع عاجل خود چشم پوشی نکرده و مقتضیات وقت را ندیده گرفته - مسنگ امروزه دولت که بمناسبت پیش آمد طوفان ایام جراحی سحری یا حباب بر آب را ملد بسندیده - و به تعجیب و تعریفات بی خردانه وضع امروزی دولت که منافی با طبیعت عالم است در نظر اندست بیکورین اوضاع جلوه میدهند - اینک پرورده احسان امپراطوری بحکم دانتس (که امروزه در وطن مقدس من گزاهی عظیم شمرده می شود) از استقلال

منجوریا میتوان تشبیه نمود بچنگ (بوز) در افریقای جنوبی و وقتیکه (لارو رابرت) سپهسالار دولت انگلیس آمده تسخیر (بریتوریا) پای تخت (تونسوال) را نمود بوژان منتشر شده و در کین بنشته بر قشون انگلیس تا مدتی حلات دزدانه می نمودند - معلوم است که این گونه حلات را دوام و قوامی نه و جز معطلی خصم اثری بر وی مرتب نباشد - منشأ اصلی و مقصد کلی بوژان نیز همین و بحال آنان هم همان نافع بود برخلاف روسیان

هنوز معلوم نیست افکریان روس از (مکدن) بکدام جانب رخ خواهند نمود و کدام نقطه را پناه گاه خویش قرار خواهند داد - آیا ژاپونیان آنها را براکنده خواهند ساخت ؟ یا محصور خواهند نمود و یا بانظام تمام فرار خواهند کرد ؟

البته جوهر ایاق و جودت جنرال (کروبانکن) در فرار مینمایند که اگر تخلیه (مکدن) لازم آید قبل از وقت جنرال موصوف قشون خود را بانظام تمام حرکت داده با کمال استقلال و سکیته و وقار فرار خواهد نمود - و جراثد اروپا هر يك یا صد زبان هم سر بر تعجیب و توصیف حسن قرار او را از (مکدن) خواهند کرد و ژاپونیان را نویخ و سرزنش و هزاران نکته چینی از فتوحات بینة آنان خواهند نمود چنانچه در فرار جنرال موصوف از (لیاویانک) و فتوحات عظیمه ژاپون که تاریخ دنیا مانند آرا نشان نمیدهد نمودند - این سخنان را علاجی نیست چه مصیبت نصرانیت و بینونت شرق و غرب چشم و گوش انصافی آنان را کور و کر ساخته ایدا از لوم لایم نیز برهیز ندارند

افتشاشات اندرونی روس تا اندازه جلوه میدان جنگ اقصای شرق را در افکار سیاسیون پست نموده عموم اروپا سیاست را چشمها به نتایج وخیمه این شورش عظیمه که عدلیش در کمر جانی دیده شده دوخته اند بلوای امروزه روس را معمولی و مانند سایر بلواهای محلیه نتوان شمرد - این بلوا نه تنها در يك محل و يك فرقه و علتش امر واحد - و نه خواهش بلوایان محدود است - بلوایمت عمومی که شالوده اش و مخالفت سلطنت شخصی گذارده شده دولت روس اگرچه دولت قانونی است ولی قوانین را بهر ای نفس خود بدون مشوره با ملت ترتیب و اراده سنیه پادشاه را فوق جمیع قوانین قرار دادماند - ازین رو پادشاه خود مختار و غیر محدود و مستبد برای خویش است و بواسطه استبداد شخص پادشاه رجال بزرگ و

معمور و سلطنتشان - استقلال و امنیت ملکشان قائم ماند
آری هرگاه ملتی جاهل محض و مانند بهائم باشد ممکن
است دولت با سایش قائده که یک رومی از شیرو پشم چند
سرگوسفند می برد او نیز از رعایای جاهل خود بهره برد
ولی دوام و قوامی برای چنین دولت و ملت بحسب
اقتضای زمان متصور نیست - چه از ابتدای عالم تا کنون
دول و ملل اعم از کوچک و بزرگ - موضوع رقابتهای عظیم
همگنان بوده هستند - امروزه آفتاب ملل و علم کران
تا کران طلرا فرا گرفته همه رقبا با دانش شده اند تا
هیچگاه با جهل نمیتوانیم با آنان دم مسری و
مبارات کنیم - چه مفاد ما از ملت جاهل محدود و منافع
آنان از رعایای با دانش غیر محدود است - محدود با
غیر محدود هرگز برابری نتواند کرد

اهم بر این چون تابش علم بالا گرفته پرتو شعاعش
بر ملت جاهل ما نیز طبعاً افتاده مانند کوری متوحش
همه را بحرکت و هیجان آورده است - و این حرکت
و هیجان را جز نور علم که قلوب آنان را منور و
چشمشان را روشن سازد آرام نتواند نمود

من در گنوں و خطبایای ملت هیجانی غریب ملاحظه
میکم که غلبه دولت و استقلال سلطنت سدی در جلو
آن کشیده هرگاه دولت روزی دچار خصمی قوی بجه
شود و چشم زخمی بدو رسد حرکت و هیجان ملت
بشمی دولت را دچار زحمت کند که امید رستگاری
او را دشوار باشد

خدای اصغر و امپراطور اعظم من - هرگاه مرا
غرض شخصی و خود برستی بود با اینکه بی گناهم
از دربار رانده از وطن مهاجر نموده اند بدین سخنان
نمی پرداختم - و خیالات غیر خواهانه ام را که میدلم
بدخواهان نخواهند گذارد بسمع مبارکت رسد و
بموقع اسفا آید در موقع عرض می نمودم ولی نمک دولت
و محبت وطن مرا بدین سخنان مجبور میدارد

ترقیات دولت روس و بقای این سلطنت - نیه درین
دودمان منحصر است به ترمیم قانون و قتل استبداد و
تعیین حدود برای شخص سلطنت مانند انگلیس و
ژاپون و سایر سلاطین مشروطه - غرض از تحدید
حدود امپراطوری آن است که رجال خود غرض
مستبد و امرای حاکم خویش را حاکم رقاب ملت
شناخته حد خویش بشناسند - و باتکای اقتدار مطلقه
امپراطوری و اطمینان تصرف در وجود شاهانه بر
زبردستان نتازند - من که از رأفت و مهربانی امپراطور
مطلع یقین دارم حاکم اعلی حضرت اقدس را جز
تعمیر ملک و ترقی دولت و رفاه ملت قصدی نیست

استقبال سلطنت و ترقیات آینده دولت و بقای
پادشاهی در این دودمان و خاکدان سخن میرانم - بحکم
طبیعت جهل و اثر دانش نه رقبا از خدعه و مکر
باز آیند - نه من از در - تکاری و صداقت سرپیچم -
این است که آبان هرگز بیک جوی نرود - با اینکه از
آستان مقدست دور و از وطن عزیز مهاجرم باز هم
در خیر آن ولی نعمت بی منت آنچه باین خاطر خطور
کند تقدیش را بحضور اقدس فرض می شمارم

(بند بندهم از جدا سازد و سوزاند رقیب)

(باز از خاکسوزم نام نگارین بشنود)

تجربه دیرینه من سخند تنافر ملت را از وضع دولت
فریاد میزند - چیزی که ملت را از بروز این فقرت قالی
باز داشت همانا اقتدار دولت و تسلط نامه است حاکم
دولتبان بر ملت دارند - دانایان رموز سیاست میدانند
سلطنتیکه قهر و غلبه بر ملت اساسش نهاده شده در هیچ
زمان دوام و قوام نداشته - خصوصاً در این دوره که
نور علم عالم را منور ساخته و جمیع دول اوضاع دیرینه
بارینه خود را بنسابت علم و دانش ملت و مقتضای
زمان تغییر داده اند

خدای اصغر و امپراطور اعظم من - هرگاه ملت
جاهل باشد دولت از او بهره نتواند برد - و اگر
عالم شود زیر بار تکالیف و حشیانه که ملت جاهل رود
نتواند رفت - وضع سلطنت و مسلک امروزی دولت
امپراطوری مناسب بحکمد سال پیش است -
امروزه که جماعت بزرگی از ملت در دارالعلومهای اروپا
تعلیم و تربیت یافته و در وطن خود باز آمده نمیتوانند
این وضع و حشیانه و مسلک بی انصافانه دولتبان را نسبت
بافراد ملت خود که مانند سلاسل بسته بیکدیگر اند
مشاهده نمایند - بناچار در برده خیالات ملت را از
دولت معيوب ساخته بدان دعوت میکنند که حقوق
خویش را از دولت خود بخواهید

امان از وقتیکه ملت جاهل چشم باز کرده
اسمی از حقوق خویش شنود - حکما جلوگیری چنین
ملت را محال اندر محال گفته اند

ارباب سیاست را عقیده این است که قائده و آسایش
دولت اولاً منوط بر این است که ملت او عالم باشد تا
هم ملت حقوق دولت و شرف قومیت و اعزاز سلطنت
خویش را بشناسند - و هم دولت فوائد مزیته به ملت
را با سایش تمام از آنان تواند حاصل نمود - این است که
جمیع رجال با درایت دول امروزه سعیان این است
که در تعلیم ملت خویش بر رقبا خود گوی مسابقت
ریابند - تا از پرتو دانش ملت دولتشان قوی و خزانیشان

و قوانین جریه مملکت خوشنود باشد. طبایع عامه متفر و همه مستعد و منتظر يك محرك غیبی اند. و هر يك بحسب از جهات و سبب از اسباب ارفقای عقاید و خیالات باطنی خود سر می پیچند. چون محرک پیدا شود و مانع که رعب و هیبت دولت است از میان برخیزد بقسمی دولت را منززل دارند که تصورش بر هیچ خاطر خطوط نکرده باشد. چون امروز می بینم که آوازه فتوحات ژاپون احقر بر جگر وطن خواهان زده می رسد و سکه غلبه وی يك مرتبه شیوازه صبر ملت را از هم بگسلاند و نشدنیها بشود و ندیدنیها دیده آید.

خدای اسفر و امپراطور اعظم من. امروز صرفه و خمس سلطنت درین است که قبل از تسلیم بندر (آنچه) و نخلیه (مکن) ترك مخصوصه گفته از در صلح با ژاپون در آید. دولت روس امروز محتاج بمستعمرات جدید نیست هرگاه همین مالک وسیع محروبه تق و لقی خود را آباد کنیم ثروت و اقتدار و استقلال ما پیش تر از آن خواهد شد که نصف کره ارض را تصاحب کنیم و فتوت تصبر و آبادانی و نگاهداری آن را ندانست باشیم.

اعلی حضرت امپراطوری واست که بدون فوت وقت ندای مشروطیت سلطنت را در دهد بفرمانی احداث از جمیع اصناف رعایا نوابان نامزد نموده دستگاه دولت را از نو آب و ناپ بخشد که امروزه اقتضای زمان جز این نیست و هرگاه مخالف زمان رفتار شود ایام بکام ما نخواهد گردید. چه مردم امروزه غیر از سابقین و مقتضیات این زمان سوای از منته قسیم است.

عمره

چون خبر رحلت غفران مآب شاهزاده سپهسالار اعظم امیرخان سردار (که شاهزاده سلطان عبدالحمید میرزای صدر اعظم را کین برادر بود) بمحرمه رسید جناب معزالسلطنه امیرنومان سردار ارفع حکم فرمان عمره و دهه دار شطالمرب که در دولت خواهی بگانه است بمجلس فائحه منعقد چون ارباب هنرا در مجلس حتم نشسته از هر طبقه همه روزه بمجلس آمده بقرائت قرآن و سوره فاتحه شریک مشوبات حکمته روح بر فتوح غفران مآب را یاد و شاد نمودند. الحقی تاکنون در عمره مجلس فائحه بدین عظمت و شکوه دیده نشده بود. از اطعمه مساکین و اعطای بنفرا چیزی فروگذار شد. سرداد ارفع داد دولت خواهی داد و معنی همدردی را نمود شعرا و ادبا قصاید و مرثی و تسلیت نامه های بسیاری قرائت نموده هر يك فراخور خویش سله باقتند. من جمله قضیده عراقی که در آن مجلس قرائت شد که خیلی جالب نظر دقت ادبا گردید و رای درج در نامه مقدس آغاز خدمت ما شیم.

ولی چه توان سکود که اقتدارات مطلقه امپراطوری سبب می شود بر استبداد رای و اصحاب رجال و بزرگان و امراء و بستگان آنان بر ملت. و همین نکته باعث می گردد نفرت ملت را از ذات اقدس امپراطور معظم. خدای اسفر و امپراطور اعظم من. گوی فلک در جرخ. از کجا اطمینان توان نمود که چنانچه امپراطوری را نیز این گونه صفات حمیده و درجات رحمت و رأفت ملت و رعایا باشد؟ اگر این استقلال و اقتدار مطاعه امپراطوری بر یکی از اخلاف بی يك سفاک و دست شود بر سر استقلال ملت و دولت چه خواهد آورد و این عظمت و اقتدار دولت را چه از تنزل نگاه خواهد داشت؟ آیا این غلبه دولت تا یکی سدی برای هیجان نفرت ملت خواهد بود؟ آیا اگر روزی این قوت بسبب از اسباب مبدل بضمف شود چه چیز ملت را از نور و حرورش و هاله و ولوله بز خواهد داشت؟

اعلی حضرت امپراطوری زمالک امروزه دول اروپا و راحت سلاطین ایشان و قداکاری و جان نزاری ملل بدولت خود نیچک و واقفید. آیا این همه استراحت سلاطین فرنگ و محبت ملت بدیشان و انتظامات ملکی و آبادانی و معموری خزانه آنان را جز مشروطیت سبب دیگر است؟ ملت انگلیس را چه بر آن داشته که فرد فرد خود را شریک سلطنت و فدائی دولت شایند؟ و مال و جان و اهل و عیال خویش را در راه سلطنت خود قربان کنند. پادشاه انگلستان را قبول مشروطیت چه پایه عزت و جلال گاست؟ دشمن قوی بجهت ما را که تا سی سال قبل هرگاه دولتش شمر دندی دول عظام توهمین خود پنداشتندی جز قبول مشروطیت که میگذارد نمود چه سبب دارد که امروز شاهنشاه آبیایش می خوانند؟

امروز امپراطور ما را اعلان مشروطیت ندای آسانی در برقیات دولت است. و هر قدر اعلی حضرت رود قبول این معنی فرماید دیر است و رنه ملت با تمام توجه خود پس از هزاران خرابی امپراطور را قبول آن مجبور خواهند ساخت همین. تنی که امروزه رای شاهانه را از قبول این معنی میزنند محض حفظ مقام خود در نزد ملت با ذات اقدس مخالفت خواهند آغازید. بیدبست بعد از غایب بینه ملت تنها بمشروطیت هم رضا نداده جمهوری را برای عظمت مقام خویش و آرزوهای جوان مرگانه ترجیح دهند. در آنوقت ملت با قابل جامل روسرا از ان خیال خام نافرجام که باز خواهد داشت؟ خدای اسفر و امپراطور اعظم من. امروز در جمیع روسیه زن و مرد کوچک و بزرگ غنی و فقیر لشکری و کشوری کسی را سراغ ندارم که اروسع تا گوار سلطنت

تقریباً نامہ

(قدر و حلت غفران مآب شاهزادہ سپہسالار)

(امیر خان سردار)

فداقتض من افق الفاخر کوسکب
 فهذا ساءالطيباء نجسکی و تندب
 و هدی ربا ایران من بعد روضها
 علی غینها المروی للریح ستجدب
 و هدی اسود الفرس بعد زنجیرها
 علی ایشها القادی نوح و تنجب
 و ذا صریح القلجار من بعد آه
 لده خراب الین بالنوح ینجب
 فیا طالب للمروف فانک شخصه
 و قد ضم تحت التراب من کنت اطلب
 و یا رابدأ روض المکارم اقضرت
 و اهل روض بالمحکام غضب
 و یا قاصدا الاحسان قوض رکنه
 و للعنف زمت فیه عنقاء مغرب
 و یا ظناً عما و ذکر جبهه
 الی الحشر لا یغزو و لا یتقیب
 رحلت کل وجیده متصد
 علیک و کل دمه منصوب
 و ذا صحر الاسلام عاد و طرفه
 لفقد سپه لاره بتصب
 الا ایها السردار صبراً لفساح
 ینیراه قلب الملا یتلمب
 سلوا فین لدولة الیوم یحلی
 بطلته من قائم الحطب غیب
 و فی وجهه سیف الدوله الدهر مشرف
 لکم فیه للسلوی مراح و ملعب
 و ذا العبل سیف الملك فیه کفایة
 له من ایه للمفاخر منصب
 یحقی بهم لو قال قائل مدحهم
 نجوم ساء کما اقتض صکوکب
 نهی بهم حلف للمفاخر (خزعلان)
 فهنا اخ منهم الیه و ذاب

ابو حکاسب من کل فضل و سودد
 و فخر الی علیاء فی الدهر یسب
 اهزیک بالماضی و ان جل خطبه
 و عاد و من قعداه الدهر مقطب
 و فی فومة البساقین للقلب سلوة
 فقی فضلهم روض الامانی یسب
 سقی الله قبراً ضمه غیث رحمة
 و من فوقه سحب من الغو تسکب

مکتوب از مکران

(قابل توجه شاهزادہ آزاده رکن الدوله)

بعضی راپورتهای این از بابت سنه ماضیه عرض
 شد سکه چه قدر بلوچستان را طراب و رعیت
 را بمسقط فرستاده و فروختند - سجد خان چه پیداد
 کرد وجه خانهها را آتش زد و اهالی را سوزاند و
 طاقت امسال یاضی و فراری شد و بخاک بلوچستان و
 کوهیک محل امن آنهاست یناه برد حکومت حالیه که
 شش ماه از سال گذشت ببلوچستان آمده قرآن مهر
 نموده باو فرستاد و راضی شد مجدداً عمل مالیات
 واگتار به او شود که وصول کند با این حال باز پیش
 حاکم بلوچستان نیاید تاکنون که آخر سال است از همه
 بابت سه هزار تومان مالیات فرستاده پنجاه هزار تومان
 باقی است مطالب و راپورتهای را کاکان بواسطه کار
 نتوانستم بنویسم و نیز بواسطه بعضی ملاحظات سکه
 شاید باز هم ننویسد سکوت اختیار کردم

یک بلوچستانی من عرض کرده و شایم شنوید
 اگر اجازه دهید شرح آن عرض شود فقط ملاحظه
 من این است که کسی نداند رجوع اداره یا بنده است
 و در مطالبی هم سکه نوشته میشود ازین بنده نامی
 برده نشود

بالجمله - بلوچستان در زمان ناصر الدوله مالیاتش
 هجده هزار تومان بود حالیه پنجاه هزار تومان حکومت
 میگیرد ده هزار تومان وزیر دبیر پیشکار ناب الحکومه
 منشی وغیره این شصت هزار تومان - حاصلکم
 بلوچستان هم سکه باشتهای تمام می آید یا اجزای
 گرت آوقت این بپاره های بلوچ باید فلان قدر
 مالیات گذار شوند اگر نهند و سوال و جواب

رعیت را بخوبی در دست می‌گیرند و طلب میدهند جوانان رشیدشان را جزو سپاه خود می‌آورند چیس انگلیسها از ما بیشتر پول دوست دارند چون علم دارند بدین وسیله گویا تجارت میکنند

کیسیون و گفتگوی بلوچستان در میان است انگلیسان هر طرف سرحد را عمارت و آبادی درست نموده اند

کیسیون تجارتی انگلیس فردا صبح است یا قونسول دوات مشارالیها مقیم کرمان (میجرسکس) وارد بم می‌شوند در باغ دشت منزل می‌کنند بعد با قونسول کرمان بسد بلوچستان حرکت خواهند کرد بعد شرح ورود وسلوک آنها را بحرض خواهد رساند هشتم مال زیربنا این عمارت در کرمان ماسوار هندی و بیرق سواره و نجمات زیاد حرکت می‌کردند ایالت کرمان هم پذیرائی و مهمان‌نوازی دید و باز بعد از آنها نمود

مکتوب از کیلان

ویداالاسلاما - چندی قبل در طی مقالات در تشریح ادارات دواتی که با جاره داده میشد سالار انظم را مالک رقاب کیلان قلم داد کرده بودند شهادت هر چه درج شده بود از روی حقیقت و مبنی بر بصیرت و آگاهی بود - نه از افراض قضای - ولی اگر درست تعمق شود و از روی خرد سنجیده آید مالک رقاب بودن بگلریگی سبب افتخار و اعتبار کیلانیان است

بالجمله از قزوین تا طهران راه - و - تعمیر شد و در احتیاط - ممال سلطه بود و به بهای محس و اگذار شد اگر دست سده السلطنه می‌ماد و نقش باید او می‌شد چه عیب داشت - مسلماً باز در دست خود ملت بود و این گوه خواری بر مسافرین و طبری و وارد نمیشد و دخلش بکیه اجانب معرفت و حال آنکه همان راه در دست اجانب دو بیست هزار تومان در مدت بسیار کم دخل خود نمود اگر راه خام بود و در دست ایرانیان می‌ماد نمش بر ملت و دولت باید می‌شد اگر راه همدن و تبریز مانند راه آستارا به ملت امتیاز داده شده بود بهتر از اجنسیان بود باندازه صبح سالار انظم در راه دولت و ملت غداکاری نموده و میناید احدی را بی‌افزاید و تقاریر مشابه بعضی

کتد و در قلمه بروند آنوقت یانی هستند توب و سر باز قلمه را باید بگوید و مردم را زنده زنده پوست آخند پارسال را سعیدخان بی‌انصاف پست نفر از رهایای دوات را آتش زد قریب پانصد نفر متجاوز زن و بچه رعیت را این ترتیب فروخت که در هر مقام وارد می‌شد گاوی ذبح میکرد اطفال و زنهای فقیر بجهت بردن گوشت جمع شده آنها را می‌گرفتند و بمقط میفرستادند هر کدام را پیک تفنگ (مکنز) و نوزده دانه ریال فرانسه که عبارت از نوزده تومان باشد فروخته پانزدهش وصول مالیات بود - سه ماضیه از بلوچستان این قسم پول گرفته شد

سد و پنجاه نفر سوار و سرباز پارسال چهار ماه مواجب خودشان را داده روانه بلوچستان و با هزار آب و تاب طهران ریورت رفت که اردوی بزرگی با صرفه جوئی تمام روانه بلوچستان شد - دوازده هزار تومان مخارج لشکر کشی هم سه ساله حکام می‌گرفتند اما سال هفت هزار تومان بای دوات بخرج آمد و حال آنکه مطالب را هم باین سوار و سرباز چهار ماه بیشتر مواجب دیوانی خودشان داده نشده بود این مختصر و سر بسته عرس کردم سائر مطالب اگر لازم باشد مشروحاً عرض کنم

از ریگان تا سرحد جعفر راه و خاک جغرافیای این مملکت بزرگ است البته میدانید شصت منزل در شصت منزل خاک و سیمه بلوچستان میباشد روس و انگلیس برایش غش میکنند بقول دانایان اگر هزار تومان خرج یک آبادی شود صد هزار تومان قیمت آن آبادی میشود خاکش طلای احر است چیزی که هست تمام اجور حکام متفرق بجا انگلیس شده و در بلوچستان ایران کسی باقی نمانده است

در زمان مرحوم ناصرالدوله همه از خاک انگلیس بجانب ایران می‌آمدند همه مهربانی می‌شد انعام خلعت و منصب و مستمری و وظیفه میداد حالانکه فرار کرده یا فروخته شده اند بمشود حرف زد چرا باید بلوچستان حکومتش از طهران مستقیماً مثل حکومت کرمان نیاید مگر وسعت خاک و اهلس کم است مگر سرحد معظم ایران و انگلیس نیست مگر هندوستان ایران نیست مگر بر و بحر نهاره جبهه اینصکه انگلیس ها مقام

دیگر صفحه تا سال نو اغلب بظهور خواهد رسید و نام نیکس در صفحه تالم تا قیام قیامت برقرار خواهد ماند طرف داران ظلم و حیانت نیز خرد فرو گذار نکرده نازیبائی سرشت و طینت زشت خویش را به ارباب بصیرت آشکار و اثر فطرت و ثمره ملقت خود را از هر سو بیادگار گذاشته که تا دامان قیامت تواریخ غیرتمندان ملت سوظاقت و استحقاق لعنت آنان را برای عبرت دیگران هرروز بنویس دیگر جلوه خواهد داد اه (باز دیوانه شدم زنجیر کو)

اگر دیگران دارالعلمی معمور داشته او نیز هر جا دانشمندان وطن خواه را یافت از خاک وطن مهجور ساخت اگر دیگران مالیه دولت را ادلاخ کرده او نیز مال دولت و ملت را بیضا برد. اگر دیگران هنرم بسق بند اهواز نموده او نیز برای رواج قنوه خانه بند دریایچه قم را گشوده و املاک هزاران یزوا را بیاد فنا داد. حال خوبست آنانکه بعضی خائشان گذشته را به (کار دینال مازارن) صدر اعظم خائن فزانه که چون خائن ایران خارج از نژاد فرانسویان بوده تشبیه نموده با دبه انصاف و ذره بین حق بین ملاحظه نمایند و به پند (مازارن) که دست تمام قارت گران و حیانت کاران را از دامان دولت کوتاه کرده و در عوض آنان خود انتفاع برده و ضمناً چندین خدمت بزرگ بدولت کرده از قبیل گمرک طاق بدولت در آشوب ملت و اصلاح طالبه دولت پس از مدتی مهاجرت و رجوع بدان مملکت و مستقل نمودن کودکی قبل السن بخت سلطنت و غیر ذلک بهتر بود یا کسبک پس از چندین سال وزارت ابداً اثری در ملک و ملت ندارد جز صد رشته ظلم و دقت حیانت و هه اگر ایرانیان را نیز چون فرانسویان چشم دور بین بود و قوه بجزه بین خائن و امین آنگاه احساس میکردیم تفاوت ره از کجاست تا کجا بحقیقت انصاف و مروت قسم که این تشبیه معکوس و صحت مغلوب است

(هزار قد بیازار کایات آرند)

(یکی بسکه کامل عیار ما رسد)

هفتم - از حیانت دراز نویسان آنکه اخلاقی و در دانهای خود را هر یک به اساسی معتکف بجای دیگران ثبت نموده و در چندین اداره حقوقی به نام

نیم خردان سوء ظن بنده نگارنده یا وظیفه خوار سالار انظم و یا ملاحظه ازین مقال در کار دارد و حال آنکه سعی داند حق و باطل را افکار نشوایم کرد و بر صدق مقام صفای دولت شاهد اند که در پذیرائی آنها بعضی سربندهی دولت و افتخار ملت قصاتی باقی نماند و بی‌صفاه پاینده دولت و سلطنت در این مملکت همین یک وجود است. و در راه وزیرای ایران و شهزادگان معظم که از این سمت طام فرنگ و با در مراجعت از فرنگ بدین بدسی آید هم قسم بذل خدمت و همه چیز و در خارج خودداری نمیاید بلکه آنچه سزاوارشان و شرف مسافری است کاملاً بعمل آورده و می آورد دوسال قبل که موبک هایونی در مسافرت اروپا بگیلان رسید چه قدر بذل خدمت نمود - و همچنین در مراجعت پارسال در طهران تقریباً هفتاد هزار تومان نقصان دید ابداً ترش روئی نمود چرا که در راه ولینعت خود بود - در عوض هم و غم کمال حرمی و بیفایت را ابراز و اظهار میداشت و مکرر میگفت که هستی من از بر تو عیارتان آستان هابولست و همه را از املاک دولت علیه تحصیل نمودم

با اینکه سالار اعظم پول نقد نداشت و مصارف طهران را بقرض ادا نمود - باز هم امروزه در رعیت پروری و زبردست نوازی و رحم دلی و اطعام و انعام و احسان و دستگیری و غوررسی در امور و احتیاطی حق و خوش خلقی و غیره و غیره در تمام گیلان ممتاز است

سرآت زشت و زیبا

بقلم یکی از علماء طهران

(از شماره ۲۲)

شاهزاده صدراعظم سلطان عبدالجید میوزا متع الله للمسلمین بطول بقائه که میتوان درباره او بحقیقت گفت (آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری)

در تمام خیالات طالبه آنان و انجام اعمال وطن پرستان با یک عالم هنرم و بیسکندنیاهمت دامان مردی بکمر زده از نخستین سال جلوس پسند صدارتش اصلاح مالیه دولت و دومین سالش بسق بند اهواز و دایر نمودن نیز در قباله جنت و سلطنت و کارهای

آنان میبستانند مثلاً میرزا احمد خان مستوفی - میرزا احمد سرورشته دار - احمد خان قاجار - احمد میرزا ... شیخ احمد جزو خدام استانه - ملا احمد جزو دعاگویان - حاجی ملا احمد از علمای جوشقان (حاجی شیخ احمد ایضا) - سید احمد جزو سادات طالقسان میر احمد نواده میرفندوسکی - احمد بیک جزو قورخانه توپخانه زنبورکخانه و - و - و - احمد آقای تجریشی در يك بطن ۷ اولاد آورده - کربلائی احمد اهی - احمد جان جزو عملاء ... درویش احمد صاحب نفس که نفس کرد بنده از قم آمدم . و غیر ذلک الی طائفة که در سال نو اگر حکم شود ساکنین هر شهری پس از معرفی از صندوق همان شهر حقوق خویش دریافت دارند معلوم میشود که بنده و جناب آقای میرزا امین الله هر يك بچند اسم مرسوم میریم (باقی دارد)

مکتوب از قفقاز

این هفته در میان تجار ایرانی که غالب از آذربایجانند هنگامه غریب برپا شد . که سر از باغیشتناختند چه همه روزه مناسات روس در تزیاید و قیمت قران در تنزل است چنانکه هفته قبل قیمت مناسات شش قران بود این هفته شش قران و نیم شد است

سبب و جبهه این تنزل آنی عجالتاً این است سکه سابقاً امتعه ایران داخل خاک روسیه شده صد پنج گمرک میداد بواسطه کی گمرک خوب فروش می شد و در مقابل طالبالتجارة روس از قبیل نفت و چیت و غیره و غیره خزیده میفرستادند و قیمت اسکناس پنجمزار و قدری کمتر باید میشد و تجار هم با این گونه مبادله در کار بودند ولی بعد از تبدیل تعرفه گمرکات آنچه امتعه ایران است در صدی شصت گشته شده وارد روسیه نمیشود زیرا که گمرکات حریر ایرانی از قبیل قنسوز تبریز و سکاشان و مشهد و سایر قاش ابریشی از هر قبیل صد پنج گمرک داشت الحال به هر گروانکه که عبارت از ۸۸ مقال است هفتاد و پنج بک الی بکمناات و پست و پنج بک گمرک میگیرند و بلکه باقسام اقمه نردوز و کلدوز رشت و تبریز مطابق تعرفه مال فرنگ هر گروانکه دوازده منات و نیم گمرک مطالبه مینمایند شامد بر این مقال چند طه قبل میرزا ابراهیم تاجر تبریزی در کمرنگخانه قلیس بر طای ابریشی کاشان که

ساده بافته شده بود هرگز و آنکه دوازده منات و نیم گمرک خواستیم بچاره صاحب مال هر بیضه بوزارت گمرکات روسیه داده بعد از چهار طه توقیف مال در گمرکخانه و مخارج گزافی تلگراف و کرایه انبار گمرک جواب از رئیس گمرکخانه روسیه صادر شد که بقرار معمول رفتار نمایند - آنچه گمرک فرش است که از سابق مضاعف میگیرند بلکه زیاده و فرش حریر را بقرار مال حریر گمرک میکنند و آنچه بازجه بنیه بافت ایران است از قبیل کرپاس و یا جیت سکرپاس و قندک یزد و مشاهه بایشها سابقاً در گمرک قیمت نموده در صد پنج طخوذ میداشتند - الحال آنچه از قبیل کرپاس است و یا جیت از هر گروانکه ۲۵ بک گمرک مطالبه میکنند و سایر منسوجات ایران سکه فقط از بنه باشد حکم ناخوشی طاعون را دارد که اگر يك زرع آن داخل خاک روسیه شود تمامی روسیه را هلاک خواهد نمود و قس علی هذا سزاقتنه ایران که غیر ممکن است بتوان ولود نمود و قلمکار بشرح ایضاً

یکی از امتعه ایران تنباکوی کاشان بود سکه در روسیه زیاده صرف میشد و در عوض آن پول بایران میرفت این تنباکو فقط از رشت همه ساله بقدر ده هزار پوط سکه هر پوط در روسیه دوازده منات فروش میشد داخل بلادکوبه میگردد و از آنجا بسایر نقاط میفرستادند . الحال هر پوطی که پنج من و نیم عطاری است پنجاه منات گمرک میخواهند بواسطه همین نه سکه از آن روزی که تبدیل عهدنامه تجارتنی گردیده تا بحال يك پوط تنباکو داخل روسیه نشده - در اینجا باید متذکر شد که در صر این فقره یعنی تبدیل تعرفه گمرک ایران با روسیه اول از طرف ایران اعلان شد که دولت بجهه رفاه حال تبعه ایرانی که در بنی از امتعه ایران که قیمت آن بواسطه دخول در سایر ممالک گران می شد عهدنامه تجارتنی خود را تبدیل نموده که آن امتعه ایران بجهه کی گمرک داخله در خارج بیشتر برود از جمله تنباکو و تریک است - در این باب راه مشه را کم کردیم هر چه درباره تنباکوی ایران در روسیه سوال و جواب شد بجهت رسید

آنکه ثبت بجهت نوسد فریاد است

از قناری سکه بجهت ایرانی به منسوجات تبریز

حبل المتین

منافع و فوائد تذکره نسبت باندازه است که فم از بیان آن عاجز است خصوصاً بجهت نجه دولت علیه ایران آنهم در ممالک خارجه خاصه در خاک عثمانی. یکی از مفاد تذکره نسبت حفظ قومیت و نوعیت و خانوادگی است خاصه در ممالک عثمانی حفظ قومیت و خانوادگی ایرانیان منحصراًست بجهت تذکره نسبت. آسودگی از دخول بقرة عسکری و سایر تحمیلات و عوارضی که برایای خارجه باید نمیتواند شد نیز یکی از منافع تذکره میباشد. پر واضح است که رعایای ایران در خاک عثمانی این نکات را نیکو میدانند و از مفاد تذکره بخوبی واقف اند. ولی چون سابق بر این عمل تذکره را درست انتظام و وزارت خارجه را قانونی کامل مرتب نبود و مأمورین سابق هم حوای جلب منافع شخصی تصور در نظر نداشتند این بود که رعایا نیز فرار از اخذ تذکره را غنیمت می شمردند. اینک که نماینده با سیاست و کجاست مانند آقای محسن السلطنه دارند که تمام توجه خود را در حفظ حقوق آنان صرف می نماید و احراز قومی و شؤونات ملی شارا مستحکم میکند مرکز ازین قبی که طیده ملت و دولت است یعنی گرفتن تذکره تعال نخواهند جست در حقیقت این امر وظیفه دانایان و علمای اعلام است که ملت را پیش از پیش از منافع اخذ تذکره متذکر نموده هم بدین وسیله دولت اسلام را عقیدت بمانند و هم ملت را از زحمات اجانب نجات بخشند. مسلم است در ممالک خارجه هرگاه تذکره تابیت گرفته نفود برور زمان از نسبت دولت متبوعه خود خارج می شوند. مسلم است که قوت دولت بملت است و هرگاه فردی از افراد ملت کاسته شود کویا از قوت جامعه دولت کاسته است و گن ندارم هیچ مندین و هیچ فرد غیرت مندی رضا دهد حکه از قوت دولت اسلام که دولت متبوعه اوست کاسته آید کمال بی غیرتی و جهالت را میخواهد حکه برای گرفتن يك ورقة تذکره رضا بدین مراتب داده بصدمات آتیه خود و خانواده خویش تن در دهد. هرگاه موالیان عظام و آقایان گرام ما بتبیت دولت علیه ایران متمسک نبودند استقلال واستقامت در بنای خانوادگی آنها نبود چه بسا آقا زاهدان که عبوراً سرایان یا سر کرمة سپاه

ایران گرك بدولت روس میدهند بهر گروانکه از ۷۰ كپك الی ۱۲۰ كپك است روی هم رفته بهر گروانکه يكمنسات كرك تعلق میگردد گویا يكمن ایران که هفت گروانکه نیم است هفت منات و نیم که مساوی چهل و هفت قران و چند شاهی پول ایران میباشد دولت روس از مال حرب ایران كرك میگردد آیا ایران در مال حرب خارجه چه قدر میگردد تا معاوضه بمنزل شود اینقدر میگوریم که خاشین دولت در تبدیل لمرقة كرك چه قدر پول برسم وشوه گرفته سراپا را نیز در زانوی اجنبی گذارند. اینست که عموم نهار آذربایجان در خطه قلیس و قفقاز یقین دارند که از میزان پارسال و امسال تا دو سال دیگر جمیع منسوجات ایران در روسیه منسوخ شده و نفود ایران در تبدیل منسات بقران بکلی قانی خواهد شد و بعد از آن باید املاک و اراضی و ده و قری و غیره و غیره همی رهین بانک و تبیه خارجه آید و بدون کوشش و کوشش ایران خود بخود ضعیف شود از ما نوشتن و از بزرگان دین و دولت تحقیق و تدبیر نمودن است (امضا میر... زاده)

مکتوب از عراق حرب

اداره تذکره در عراق حرب بیبوجبه از طرف مأمورین دولت علیه ایران منظم نبود و در حقیقت موانع بسیار هم در پیش داشت از این ققره مضرات زاید بر تصور حاصل بود. از جمله اغلب نجه دولت علیه ایران را بواسطه نداشتن تذکره و عدم قید اسامی آنها در دفاتر قونسول خانه های عراق حرب مأمورین دولت عثمانی جبراً برده در دفتر نفوس قید اسامی آنها را درج نموده تذکره میدادند جناب محسن السلطنه که در سیاست و کجاست یگانه است بهزاران زحمت در تمام عراق حرب اداره تذکره را مرتب نموده و تمام نجه دولت علیه مقيم عراق حرب تذکره تابیت نمود و رفع موانع را بهرجهت کرد در حقیقت شصت هزار نفر نجه دولت ایران را از قید اسارت اجنبیان و هائید که دعوی تابیت آنها را می نمودند و تبیه بودن آنها را بدولت علیه ایران مسلم داشت مردم حکه از فواید تذکره مطلع شدند بانهایت رغبت و میل خودشان حاضر شده اخذ تذکره نمودند چند نفر خوانسند اخلالی در امر تذکره پایند نتوانستند بمصافحه در کمال نظم و ترتیب رواج دارد

بودند همین قدم نهار محترم و سائر اصناف پس قدر این نعمت بزرگ را ما باید بدایم و گردن از حکم دولت متبوعه خود نکشیم

ازین مراتب هم اگر صرف نظر شود دولت را مصارفی است همین برای نگاهداری امنیت و حفظ مملکت که از رطابا میگیرد هر يك از ادارات را دخلی معلوم که لوازم آن اداره را ندارد مبناید - آبا اداره وزارت خارجه را که صدها نمایندگ بزرگ و کوچک با مواجب قلیل و کثیر در خارجه و داخله میسرستد و همه گوه حفظ حقوق رطابای خود را در مقابل اجانب میکند و در برابر دشمنان قوی بجه برای يك نفر از رطابای ضعیف خود سینه سپری نماید دخل از چه راه است - همه ماها میدانیم که مداخل دولت ما از داخله بازداره کم است که بیرون از امکان است بطریق شایسته نتواند از آن مبادات صرف رطابای خارجه خود هم بماند - و هرگاه سخت گیری در داخله کرده چنانچه تاکنون نموده مصارف نمایندگان خارجه را هم از عواض داخله بدمد ظلم صریح کرده چه هر ملت را بدولت و دولت را بملت خود حق است خاص - ما را چه استحقاق است که دولت حقوق اهالی خراسان را گرفته بیارد در عراق حرب صرف ما نماید - و با همه گونه استطاعت و اقتدار و رقابیت و آسایش این قلیل حق را که برای آسایش خودمان مقرر کرده ندیم منافع تذکره براء ملت چه شرعاً و چه عقلاً بسیار است چون در این مقام روی سخن با ایرانیان عراق حرب است و آنان بهتر از ما این نکات واقف اند طول سخن را روا نمیداریم

محسن مطهره عسکرین

چند سال قبل از این فصای در ورود محسن مطهره عسکرین علیها السلام را دکان ساخته و سکوها برای فروش امنه ساخته کرده جلو دکان را بطوری قرار داده بودند که راه عبور و مرور زوار خلیل مصور بود در سنه ماشیه مرحوم امام جمعه طهران البساقه حل الثور حکه مراجعت از مکه فرمود هر قدر از ولایت بغداد حواش کردند که این دکان را خراب و فضا را بمثل روز اول نمایند که رفع عسرت از ورود زوار بصحن مطهر شود قایده نکرد - بر حسب شکایت علای و زوار جناب محسن السلطنه جنرال قوتل

دولت علیه از حکومت رسماً خواش نکرد که تلخ این فاکه بشود فوراً امر آید شد تمام آن دکان و سکوها را خراب کردند چند نفر همه چهارده ساعت متصون خرابی بود و فضا را بمثل روز اول نمودند هیچ عذر و تذوار از اقدامات آقای محسن السلطنه کار بردارگان رضایت و تشکر را حاصل نمودند

مجلس تجارت بغداد

تجار محترم عراق حرب را بواسطه نبودن مجلس تجارت هماره در جنرال قونسولگری کلیه امور خود رجوع می نمودند و اغلب را زدهایا و غیره تمام می کردند آقای محسن السلطنه قرار دادند روزهای چهارشنبه تجار محترم که اسامی آنها ذیلاً نگارش می شود در جنرال قونسولگری حاضر شده رسیدگی بامورات خود نموده فیصل نمایند حال تماماً هر چه در شبه را حاضر شده رسیدگی بامورات خود می نمایند

(اعضای مجلس تجارت)

- جناب آقا میرزا کاظم ناظم التجار
- جناب مشیر التجار حاجی علی تقی استرآبادی
- جناب محمود حاجی
- جناب حاج صالح رئیس التجار استرآبادی
- جناب حاج حسین نیک
- جناب حاج محمد حسین مازندرانی
- جناب میر حمید

مساجد اختصاص شیعیان در بغداد

از قدیم جماعت شیعه در بغداد مسجد داشتند و همیشه در مساجد سنت و جماعت باز خوانده نواح می نمودند چنانچه شب دویم ذی قعدة در مسجد نزاع کرده جماعت شیعه اجماع نموده غوغا آغاز کردند و اجماعاً شبانه جنرال قونسولگری حاضر شده خدمت آقای محسن السلطنه تظلم و شکایت بردند معظم لیه با والی مشوره نموده قرار دادند که دو مسجد در بغداد تخیه شود و منحصر بجماعت شیعه باشد و این قرار فوراً بجزی شد حال شیعیان در دو مسجد خود در بغداد نازمی خوانند و ابدا غیر از فرقه شیعه داخل آن مساجد نمیشود

فایده خوانی سپسالار اعظم

در جنرال قونسولگری بغداد

روز هفتم شهر ذی قعدة تلگراف وزیر امور خارجه رسید که حضرت آبا سپسالار اعظم رحلت

انتقال نموده و از وطن مألوف فرار و بحکم اضطرار جلا اختیار کرده‌اند - تقریباً هزار خانه‌وار بلکه زیاده برای اندازه و شایسته و طایفه ناس هرکس باندازه از سوراك و لباس یا آنها خدمتگذاری مینمایند - از چه یکی حاجی صادق نام به سال عیدگامی است که یک مزرعه باندازه چهار زوج گاو زراعت بتصرف چند نفر از آن سادات داده‌است که بزراعت آنجا گذران نمایند - افسوس که حاجی در بلد بسیار است ولی صادق نیست - پول دار زیاد است ولی مخارج در غیر از خدمت بخنقی خدا بلکه صرف شهوت و هوا باید بشود برقص و مناد مفسد از سید کوریا بخرون غیر مشغول باید رعایت کرد که در مجلس بمضحک و استهزا اذیت مخلوق میکنند یا بروضه خوانی چند که شهر را برهم زنند و حکومت را منزول خواهند تا در ضمن آشوب خانها طراب و اموال و نفوس بر باد رود

ای کاش چند نفر صراف پولدار یا تاجر فعامت آثار هم تقلید این بقال قلیل القدر را مینمودند و جوی ازین مهاجرین را کفالت می فرمودند - یا از حقوق موقوفات آستانه متبرکه رضویه سلام الله علیه که بجهت این امور بقدر موفور است باین بچاران از خان و خان آواره داده شود اگر چه تمس شاق و تکلیف ملایطاق است بحکم (الیسور لایسقط بالمسور) بقدر مقدور و اندازه ضرور کارروائی میشد که این فقیران بیچاره و سادات از وطن آواره باین شدت و گریه تلف نشوند یا اینکه بعضی از آقا زادگان عظام که بحکم دو قضیه شش دانگ علم را بدون زحمت حیات فرموده‌اند نخست قضیه (ولد العالم نصف العالم) دوم قضیه (لا ادری نصف العلم) و بمصداق (من تشبه بقوم فهو منهم) بنام تشبه داخل در صدورند و بمضمون الهیته (قسط من التمس بنام استحقاق) بوزش و بذیرائی خلق از ایشان ضرور است از جمله احکام بچند حکم احکمتا فرموده‌اند واجب حفظ نفس است بر خود آقا و حفظ شئون علما است بدون تغیش در تحقیق موضوع از برای مردم - مکروه رد احسان است و لحاف وعده از مجلس دعوت و ضیافت خاصه صاحب سباط از متشخصین و ارباب سباط باشد - مستحب نوسه بر اهل و عیال و تیه البسه بطرح جدید از حال بزوا اسفلهای و غیره و یا به تعدد زوجات اگر چه بجمع. این مرهوه و ختم

نمود - روز چهارشنبه ۱۹ مجلس تمزیه داری مفصل جناب ممتحن السلطنه در جنرال قونسولگری ترتیب داده در ظرف سه روز دسته سنیه زن و سکنی و غیره همه روز از حبس‌ناظرین و بندها در جنرال قونسولگری آمده مراسم تمزیه داری را کاملاً بعمل آوردند - علای اعلام کانظمین و تجار و رؤسای دوائر و نظام ولایت بغداد همه روزه در جنرال قونسولگری حاضر شده صرف نهار نموده و ضمناً بقرا و ضفا خیرات و احسان زیاد در ظرف این سه روز شد روز سیم جناب مستطاب حجة الاسلام آقا شیخ محمد تقی مدظله و جناب مستطاب شریتمدار آقا میرزا ابراهیم مجتهد سلمه‌الله و جناب آقا شیخ امین واعظم و اکابر بغداد در جنرال قونسولگری حاضر شده لوازم تعزیت و تسلیت را ادا نموده به تلاوت سوره مبارکه الرحمن و برچیدن ختم پرداختند

مکتوب از خراسان

در خامه یکی از موثقین

(گرمسالی ازین روست که در کشور ماست)

(اه اسکر از پس امروز بود فردائی)

در این ارض اقدس و مشهد مقدس رضوی علی مشرفها السلام و الصلوات که مرجع اهل ایمان و کعبه مقصود مسلمانان است از وقایع غریبه و اوضاع عجیبه بقدری است سکه مثل کلمات الهیه (لوکان البحر مدادها لند البحر قبل آن نغد) بجز بحر پرورشته قریب بیاید و لکن از آنجا سکه گفته اند آرزو از جوانان عیب نیابد بامید اینکه شاید بصدای بلند آوای نامه مقدس بگوش غیرنندگان فریادرس چون خبری در آید درخت آرزوی را ثمری رسد

(مه فغاند نور و سگ عوعو کند)

(مرکسی بر طینت خود می‌نند)

(کل یعمل علی شاکله) از اقبال بنده نوشتن - از نامه مقدس بمخلق ابلاغ نمودن - از غیرنندگان پای در اصلاحات نشردن - و از بی غیرتان هیچ نشردن - و از متصرفین موقوفات را بتاحق خوردن و از دولت مندان بوارث سپردن و مردن (فان اقرق التاقور فذالك يومئذ يوم عسر) یکی از مطالب اینکه جوی از سادات و غیر سادات چندی است که از افغانستان با اهل و عیال بخراسان

دو اداره است. تمدد حکومت مفسدش زیاد میشود و اقی یکی شد تمام صادر و عوارض حکومت بر آستانه است. و هر باری که در ایران بردوش کسی گذاشته شد برداشتنش محال است. مثل خزانه دولت که وزیر و مستوفیان تعارفات از مردم گرفتند و مواجب و مستمری و مقرری و غیره در حق ایشان مقرر کردند حالا دولت سال میانی باید فرض کند و باین حقوق بدهد. تولیت و صاحب منصبان آستانه هم پولها از غنی و فقیر و تاجر و غیره گرفتند و از آستانه حقوق در حق آنها مقرر کردند. در دولت يك فقر اصلاح پسند ملقب بعبین الدوله صدر اعظم گردید کاش يك غیرتمندیم درین عملکت بقلب عبین التولیه کی ممتاز و سرافراز میگردد که بودجه آستانه را هم خرج و دخل کند. اما هزار حیف مرکه با مسلمانان بگوید مال موقوفه باید صرف موقوف عایم بشود یا وقت المال دولت خرج نونی و ترفیه ملت حکفر گفته است. و میگویند آن هزار فقر ده هزار فقر صد هزار فقر را فلان فلان شده برید. در حین نگارش یکی از فضلا حاضر شد. باین نوشته ناظر گردید میفرماید هرگاه عبین التولیه بصیر غیرتمند خدا پرستی پیدا شد اول طای چهار پنج تومان بخودت سرور میرسد. جواب عرض میکنم بقول آن مردی که در کثک نشسته بود گفت [یا علی خرقش کن مرا هم بالاش] بحق حضرت رضا و باجداد طاهرستان راضیم شوخی نیست یکصد و پنجاه هزار تومان یکصد و پنجاه قرائش بمصرف خود نمیرسد اگر این مقدار حکمیر مال در موقع خودش بمصرف رسید و بنده هم بناحق میگیم بخدا قسم است راضی بسم بحرام یکدینار یکیم حالا مشتبه است. میگیم آن وقت اگر عینی معین حق من هست باصاف میگیم والا هرگز میخواهم حق هزار بچاره را (باقی دارد)

مکتوب از بو شهر

جناب درباری حکمران کل خلیج فارس که به تنکستان تشریف برده بودند قدری از طالبات را جمع نموده به اهرم رفتند. حسین خان که ضابط (اهرم) (و خاویز) و غیره است طالبات را جمع کرده هفت هزار تومان باید بدهد چهار هزار تومان علی الظاهر رسانیده سه هزار تومان دیگر ابا و امتناع داشت میخواست

شیرازی باشد. حرام الفاقس است دو مہالك و مشاق دنیوی. مباح تمام اوقاف است (نه بلکه طای جهانی ز قاف تا قاف است) در معنی حلال مایکل بید هم خوانند و حرام را در معنی ماحرمواغه دانند. اگر فرضا بوض جی اراذل بیچاره و شش لوله بندان اشرار که بیوسته بنم حضرت آقا مکتب هستند و در اجرای احکام و استحکام قواعد اعظام ملجاء الانامی سی و اهتمام مینمایند این عقراء مهاجر را به بعض از وجوه اوقاف و غیره که حق حقیقی خود اینها است اعانت کنند و از گرسنگی و سرما خود و عیال و اطفال آنها را سیانت نمایند یقین است که حمایت اینها از جناب شریعتاب پیش از صد سهراب بدنام یا رستم درب حمام و علی آقایی و غلام حسنعلی است. و در اینصورت بعضی از حقوق را بصاحبش رسانیده اند و خرج خود را هم بکام خوبی دوانیده. باری شرح حالات حضرات را قلم قدرت مگر خوب بنویسد یا اصلاح امورات شانرا شمشیر حضرت حجت محل الله فرجه بشواید. بحق صاحب شریعت که دو سه فقر عالم طایل این شهر مثل سرکار شریعتمدار آقا شیخ اسمعیل. و العالم العامل الریان الحاج شیخ حسنعلی الطهرانی و غیر هم درمراهه غاصبی حقوقهم بحركات مذروحه درین شهر حرکت میکنند و گرگان درنده بروباه بازبهای رنگ برنگ شیرانه میفرند و حیوانات زبان بسته خدا را مجبور و تعدی میدرند. اگر چه این مطالب بلاز است در همه بلاد عام (ولست باول قاروره کسرت فی الاسلام) ولیکن این کشور بجهت وفور و توقفات و کثرت رجوع سایر وجوهات اسباب این بایه فراهم تراست اگر دیوان اهل اعی ذات مبارک اعلی حضرت شاهنغاهی که متولی شرعی اغلب موقوفات آستانه متبرکه هستند امینی را بر این موقوفات بکارند و مقرر دارند که لا اقل نصف از موقوفات بمصرف مقرر خودت برسد تقریباً بیست هزار تومان حق سادات و زوار است البته اصلاح کلی از حال زوار و فقرا خواهد نمره در این شدت سرما متصل نمیرسد و غیر سید است که تلف میشوند. و موقوفات آستانه در خانه شکم خوران صرف نم و زینت زنان و مرده میشود حال آستانه متبرکه نگننی است وفق تولیت با حکومت

بلكه حكومت تخفیفی بجهت او مرحمت فرماید معلوم شد
 حكه خیال دارد بطور جریمه مبلغ زیادی از رعایای
 بچاره بدبخت حكه از سیلاب نجات یافه بگیرد و سه
 هزار تومان را هم ندهد بلكه مبلغ زیادی هم از
 بچارگان جبراً و عنفاً بچوب و ذاع گرفته است
 جناب دریایی مشارالیه را احضار فرمود از
 حضور سرچپیده و جواب سخت داده آخر الامر
 باطایف الحیل او را حاضر ساخته پس از سؤال و
 جوابهای غیرمعمول او امر بگرفتاریش شد خواسته است
 حرکتی غیرقاعده بنماید بحال نیافه متولواً او را سوار
 کرده به بوشهر حرکت دادند و بکفر مأمور بوشهر
 فرستادند نایب الحکومه را امر بگرفتن برادرش باقرخان
 رسید جمعی سوار و سرباز که حاضر بود فرستادند
 اطراف عمارت باقرخان که در بهمنی یکفرسخی بوشهر
 است فرا و باقرخان را گرفته بوشهر محبوس کردند
 جناب دریایی بعد از گرفتن حسین خان امور مهم
 خاویز و توابع را بشخص امینی سپرده حرکت فرمودند
 روز ۲۹ ذیقعد بعد از ظهر وارد بوشهر گردیده
 رسم استقبال از شلیک توپ و غیره بعمل آمده عموم
 اعیان و اهله به تبریک ورود شرفیاب گردیده حسین
 خان تنکستانی (ظالم کوتاه دست) را که همراه آورده
 حبس فرمودند

بازل میفرماید خداوند ملائکه را بوسی از فرمان خود
 بهر که بخواهد از عباد خود (پیغمبران) و ایشان را
 امر میکند که بتزئید مردم را و تطییم بعد که
 نیست خدائی غیر از من که خداوندیم پس به بریزید
 از من در این آیه مبارکه خداوند حکیم حکمت
 ارسال هموم رسل و پیغمبران حق را بیان میفرماید
 که مقصود دعوت عباد و هدایت کاکتکنان بسوی سبیل
 سداد است - و در آیه (۱۲۶) از همین سوره مبارکه
 در خطاب به پیغمبر آخرالزمان رسول الله الملك اللسان
 میفرماید (ادع الی سبیل ربك بالحكمة والموعظة الحسنة
 وجاهلهم بالقی می احسن) یعنی ای محمد دعوت کن براه
 پروردگارت براهین محکمه و بند نیکو و گفتگو کن
 به اوله با آنچه نیکو تراست - در این امر شبهه نیست که
 متابعت پیغمبران بر ایم ایشان لازم - اقتفاء به ایشان
 بر مؤمنین منتهم است - قال الله تعالی فی سوره الاحزاب
 (ولکم فی رسول الله ائوه حسنة) و فی سوره آل عمران
 (قل ان اذکم نحبوا الله فانحبونی بحبکم الله) حاصل مفاد
 این دو آیه وافی هدایه این است که ای گروه مؤمنان
 و مسلمانان از رسول خدا خصلت نیکو اخذ کنید و اگر
 خدا را دوست میدارید این پیغمبر محترم را در افعال
 و اقوال متابعت نمائید در تفسیر اضافی در ذیل آیه
 ادع الی سبیل ربك الخ چنین نقل میکند

ذکر شد نزد امام بحق ناطق جعفر صادق علیه السلام
 جدال در دین و اینکه رسول خدا و ائمه می نمودند
 جدال در دین را - حضرت صادق فرمودند نمی شده
 است جدال در دین بر سبیل هموم بلکه جدل بفری طریقه
 احسن نمی شده است آبا نمیشوند کلام خدا را که میفرماید
 (ولانجادلوا اهل الکتاب الا بالقی می احسن) و قول خدا
 (ادع الی سبیل ربك) الخ جدال بطریقه احسن آن است
 حكه مأمور شدند علما در دین به آن و جدال بفری
 طریقه احسن حرام است و خداوند حرام کرده است آن
 را بر شیعه ما - آبا چگونه میشود خداوند جدال و
 گفتگوی در دین را بر سبیل هموم حرام کرده باشد و
 حال آنکه میفرماید (و قالوا ان یدخل الجنة الا من کان
 هوداً او نصاری) یعنی بیود گفتند داخل شود بهشت
 را کسی مگر بیود و نصاری گویند داخل شود بهشت
 را مگر نصاری خدا فرمود تلك اظلمهم قل هاتوا

﴿ چاره متین در رویج دین ﴾

(از شماره ۲۲)

از جمله در سوره مبارکه (نحل) در آیه دوم
 میفرماید - (ینزل الملك بالروح من امره علی من یشاء
 من عباده ان انذروا له لا اله الا انا فاتقون) یعنی

برهانکم از کتب صادقین) یعنی این است آرزوهای ایشان بگو بیایید برهان خودتان را بر ادعای خودتان اگر هستید شما راستگویان - پس خداوند عظیم صدق و پانرا به برهان مقرر فرموده - آیا برهان آورده میشود به جز دو گفتگوی به طریقه احسن و طریقه فیر احسن - پس حضرت صادق فرمودند جدال و گفتگوی به غیر طریقه احسن این است که مجادله بانی با شخص مبطلی پس او وارد آورد بر تو باطلی را و تو رد غنائی آن باطل را به حجتیکه خداوند برای آن مورد منصوب فرموده بلکه انکار بانی مطلب حتی را که آن مبطل برسد مفاصله ادعای باطل خود را به آن ثابت نموده - پس تو انکار میکنی آن مطلب حق را مبادا حجت آن مبطل بر تو تمام شود زیرا راه خلاص از مخالفت او را میدانی پس چنین جدال حرام است بر شیعیان ما که فتنه شوند بر ضعیفان اخوان خود و بر مبطلین اما مبطلین پس قرار میدهد ضعف این مجادل ضعیف شیعه را و وقتیکه متصدی مجادله شد و ضعیف ماند در دست آن مبطل دلیل بر ادعای باطل خودشان - و اما ضعیف پس مغموم میشود و طایبان ار اینکه می بیند ضعف حق را در دست مبطل - و اما جدال بطریقه احسن آن قسم است که خداوند امر فرمود پیغمبر خود را که گفتگو کند به آن با منکرین معاد و زنده شدن مردگان پس خداوند اولاً نقل فرمود دلیل منکر معاد را (و ضرب لنا مثلا و سعی خلقه قال من يحيى العظام و هي رميم) یعنی منکر معاد - برای ما مثلی آورد در حالتیکه خلقت خودش را فراموش کرده بود گفت کيست زنده کند این استخوانها را در حالیکه پوسیده خداوند در رد بر او فرمود (قال يحيى الله ابناءها اول مرة و هو بكل خلق عليم الفى جبل لعصم من الشجر الاخضر نارا - الى آخر السورة) یعنی بگو ای محمد زنده میکنی این استخوانها را کسبکه از اول او را ایجاد فرمود و او هر حلقی عالم است و کسی است که قرار داد برای دفع شما از درخت سبز آتش را پس خداوند امر فرمود نی خود را که گفتگو کند با مبطلی که گفت چگونه میشود که استخوانهای پوسیده بموت و زنده شود فرمود بگو ای محمد زنده میکند آنها را کسبکه ایجاد کرد آنها را در ابتداء آیا عاجز

است کسبیکه آنها را از ابتداء از هیچ خلق نموده اعاده دادن پوسیده را ولی نزد قدرت کامله خیرا هر دو مساویند پس فرمود (الفى جبل لكم من الشجر الاخضر نارا فاذا اتممته توقدون) وقتیکه آتش گرم را در درخت سبز تر مقرر ساخت که از آن درخت سبز آتش گرم بیرون میآورد پس شما باید از این فهمید که او بر اعاده دادن پوسیده قادر تر است - پس از آن فرمود (اوليس الفى خلق السموات والارض قادر على ان يخلق مثلهم بلى و هو الخلاق العظيم) یعنی آیا قادر نیست کسبیکه خلق کرد آسمانها و زمینها را از اینکه خلق نماید مثل آنها را بلی اوست بسیار خلق کننده دانا یعنی وقتیکه خلق کردن آسمانها و زمین بزرگتر و دورتر باشد در الظار و قدرت شما از اعاده پوسیده پس چگونه تجویز کردید از خداوند این اعجاب اصعب را و تجویز نمی کنید چیزی را که در نظر شما اسهل است فرمود حضرت صادق این است جدال و گفتگوی بطریقه احسن و اما اگر منکر شوی حتی را که فرق نگذاری میان آن و باطل آن مبطلی که با وی مجادله میکنی و چون میخواهی ادعای باطل او را دفع کنی يك مقدمه حق او را انکار میکنی پس این است گفتگوی حرام زیرا تو هم مثل آن مبطل شدی او انکار کرد حق را و تو هم انکار کردی حتی دیگر را تمام شد ترجمه تفسیر صافی منقول از حضرت صادق علیه السلام ملاحظه کن که امام علیه السلام گفتگوی با ملل را بر دو حکم نهاد است واجب و حرام در این زمان که دطاة عیسویه در تمام بلاد اسلام منتشرند هر مسلمانی حکه اطلاع از طریق مجادله با آنان ندارد گفتگو نکند و شهرهای (الاسلام) را بدست بیاورد تا بتواند گفتگو کند آنوقت کثرت انتشار (الاسلام) کمک به اداره دعوت اسلامیه میدهد و ادله حقیقت اسلام همهجا منتشر میگردد نکته دانان جهان میدانند که قوام و استحکام دولت ملت است و توسعه و ترقی ملت بدعوت و هذا آخر ما اوردناه في هذا المقام فانتظر لقالة اخرى في بعض اللرام و عليك و علينا السلام في شهر ذى القعدة الحرام سنة ۱۳۲۲

العبد الجاهل عبدالرحيم سبط الشيخ المرحوم

صاحب الفصول الفدى سره

بمقتضی صیغ نبود و سرمازها بر خلاف قاعده
میخواستند حرکت کنند. رئیس گزرک با رئیس پستخانه
قرار داد که هر وقت پست وارد شود یک نفر مأمور
از طرف اداره گزرک در پستخانه انگلیس حاضر بشود
و کیسه های امانت را باز و مطابق ثبت پستخانه
تهویل و تسلیم مأمور گزرک بنماید و تا مأمور گزرک حاضر
نشود کیسه های امانت را باز نکنند از رفتن رئیس
گزرک به پستخانه انگلیس برای معذرت خواستن که خیلی
بعید بنظر میآید اما خبری نبوده و از تلگرافات
طهران هم اطلاعی ندارد آنچه را دیده و صورت
حقیقت پیدا کرده عرض نمود وقایع نگاران جرأت انگلیسی
درین مقام خیلی بلند پروازی کرده اند

جغرافیای ایران

(از شماره ۲۲)

دریاچه های داخلی در ممالک ایران

در داخله ممالک ایران دریاچه و باتلاقهای بسیار است
که مشهورترین آنها ذیل ذکر میشود
(دریاچه شامی - با دریاچه ارومیه) دریاچه
(ساوه) دریاچه (نیریز) و (بختگان) دریاچه (زرگس) و
(نیراز) دریاچه (هامون) باتلاق (شونج) و (سامبد)
دریاچه ارومیه که شامی می نامند از همه
دریاچه های داخلی ایران بزرگتر و در داخل ایالت
آذربایجان و نزدیک کوه (سهند) واقع و از شمال بجنوب
محد و مساحت سطحه اش از شمال بجنوب چهار کیلومتر
مربع است و مآلهای گودیش در بعضی جاها چهارده
متر اعجاز جایش تنگ و سواحل جنوبیش مانند
باتلاق است

در میان این دریاچه بقدر بجا (آهک - جزیره)
است سه آنها که در نصفه جنوبی دریاچه واقع است
مسکون و مزروع میباشد که مشهورند به جزیره (اسب)
و جزیره (خر) و جزیره (کوسبند) بدرجه این آداکیا
مزروع و معمورست که هر کدام بانی بسیار لطیف
بنظر می آید

گودترین جایهای این دریاچه درجه شمالی اوست
که چهارده متر میرسد و حال آنکه گودی جهات
سائرشش پیش از هفت متر نمیداند اگر مقطع دریاچه
مزروع گزرک شود از هادی شهر ارومیه که رو

مناقشه گزرکانه بوشهر با پستخانه انگلیس

در نمره ۱۸ صفحه ۲۹ جزیده مقدس خبالتین
ترجمه نگارش وقایع نگار اخبار (طمس) بجای درج بود
وقوعات بوشهر از این قرار است

سابق امانتنامه که از ممالک خارجه بتوسط
پستخانه انگلیس وارد بشادر میشد بدون تأدیبه حق
گزرک بصاحبانش میدادند - همچنین امانتهای صادره
از ایران - همینکه گزرکات امانی و به بازیکها واگذار
شد رئیس گزرکات بشادر با رئیس پستخانه انگلیس
قراری در این باب داده که امانات صادره را اولاً
به گزرک آورده حق گزرک را پرداخته بعد به پستخانه
ببرند و امانات وارده را از پستخانه انگلیس
بگزرکخانه بیاورند صاحبان شان حقوق گزرکی را
پرداخته امانت خود را دریافت نمایند - مدتی بر این
منوال گذشت پس از آن پست بشادر هم که در تحت
پستخانه انگلیس بود اداره پستخانه دولت علیه ایران
واگذار شد - خطوط و امانات بشادر داخله را در کیسه
نموده مهر و لاک کرده به پستخانه انگلیس تسلیم می شد
که با میل انگلیس به پستخانه ایران در بندری که
باید روانه کنند - تا حال هم همین قرار است چندی
قبل معلوم شد که بعضی امانتها وارد طهران شده
که در ثبت گزرک نبود - اغلب امانتهایکه برای نوکرهای
قولسوخانه وغیره میرسید از پستخانه بداره گزرک
نمی آوردند

رئیس گزرکات بشادر (مسیو وانلار) که شخصی
حوشیار و زیرک و کاردان است میل وارد شده از
پستخانه هم مأمور برای پیساده کردن محمولات پستی
بگزرک آمده رئیس گزرک حکم کرد کیسه های امانات
در گزرک ضبط باشد - رئیس پستخانه انگلیس را آشفته
بتوسط قولسول انگلیس و راساً خود بداره گزرک
بنای گفتگو را گذارد و طرفین بدار الحلاله طهران
تلگرافاً مجابره کردند - هفته بعد که جهاز
(دوارکا) وارد شد محمولات پستی را در گزرک پیاده
کردند - اداره گزرک خواست امانتهای آنرا ضبط نماید
چند نفر سپاهی (سربازهای هندی) که با تفنگ برای
پیرون بردن پست آمده بودند در گزرک حاضر بودند
ممانعت از ضبط امانتها نمودند - چون این کار منجر

منتشر میگردد.

در ساحل شرق شمالی دریاچه (شبه جزیره) شاهی و در جنوب این شبه جزیره قصبه (کریجی) و کورنژ کمی هم موجود است - کورنژ یعنی پناهگاه کشتی.

هر چند از جهات اریبه بدریاچه جزیره نهرهای بسیار داخل میشود ولی بطوریکه ذککش گذشت چون گودی دریاچه کم است کشتی های کوچک کم گوده صاف و قایق و رودک های بزرگ در آن سیر و سفر کردن میتوانند

حوضه دریاچه ارومی پوست (۵۰۰۰۰) کیلومتر مربع است و آبهایک بدریاچه جزیره میریزد اینهاست که نگارش می یابد

(۱) آبی جای - این نهر از دامنه سکوهای سیاوالان نیمان و سمت غربی جریان و از قصبه (سراب) که گذشت نهرهائیک از جنوب (آقواغ) و سمت شرق شمالی کوه (سهند) نیمان میباشد از طرف چین و پسا بدین نهر داخل و کسب جسامت نموده و از زیر پل سنگی که بسیار بزرگ و منظم ساخته شده عبور و به جنوب برگشته و در انتهای شمالی کورنژ کمی هم بدریاچه جزیره میریزد

(۲) رود سهند حکه رود (سال) و ورودیک از قصبه صوفیان میگردد در قصبه علیشاه یکی شده در سمت شرقی کورنژ (دیزه خلیل) که در شمال شبه جزیره شاهی است بدریاچه ملحق میگردد

(۳) رود سلس که از میان اراضی دولت عثمانی نیمان و از حدود گذشته داخل خاک ممالک دولت علیه ایران شده و از قلعه های (چهری) و (خسروان) و سلس بلادیلماقان) گذشته و در جنوب قصبه (پوشانی) نهری حکه از طرف جنوب جاری و از قصبه های (گندشت) و (تامور) میگردد داخل او شده و در نزدیکی کورنژ دیلمقان داخل دریا میشود

(۴) نالی جای - که از شمال قصبه (شمیدینان) که در خاک حکومت عثمانی است نیمان شده داخل خاک ایران میشود و پس از داخل شدن بخاک دولت علیه ایران در جوار قره (ساعتلی) آب کاهریز که از طرف جیب می آید داخل او شده و در نزدیکی قره (منبل) از دو دهنه بدریاچه میریزد

ب ساحل شرقی پیش میرود رفته رفته تا یک لست منظمی بنا میباشد بکود تمدن چنانچه از ساحل غربی از یک متر گرفته پس از آن دو متر نیم و چهار متر و شش تا هفت متر میرسد وسیع ترین جابجایش بقدر شش هزار متر میباشد و آبش از آب دریاچه لوط که در ارض فلسطین میباشد تلخ ترست چون در درون آن (ابود) بنات بسیارست هیچ یک از حیوانات بحری در آن زندگی کردن نمیتوانند و ثقل اضافی آن در راده (۱۱۰۰۰) میباشد و از حیوانات قشری بطور استثناء یک نوع کرمی که دم ناریک دارد در این دریاچه یافت میشود و آنان را مرغان (آبی بابا) غو) صید و شکار میکنند وارد گهای دریایی در وقت معلوم معینی بطور کثرت بدانجا هجوم میکنند که جبهه شکار واسطه بزرگی است

چون آب این دریاچه در نخستین درجه مشرق با نمک است در سواحلش بطور طبیعی نمک سارها بوجود آمده و اهالی آنجا هر چند تا یکدرجه از این نمک ها استعمال میکنند ولی نمک معدنی را که از کوه (سهند) اخراج و در نخستین پایه براق است بر آن نمک که در کنار دریا توأم میباشد ترجیح میدهند

برخی که جبهه شست و شوی بدن بدرون دریاچه در می آیند همینکه از آب خارج میشوند بواسطه تابش آفتاب در روی جلد آنان آب تبخیر نموده میشوند لذا گویا سرابایهسان با یک طبقه نمک مسطور و پوشیده است

از عجایب آنکه در میان این دریاچه در برخی جلیها چشمه های فراوان از آب شیرین گوارا موجود است که مشهور ترین آنها در طرف شرق چشمه های (خان آقا) و (ده خرکان) و در طرف مغرب محاذی دیلمقان چشمه موسوم به (چشمه سرس) و چشمه های متعدد دیگر هم هست که مردم آنجا را او ستاده میکنند و مبنی بر ظن باطل بعضی سرس هائیک در مبان طایفه تبریز بکار رفته از جور چشمه سرس که در مقابل ده خرکان است بیرون آورده اند

در هنگام تلاطم دریا با وجود نسکی دریاچه سطح آب را یک طبقه کف کثیف میپوشاند و در هوای گرم از با تلاقه سائیک خاک سیاه است رواج مسکریه

شماره ۲۴۱ - ۲۹۰ فی الحقیقه (۱۳۲۲) - شماره دولتی ۶۰۰۰ (۱۹۰۵) صفحه ۱۷

۹ (سوجاناتو) - این نهر از دامنه شمالی کوه جهل چشمه که در جنوب ایالت مزکوره واقع است نبعان يك مدت رو بشرف شمالی جریان و از قصبه های (سنگ) و (سنجید) گذشته و از جانب راست نهر (خورا) نام بدو ملحق و کسب جسامت نموده و از موقع مستحکم (ساین قلعه) و (هنزکند) و (کاشاور) و (میان دو آب) مرور مصب بدریاچه میشود

۱۰ رود (موردی) از دامنه جنوبی کوه سهند نبعان تا قلعه (ملك گندی) بطرف جنوب و بعد بطرف غرب برگشته و از قصبه میناب گذشته داخل دریاچه میشود

۱۱ (رود صوفی) - از کمرهای کوه سهند از جوار دریاچه فره آبی نبعان و تا شهر مراغه بسمت جنوب من بعد بطرف غرب برگشته و از قصبه میناب گذشته بدریاچه میریزد (باقی دارد)

۵ (چاروبا) - که معروف است به نهر چایی لار دامنه های شرقی حدود غربی دولت علیه ایران نبعان و در جنوب شهر ارومیه بطرف شرق جریان و در جوار قریه (حصار) بدریا میریزد

۶ رود (باراندوز) از کوه (دوله) که در طرف غرب جنوبی دریاچه واقع است نبعان و از قریه (قلعه جک) گذشته از طرف چپ برخی نهرها ضمیمه او شده و پس از آن رو بشرف برگشته و در رو بروی آده [خر] بدریاچه میریزد

۷ (رودخادر) از طرف غربی ایالت مزبور نبعان و از قصبه (روشتو) گذشته در شرق شمالی قریه (شیروان شاه) بدریاچه میریزد

۸ (رودساروق) - از جوار قصبه حسن آقا نبعان و بطرف شمال جریان و از قصبه ساوج بلاغ گذشته بدریاچه مزبور میریزد

تاریخ حرب ژاپون

(از شماره ۲۲)

صنوف سواره

(تشکیلات سواره ژاپون بر وجه آبی است)

۱۷ آلی و هر آلی ۲ بلوک که جماعاً چهار و يك بلوک است - و هر بلوک صد و جهل نفر تماماً تشکیل یافته اند

هفده آلی سوار که در فوق ذکر شد يك آلی از آنها خاصه محافظت ذات (میکادو) است باقی دیگر که عبارت از شانزده آلی بوده باشد دوازده آلیش منصوب بفرقه است - نهمه که عبارت از چهار آلی باشد مستقلاً دو لوی سواره تشکیل مینمایند

که هر آلی آنان عبارت از چهار بلوک و هر بلوک از چهار دسته ترکیب مینماید بنا به تنسیقات اخیره آلیهای ۱۳ - ۱۴ - ۱۵ - ۱۶ به پنج بلوک ابلاغ شده که يك بلوک آنان احتیاط میباشد پس مبنی بر این تنسیقات هیئت مجموعه سواران عبارت از ۵۹ بلوک است

تشکیلات سواره آنان در حال حاضر بطور دائمی بقرار ذیل است

(تشکیلات يك بلوک سوار)

صاحب	افراد	جمع
سلطان	۱	
نائب اول و ثاني	۲	
صاحبان کوچک که سردسته و یا باشی مینامند	۱۲	
مستخدمین مواجب خورو افراد	۱۸	
صاحب منصب	۱۰۹	
	افراد	۱۳۵
	اسب	۱۳۵
	جمع	۱۳۵

(تعینات يك آلاى سوار)

اسب	افراد	ضابط
۵۷	۳۰	۲ سرتیب قوم و یا سوم
		۱ باور
		۱ نایب اول
		۲ طیب
		۱ آجودان
		۲ بیطار
۲۰۹	۴۰۰	۱۰
اسب	افراد	ضابط
		جمع
۴۶۴	۴۳۰	۲۴

این سوارها در وقت سفر هم مانند هنگام حضر در تعینات آنان فرق نیست باوجود این در ژاپون غیر ازین قطعات آنی دیگررا نیز تشکیل مینمایند

(۱۷ بلوک ذخیره و اگر لواهای مستقل اکمال شده باشد ۱۳ بلوک)

- ۱۷ بلوک ذخیره
- ۱۷ بلوک احتیاط
- ۲۴ بلوک ردیف
- ۶۸ بلوک

ولی در ممالک ژاپون تداوک اسب سواری که متحمل خدمات و مشاق سفر به تواند شد بسیار مشکل است تشکیل سوار باین کثرت هم کسب صعوبت مینماید البته در هنگام حرب تمامی اسبها را از داخل مملکت بتوسط اشخاصیکه داخل مملکت مأمور بنسند تدارک مینمایند

قومسیون (ره موت) نام عسکری اسب که در توکیو موجود و مربوط است بنظارت حربیه یعنی وزارت جنگ . این (قومسیون) بهفت (دپو) یعنی اداره اخذ عسکر که آتیا قلمداد میشود اجرای قوذ امر مینماید اول (ساجونی) دوم (قالی یا ساوا) سوم (شراقاوا) چهارم (فوقوموتو) پنجم (آوولو) ششم (نانی یا ما) هفتم (کوقورله)

هنگام خریدن اسب از برای عساکره سوارکره های يك سال و نیم را انتخاب و قبول مینمایند و سه سال در چین زارها و سه ایل تربیه عمده همینکه سکنش چهار و نیم رسید به سواران توریج مینمایند خدمات نظامیه این حیوانات هشت سال میباشد بعد از اکمال مدت معاف داشته و بخارج میفروشند

در ممالک ژاپون قطعه که از همه بیشتر اسب میرساند (آده - جزیره) بذو میباشد اصول تداوک اسب در آشنای سفر بری در دوازی که جبهه جمع و تدارک افراد تخصیص شده تیه میشود و همچنین اربابه نقلیات نیز در آن محلها تدارک میشود - تا سال ۱۹۰۴ تنها صاحب منصبان سواره و توبچی که بوظیفه حفاظت امپراطور میپرداختند اسب سواری خریدار تدارک می نمودند و بضابطهایکه در اردوها بودند ازجانب حکومت داده میشد در نانی این اصول لغو شده و بجمع ضابطهایکه باید سوار باشند از طرف دولت اسب داده میشود و وجبش را درجین دادن مواجب جسته جسته و بسیار اندک از وجه مواجب آنان بطور قسط اخذ مینمایند

سلطانهای عساکر بیاده ژاپون با اسب سوار میشوند (باقی دارد)

تپیز

از تاریخ ۳ شهر ذیحجه تا ششم که سه روز است پنج مرتبه زلزله شد ولی بجز گذشته خرابی روی داد و ناخوشی منجوس و با هم کاملاً از اطراف و اکناف شهر مرتفع شده عده تلفات را محض میگویند چند روز است معتبرین تجار در تکرانخانه بست نشسته در خصوص قوانین جدیدی که در اداره کمره اجرا میشود شکایت میکنند معلوم نیست کار بکجا منجر شود هکس توب جدیداً اختراع خلیط باشی را لفاً تقدیم نمودم الحق والامانی شخص موسوف در ابداع و اختراع این توب منتهای ذهانت و استادی را بخرج داده امروز در حجره مخترع توب را امتحان کرد و بنده نیز حاضر بودم خیلی خوب از امتحان بیرون آمد اشاعه این خدمت و تشویق مخترع و قدردانی دولت لازم است که جز از قلم مقدس مدیر روزنامه مقدسه نشاید (کتابخانه تربیت)

مکتوب یکی از فضایل جلیل

۱. سر تمدن

(شماره ۰)

- § شنیدم که فرزانه هوشمند
- بر آورد ایوان و قصری بتند
- § بدستور دانش در او کرد راست
- زیابستی هرچه خواهند خواست
- § زهرچه آدمی خواهد از خوب وزشت
- بنا کرد در او جو باغ بهشت
- § بر افزون در او کنجی آراسته
- زسیم و زر و گوهر و خواسته
- § بگنجینه جز خواجه را ره نبود
- و زین زر و گوهر کس آگه نبود
- § خردمند را يك دو فرزند بود
- که بامهرشان خواجه خورسند بود
- § بنصرت غنی زاده فرور و مست
- شکم حوار و خودبین و شهوت پرست
- § سر از باده ناز و نعمت گران
- هوسباز و بازیگر و پامران

- § ندیده بجز سحر صفت بکام
- نیاروده صحبتی بسختی بکام
- § بهسادی و عشرت همه ماه سال
- نه در بند سامان نه در بند مال
- § بدرجون هوسباز شان دیدومست
- باندیشه در ککنج نکرک نشسته
- § که چون دست مرگم در آرد زبای
- شود گاه رفتن بدیگر سرای
- § جوانان از هوش و دانش نبی
- ز دوران نه پند روزی
- § هرچه از کم و بیشان دست رس
- بروزی دهندش بیاد هوس
- § بنا بخردی چون نه گشت کار
- بمآند در فاته حیران و زار
- § جنین کرد بید که ایوان و باغ
- ز در ماندگان کس نگردد بلاغ
- § بسختی دو روزی تکادو کنند
- طلب بلغ ایوانی از نو کنند
- § جو دیدند هر خانه از کم و پیش
- بیابند مقدار ایوان خوبش
- § ز دیدار صد ککبه ناپسند
- شود خانه در تود شان ارچند
- § جو آسوده گشتند ازین درد و رنج
- باندازه دانی گشایند گنج
- § شبی حواست نوباوگان را برآز
- باندوز ایشان زبان سکرد باز
- § که ای نو نسلان بلغ امید
- بهار مرا نوبت دی رسید
- § شا هر دو تن همچو جان مفید
- نکبهار راز نسل منید
- § مرا هست در سینه رازی نسیان
- بچسانان خود بسپرم رایگان
- § پس از من گراز گردش رودگار
- شما را بسختی ککراید کار
- § جو کوی ازین بوم بویا هوبد
- زهر باغ و هر خانه جویا شویدا

- قاضی سگور را بکشند جستجو •
- بجز در آن بوم و بر در شدند
- طلبکار مقصود بهتر شدند •
- بر سگوشه جویای اندوخت
- زینگاه خود دیده بر دوخته •
- چو از نیک و بدجاها دیده شد
- يك از جمله بهتر پسندیده شد •
- فزون داشت در کام نادان مزه
- سگدوی نو آورده از طریزه •
- خریدند و دروی وطن ساختند
- بین خانه را رایگان ساختند •
- جو سگ کردند درخانه نو مقام
- همه عیش دیرینه شد تا تمام •
- درین خانه هر سو که بشتافتند
- زیابستی ها تنی یافتند •
- چو بایستی هر چه را خواستند
- نمیدند و دل شان زغم شد نژند •
- عیان شد که دیرینه بهتر بد است
- همان خانه مقصود بهتر بد است •
- سرانی سگ بود از پدر یادگار
- فزون از همه بوده در این دیار •
- وایسکن چو بیگانه دروی نشست
- باسان نیابد دو باره بدست •
- چنین است بیرون ز اندیشه کار
- سگند بخرد را سه روزگار •
- نخستین به بین خانه خویش را
- بسنج اندرو هر کم و پیش را •
- جو کم یافتی اندرو کام خویش
- گزین دیگری بهر آرام خویش •
- باوزان منه خانه با دیسکران
- که چون باز خواهی فروشد گران •
- شی در خراسان باندرز من
- نسکو گفت فرزانه مرد کهن •
- زید خواه خود باوری خواستی
- ز دشمن دلان لشکر آراستی •
- به تپه بن خود بر آوردن است
- بچیب اندرون طر پروردن است •

- هر آن خانه کو از همه بهتر است
- نپت درو گنجی از اکره است •
- بسوی بدونیک هر جایگاه
- باآین دانش سپارید راه •
- بدین رسم و این راه و نام و نفعان
- سر گنج هست از بن آب دان •
- سگبید سگنت مرا تا بسنج
- که من خود نفیتم آن طرفه گنج •
- نیوشید از جان چو پند پدر
- شما راست گنجینه سیم و زر •
- و راز سگفته من به یچید سر
- شما را زکف رفت سگنج گهر •
- بگفت این و بگذشت روزی دراز
- سکه بروی که رفتن آمد فراز •
- بدان سان که فرموده بود از نخست
- بنا بخردان يك يك شد درست •
- بدان با و دستی سگه بدخویشان
- جهان خاک غم ریخت برویشان •
- بروزی دو سیم و زر بی شمار
- زکف رفت شان تیره شد روزگار •
- عساکد از بد و نیک فرزانه مرد
- بفرزند دیوانه جز آه سرد •
- سحر شهوت از فاقه گردید تنگ
- سر دیو نخوت بر آمد بستگ •
- ز تنگی چو از روی رفت آیشان
- بیاد آمد از گفته با ایشان •
- زامروز سگفتار راز نهان
- زگنجینه و خانه و آبدان •
- درینا که چون جهل دامن گرفت
- هوسناک را چشم روشن گرفت •
- نسجیده ایوان نیکوی خویش
- ندیده بدونیک مشکوی خویش •
- زبیباد ایوان که چون استوار
- زیابستی سگادرو بی شمار •
- زینسکه بهر سوی پویا شدند
- بهر سگوتی از خانه جویا شدند •
- زبیر زن و بر زن دوان سگوبکر

۱۰ (زبان) شو نيك دشمن خواه

که دشمن نخواهد ترا جز بچد *

بالحق والا لصادف چه در امور دنیوی و چه در امر دین و مطالب الحریه انسان را بیاوه و آزار حرکات تقلیدی سکودن و اموری چند را فهمیده ستودن و گردن نهادن از طریق دانش برکنار او بخدمت عقل و خرد تاهوار و غیر استوار است خداوند هوشمندان مستبصر را باین آیه کریمه ستوده و بشارت فرموده است **عزمن قال فبشر (عبادالذین یستمعون الاول و یتبعون احسنه اولئک الذین هدینم الله و اولئک هم اولوالباب)** یعنی بشارت و مزدگانی ده بندگان مرا آنچنان بندگان که گوش میدهند سخنان مختلفه را و متابعت مینمایند بهتر از آنها را - پس میفرماید این بندگان کسانی میباشند که خداوند هدایت فرموده است آنها را و آنها را صاحبان مغز و هوش درست - و در خدمت دیگران سکه بصره هوس و محض هوا تقلید این و آنرا گزیده اند آیات بقدریست که از اندازه این مختصر بیانش بیرون است - ولی انسان طریقه وقاعده را که ارث پدر خود دیده و فی الجمله از کم و زیاد او اطلاعی پیدا کرده است بقیه اشرا هم بدرستی و تحقیق می بیند و بعد از دیدن و فهمیدن طریقه موروثی خود رجوع بطریقه و قوانین بیگانگان میکند آن وقت اگر کلاً یا بعضاً طریقه بیگانگان را بهتر و خوبتر یافت بر او حرجی و ایرادی نیست که عدول و رجوع بفساده خوبتر نماید و اگر طریقه سابقه خود را ناقص یافت مابه النقص را می فهمد و تکمیل مینماید پس اگر ما بخواهیم ادوات ملکه یا ملیه خود را تصحیح نمایم اولاً ملاحظه باید بکنیم که اسباب خرابی از کجا و بجه حجه است و در مقام اصلاح هلت برائیم - نماینده فوراً بدانسته و نافع فهمیده استعانت از بیگانگان نمایم و ابواب تصرفات روی بنگاه گشایم یکی از رجال بزرگ با علم و دانش ما برای اداره کردن امر و نظم امور تمام ایران کافی است بشرایط صحیحه - و قبحه احکام همه جابریک قانون شد حکم تمیز و تبدیل بدیر نشد

پیشکش گرفتن و اداره و رعیت را فروختن نباشد
حفتش و خبر نویسی صحیح بر سر حاکم بود مجرم

بتوسط معاف نشد بی گناه را (باقی دارد)

تکرافات

(۱۵ ذی حجه - ۲۴ فروری)

۱ لندن در هراج این هفته چهل و سه هزار صندوق چایی فروش رفت - بازار چندان گرم نبود - و قیمت هم بی قاعده نزل نداشت - حال متوسط چایی هند هفت (پنس) و چایی آسام هشت (پنس) فی رطلی فروش شد ۲ مغز (روتی) که در اردوی جنرال (کروپاتسکن) است خبر میدهد که بتاریخ چهاردهم و پانزدهم ژانویه از توپهای هشت (انجی) محاصره بر (کتوف) شلیک کردند - این حمله شورش خریبی در قلب اردوی روس انداخت ۳ جنرال (استاسل) به قسطنطیه رسید - اقوامات عبرالنفوس دربارهٔ سلاح اشاعت یافته معلوم بست که - أخذ اصلی آن کجاست

۴ عمده اسرای لشکریان روس در ژاپون چهار و چهار هزار و یاصد بقل آمده است

(۱۹ ذی حجه - ۲۵ فروری)

۵ مراسلاتیکه از (پتسبرگ) رسیده ظاهر میدارد که شب بیست و سیم لشکریان ژاپون بر کره (پرسنوف) حمله نموده روسیان آنها را عقب نشانند ۶ دپورر مجدداً ژاپونیان بر کره (پرسنوف) حمله برده لشکریان روس را عقب نشانند - شور جنگ تا نهایت جوش و خروش گرم - و تا کنون نتایج آن ظاهر شده است

۷ جنرال (سهاروف) تکرافاً از جنگ (پرسنوف) خبر میدهد که لشکریان روس ما بزه و شمشیر مجدداً (پرسنوف) را متصرف شدند - ژاپونیان در حین خراب کردن معادن و تلگراف بسیاری تلف گردیدند و بر روی نقشهای خود دلبرانه روانه بودند

۸ جنرال (سهاروف) اطلاع میدهد سکه در (مچنگس) بل راه آهن از اثر نارنجک خراب شد - ازین رو عبور و مرور راه پسته ژاپون بند شده است ۹ مراسم که از (توکیو) رسیده ظاهر میدارد که لشکریان روس اراده داشتند که از تاونجک بل (مچنگس) را خراب کنند ولی پس از رسیدن قشون کک بخشم از این قصد باز آمده سواران روسی که بجانب جنوب (نوشانگ) ساحلواند خیلی مقاومت و دلیری ابراز میدهند

السران بحری انگلیس را ازین واقعه اطلاع بخشد در ضمن این تحریرات اعضای کمیسیون اظهار داشته اند که مقصود ازین عناوین توهین و تریف قابلیت و السابیت امیرالبحر مزبور نیست

§ درها اشاعت یافته است عسکه ویسهد انگلستان شاهزاده (ویلس) و زوجة محترمة شان برای سیاحت هند نومبر آتی از انگلستان حرکت خواهد نمود و تا (مارچ) در هندوستان رولق افروز خواهد بود و از کلیة اسراء و نوابان و راجگان جلیل القدر هند ملاقی خواهد شد - و در باری خاص برای شرف انبوهی برخی از خواص منعقد خواهند نمود - اعلیحضرت پادشاه انگلستان مخصوصاً بفرمانفرمای هند اشاره فرموده اند عسکه تحف و هدایا از شهزادگان و امرای عظام هند قبول نخواهد شد

(۲۱ ذی حجه - ۲۷ فروری)

§ خبر (روتز) از (پتسبرگ) خبر میدهد که برای نگاهداری امنیت و آرامی عملجات راه آهن حکم شده که ازین روید حقوق مزدوران را مانند سپاهیان شمرند و در مناقشات تابع قوانین جنگیشان قرار دهند § از میدان جنگ خبری تازه نیامده و مأخذ اخباراتی که این چند روزه رسیده روسیان اند - چنانچه می نگارند که جنگ عسکوه (پستوف) مقدمه جنگ عظیمی است - کوه مذکور خیلی متین و بزرگترین قلاع (سنگ هشنگ) در آنجا و در جانب جنوب (تالنگ) و نه فرسخی جنوب و مغرب (شکننگ) واقع است راههای آن نواح را قطع میکند که بجانب (قشون) می رود - این است که جنرال (کروپاتکن) اردوی مرکزی خود را آنجا قرار داده است

§ خبر (روتز) از اردوی جنرال (کروپاتکن) خبر میدهد که وابوینان مقامات بسیار را در خارج از میدان جنگ به تصرف آورده و میخواهند که بر قلاع و سنگرات بزرگ ماحله نمایند - اگرچه تا کنون در شدت برف لشکریان جنگیده ولی اینک برف پانهازه باورده که قشون را تب و توان حرکت باقی نیست

§ (جنرال استاسل) به (مسکو) رسیده رؤسای فوجی و ملکی با کمال محبت و احترام پذیرایش کردند روز چهارشنبه روانه (پتسبرگ) خواهد شد و باز مراجعت

§ دستة سوم جہازات (بالتیک) از (دووز) گذشتند § راه آمد و شد از (وارسا) و (پتسبرگ) از اغتشاش بلوایشان سد شده - و بجهت عدم امنیت اهالی شهر فرار می نمایند

§ اندیشه آن است که عمده (پلیس) نیز شریکی شورشیان شوند - لشکریان کارخانجات (کاز) را متصرف شده اند - در عملجات (تیلوف) و (پتسبرگ) باز سخت اغتشاش نمودار است

§ در نیمة شب اعضای حکومت (مسکو) هفت نفر از علای بزرگ را گرفتار نمودند

§ جی از تجار و مردمان متشخص (بادکوبه) از عدم امنیت فرار کرده اند - بر رطایب آنجا ستم و ظلم علاوه می شود - زن و مرد را زنده زنده سوخته و نسهای آنرا قطعه قطعه مینمایند

§ در مضافات (قاف) عدد کسانی که مسلح شده شریک بلوا می شوند در ازدیاد است

§ درباره نصایک بلوایشان راه آهن (وارسا) به راه های آهن آستریا وارد آورده دولت روس وعده تدارک نموده است - مزدوران کم کم بکار خود متوجه و مائل می شوند

§ اخبارات روسیه می نویسند که مانند نواح (قاف) جمیع راههای شرقی (سایبریا) را بلوایشان احاطه نموده اند (۲۰ ذی حجه - ۲۶ فروری)

§ مناقشة بحر شالی را کمیسیون نالی گویا اصلاح کرده - در بعض جمله های رپورت تردید کلام سابق خود را نیز حاکم کرده چنانچه می نویسند - اگرچه امیرالبحر (روزولسکی) بواسطه خوف از جہازات موشک شکن حکم شلیک داده - ولی خوف اینقدر تری نبود که در نظر امیرالبحر اهمیت داشت - اعضای کمیسیون که از طرف روس مستند خود نیز انکار کرده میگویند - جہاز موشک شکن در آنجا نبود - درین صورت الزامیکه بر شلیک بی جا وارد می شود و نتایجیکه بر آن حرکت بفر موقع مرتب میباشد به امیرالبحر مزبور تائد است اعضای کمیسیون را اطمینان حاصل شده که روسیان جہاز (ارورا)ی خود را جہاز موشک شکن تصور کرده بر او تیر تا دیر بلز شلیک میکردند - با این همه امیرالبحر را لازم بود که بعد از عبور از رودخانه (دووز)

نوبت بر میسر اردوی (تن سنگن) حله نموده در هرجه آنها را عقب نشاندیم - درین حلات يك صد نفر ژاپونيان تلف شدند

(۲۳ ذالحجه - ۱ مارچ)

§ مستر (برادرك) بجواب سوال (مستر مك نيل) در دارالشورای انگلستان بیان حكرده كه (لارده كوزن) هنگام توقف در انگلستان شريك در معاملات شورای هند نشد - حكومت انگليس در معامله (بت) از حكومت هند تشریحات طلب کرده دولت از تشریحات (لارده كوزن) خیلی مستفید شده است - در حقیقت لازمه حكومت ایشان نیز همین بود - لذا لازم است مشارالیه را از مباحثات ایجا كه راجع بحكومت هند است اطلاعات كافی داده شود

§ مستر (برادرك) در (پارلمان) بیان كرد كه تمام مجوزات لارده (كیتر) در انتظام قشون هند منظور شده - ولی چون مصارف به صراحت ذكر نشده ما نمیتوانیم تخمین او را پیش نایم

§ (سراوردگری) بیان نمود كه نه تنها سلاطین موجوده ژاپون و انگليس بای بند بشرابط عهدنامه اتحادیه انگليس و ژاپونند بلكه احلاف آنها نیز بقصد این عهد نامجات پای بند خواهند بود

§ مخبر (روتر) از لندن خبر میدهد - كه از تفرقات موصوفه معلوم می شود كه در حوالی پل راه آهن (شاهو) جنگ سختی شده - درین میدان هر يك از متخاصمین دعوی فتح و نصرت دارا هنوز محققاً نتیجه جنگ معلوم نیست

§ حکم (مارشل لا - احكام جنگی) در تمام مملكت (پولند) جاری و مزدوران كارخانهجات و ادارات راه آهن اندك اندك بكار مشغول میشوند

§ مخبر روتر خبر میدهد كه بلوآیان (بمن) قشون دولت عثمانی را شكست داده تا سه روز در اطراف (سند) جنگ سخت بود تا كنون نتیجه این جنگ معلوم نیست

§ امروز از انجمن صرافان (توكیو) در ماده قرضه جدیدیكه دولت خواستگار شده دو گونه عرضداشت برای ادای آن رسیده (بارن روگاما) در تقریر خود بیان نمود - باوجود مصارف زیاد و خساره عظیمی كه از این جنگ بلك و ملت ما وارد شده حالت مالی مملكت

بمسكو نموده مدتی در آنجا خواهد ماند

§ وقایع نگار (طمس) از (پتسبرگ) می نویسد مشكل است در این موسم سرما قشون كك به جنرال (كروپاتكن) برسد - قشونيك در دسپر بكمك جنرال (كروپاتكن) فرستاده شده قبل از اپریل نتوانند رسید

§ جنرال (كروپاتكن) اطلاع میدهد كه لشكریان ژاپون بمبنة و میسر اردوی طورا در (سنگنك) از جای كنده بر چند نقاط مطمئناً به ۵۰۰۰۰ برودند - در بعضی حلات مقضی المرام و در برخی عقب نشستند

§ اداره جنگی (آلمان) مصارف بحری خود را بالغ بر سه (میلیون) (مارك) كم نموده - چه در نخستین مصارف بحری تصویب چند جهاز جنگی شامل بود - دولت آلمان از آن خیال در گذشت كه برای مستعمرات آسیائی خود نموده بود

(۲۲ ذالحجه - ۲۸ فروری)

§ دولت روس رسماً دول سائره را اطلاع داده كه ژاپونيان در مقابله لشكریان روس بجانب غرب راه آهن كه در خاک چین است نمودار شده ازین رو بیطرفی دولت چین را محل اطمینان نتواند قرار داد

§ مخبر (روتر) از (وارسا) خبر میدهد كه به اغوای آزادی طلبان زارعین (پولند) نیز شريك بلوا شدند - درین صورت رفع غائله خیلی دشوار به نظر می آید چه شماره زارعین در اهالی (پولند) هفت از ده است

§ (مكسم گوركي) را دولت روس از قید رها کرده ولی از (پتسبرگ) اخراجش کرده بجانب (رگ) حرکت نمود

§ لشكریان ژاپون دره را كه با (مكمن) همان سمت را دارد كه دره (موتن لنگ) با (ایاویانك) داشت متصرف شده اند

§ بموجب خبريكه از ژاپون رسیده هفده هزار قشون روس با بیست توپ دریازده فرسخی (پن سیهو) زیر حكم جنرال (رن كیباف) بود - در سنگرهای منیع توقف داشتند سه روز دلیرانه با خصم جنگیدند - تاقت سه توپ طاشین دار با قورخانه زیاد از دست داده و دو بیست و سه نفر كشته در میدان گذارده عقب نشستند

§ ژاپونيان تخمیناً خساره روس را دو هزار نموده اند

§ جنرال (كروپاتكن) اطلاع میدهد كه ژاپونيان یازده

ما چندین خراب لغه است

§ دیروز رسماً قرار شد مزدوران (بترسبرگ) دوستی از طرف خود منتخب کنند تا در مجلس شورایی که ذکرش در سیم ماه گذشته رفت وکیل و نماینده آنها باشند - مزدوران مجلس منفرد و درین باب چنین رای دادند تا وقتی که سه هزار نفر مملجات که از تاریخ بیست و دوم جنوری تاکنون بازام بلوا گرفتار شده رهانشوند باواس دولت ملتفت نخواهند شد. در این ضمن چند خواهشات دیگر هم کردند که قبل از انعقاد آن مجلس شورای بزرگ دولت باید قبول نماید اول آزادی مطبوعات - دوم اطمینان بحشیدن بملت از حال و جان و اماکن خود (۲۴ ذی حجه - ۲ مارچ)

§ خبر روزی از لندن خبر میدهد با آنکه لشکریان روس چند بار بر خصم حمله کردند و اپونیان با غایت دلیری سنگرهای مغرب (لاهو) را در میسر تبه (ناتنگ) منصرف شدند -

§ اغتشاش ریادی از نقاط مختلفه روس با کمال قوت مجدداً نمودار است

§ دیروز هیئت که از طرف مملجات منتخب شده اند در (بترسبرگ) تشکیل مجلسی نموده و رای داده اند که اگر تلافی ماقات از نقصانات آنان نشود بلوای عمومی خواهد شد -

§ روز شنبه در (بترسبرگ) و (وارسا) و (مسکو) ابدیة اغتشاش عظیم میرفت چه آن روز اول سالیست که آزادی و غلامان داده شده

§ چهار ذغال از آلمان و دو کشتی سوارسات برای دستة جہازات (بالٹیک) از بندر (سپید) گذشته اند
§ جنرال (استاسل) به ملاقات امپراطور و اعلیٰ حضرت تبار تناول نمود

§ در [پاریس] اشاعت یافته که طاعون در [مدن] سرایت نموده و حکومت سومالی فرانسه در دفع و عدم سرایت آن منتهای جد و جهد را دردد
(۲۵ ذی حجه - ۳ مارچ)

§ خبر روزی از [بیت سن] خبر می دهد که چهار صد نفر سواران ژاپنی بر [سن من تشک] حمله نموده و ده هزار لشکریان در طریق (کونیاتسن) موجود و میخواستند که مقام مذکور را بدین پناه تصرف شوند

که این مقام را روسها بنابر مصلحت خود بتازگی از میدان جنگ بی طرف قرار داده اند

§ حملات و حرکات میسرۀ اردوی ژاپون دال است بر اینکه (مارشل اوایاما) سپهالار کل اراده دارد میبضت و میسرۀ اردوی روس را یک مرتبه در هم پیچد و اثر قوت بازوی خود را در قلب لشکر روس افکازد

§ وقایع نگاران میدان جنگ می نویسند که حرکات مختلفه و حملات متعدده متفقۀ لشکریان ژاپون از هر جانب - معلوم میدارد که صد هزار قشون ژاپونی دریازده میل غربی مکن دیده شده که میسرۀ قشون روس رخ آورده اند - حملات شدیدۀ مہولہ ژاپون با یکصد توپهای بزرگ از تبه (پوتیلوف) و (ناوگوراد) بر قلب لشکر روس اردوی روس را متحرک ساخته و اپونیان در میسرۀ اردوی روس شبانه منقضی المرام گردیده و فوائد بسیار حاصل نموده اند

§ افواہ است که لشکریان روس در کار آنتد که شهر مکن و پای تخت منجوریا را تخلیه نمایند
- اخبارات داخله -

§ عرووات (کاکته) میخواستند که تنیت نامہ خدمت لیدی (کردن) زوجة محترمة فرماظرهای هند پیش نمایند
§ لارڈ (لمنگتن) حاکم بمبئی که دو روز در آسام مصروف شکار بودند روز بیست و هشتم فروری کلکتہ آمدند و همان روز شام به بمبئی مراجعت فرمودند
§ فرماظرهای هند از رأو صاحب (کج) بیست و هشتم ملاقات رسمی فرمودند

§ لارڈ کرن فرماظرهای هند برای ملاقات زوجة محترمة خودشان بیست و نهم رهسپار بجانب بمبئی شدند بیست و هفتم فروری ساعت یازده شب کارخانه (مون) در (سوری رود) محرق و ساعت چهار خاموش گردید - تخمین نقصانات چهار صد هزار روپیه شده است

لارڈ کرن نائب السلطنه هند بیست و هشتم فروری با نماینده دولت چین ملاقی شدند

خطابۀ خیر مقدسی به زوجة محترمة نائب السلطنه هند (لیدی کرن) از جانب زنان هند پس از ورود در دارالحکومت تقدیم خواهد شد تا کنون این امر رسم نبود گویا ازین و بعد مرسوم خواهد شد

جبل‌المتین کلکته

مدیکل کالج استریت تمبره

کلیه امور اداره با

مدیر کل مؤید الاسلام است

منتظم اداره

آقا محمد جواد شیرازی است

هر دوشنبه طبع

په شنبه توزیع میشود

بتاریخ دوشنبه

۶ محرم الحرام ۱۳۲۳

مصادف با

۱۰ مارچ ۱۹۰۵ میلادی

جبل‌المتین

سنه ۱۳۱۱

قبل از دریافت نمودن قبض اداره

۱۰ منات — ۶ منات (خریدار نباید قیمت اخبار را با حدی تسلیم نماید)

در این جریده از هر گونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملی بحث میشود

مراسلات عام المنفعه منبول و در انتشارش اداره آزادست

فهرست مندرجات

- سیاسی * ترجمه از جریده لوانت هرالد * مکتوب
- از قفقاز * جنرافیای ایران * مکتوب خراسان *
- تاریخ حرب ژاپون * مکتوب از بادکوبه * مکتوب
- از چابهار * شوشتر * مرآت زشت و زیبا * واقعه
- عجیب * شکایت همسر محترم وکیل امرتسر * اطلاع *
- هجرو چین روس * جنرال کروپاتکن و خیالات ارباب
- حل و عقد روس درباره او * جبل‌المتین * دلا لاه *
- نتیجه آرید * سیاحت سلطان زنجبار در انگلستان *
- اخبارات متفرقه * تسایم و قبول اطاعت بنبر هرت *
- جواب جنرال استالی * تلگرافات * اعلان *

سیاسی

زاید بر آنچه دانند اندازا در تصور بد جنگ (مکدن) اهمیت پیدا نمود - از رویداد جنگ و ملاحظه تلگرافات اقصای شرق جنان مستفاد می شود که جنرال [کروپاتکن] در دفع دشمن تدارک کافی دیده و استحكامات متین ساخته بود. چه از بعد جنگ [لیاؤیانگ] و فرار لشکریان روس بطرف (مکدن) که بالغ بر شش ماه است همه روزه جنرال موصوف را حکمک رسیده استحكامات ساخته و تهیه دفع خصم را کامل دیده بود. ازین رو در سه ماه قبل نظر باستعداد کافی خود نموده ضروری که خمیره روسیان و بلند پروازی که سرشت جنرال موصوف است و برا مهبیج آمده در عوض اینکه

مدافعه پردازد در [شاهو] کدین مکدن و (لیاؤیانگ) واقع است پیش قدمی آغازیده بر خصم ناختن گرفت. چون ضرورت استمداد خویشرا دیده و از قوای خصم کما کما و خبر بود بدبختانه جنان شکست یافت که ذلت (لیاؤیانگ) را به پیشبردشورد. از آنوقت جنرال موصوف پیش پای خود داشته اصول اولیه خویشرا که مدافعه بود پیش نهاد نموده راسته حکامات (مکدن) و نواح آن می انزود. درین اثنا ژاپونیان از تسخیر بندر (آرتسر) فراغت جست. قشون حرار حرب آزموده و توپهای کوه شکن قلعه کوب قلعه آرتسر را بکمک اردوی [شاهو] فرستاده تمام قوای بری خود را در یک مرکز جمع و با کمال قوت قاب در شرف پیش قدمی و از جای کردن اردوی خصم بودند. که تا آنجا آرزو رسیدن اردوی دوم روس و میناهوی حالات و نیز جنرال [کرین برگ] سپه‌الاردوم روس بنحیج با پیچیده لشکران روس کری تازه و فری از نو گرفتند. ژاپونیان از استماع این خبر اندکی خویش را جمع نموده بخو سازو گراییده از اراده پیش قدمی موقتاً باز آ. که ناگاه جنرال موصوف با آن اردوی رسید. جرار غیر مرعوب پیش قدمی آغازیده و پرش باز در ژاپون آورد. سردارن ژاپونی بدوا برای نیش قوای خصم از جلو حملات سپسالار تازه بدر رفته و پرا میدان دادند. همین که میزان هم و قوت

باشد باید حمله بر خصم نماید. و او را مهلت ندمد که او نیز در مقابل وی بهمین مقدار یا کثر تدارک بیند چه استعداد ژاپون پیش از آن است که ما تصور کرده بودیم (کرپین برگ) جواب این سخنان را پانزده روز بعد خواهم داد. یعنی پس از آنیکه ژاپونیا را شکست دادم. این بود که از گرده راه رسیده مصمم حمله بر خصم شد جنرال کرویاتکن نیز درین موقع پوزخنده مسخره آمیزی زد اخبار مذکور می نویسد که این بیانات می رساند که از بدو ورود بین این دو سپهسالار تقار واقع شد اگر چه سخنان [کرویاتکن] را نمیتوان تکذیب نمود. ولی این امر را نیز میتوان تصور کرد که کلمات [کرپین برگ] هم که جنرال (کرویاتکن) مدعی با نوسان صدق باشد

بالجمله - جنگ [مکدن] زیاده بر آنچه متصور بود طول کشید و جنرال [کرویاتکن] پیش از آنچه گمان می رفت استحکامات ساخته استقامت و استقلال و هادری و شجاعت جلوه داد. از ابتدای طام و آغاز این جنگ جنگی خونخواره تر از جنگ [مکدن] نشده یازده روز کامل متوالیاً شور جنگ شعله ور و با اندازه از طرفین مقتول و مجروح شده که بدین زودی شمارش توان نمود آنچه تخمین شده درین یازده روزه جنگ نقصانی متخاصمین اضافه بریکسد و پنجاه هزار بود از آغاز بنای سلطنت تا کنون چنین گشتاری در یک میدان شده بود. واقعاً عجیب تمدن و نوع خواهی و انسان پرستی از تمدنین جدید درین عصر نورانی نمودار گردیده و صلح عمومی که مبتنی بر محبت نوع بود نیکو نتیجه بخشید و علوم و قوانین حفظ صحت و تربیت خوب نمر داد. حالا باید دانست که تمدنین جدید را قصدی جز انانیت و جلوه ظاهری برای فریب ما نیست. بدین معنی که میخواهند بدین زبان بازیها و رنگ و روغهای برخی از اعمال خود ما را فریفته و بجواب گفتات انداخته همه چیز ما را برابند. نعوذ بالله اگر بهوش آمده کلاه خود را بگیریم. آنوقت است که میلیون مایون نفوس بشریه را اعم از خودی و بیگانه قربان امراض حریصانه خود و فدای طمع مجنونانه خویش می سازند. هرگاه چشم عبرت بر این همه گشتگان انشاء بشر در اقصای شرق انداخته و توجه را بملت ثانی آن اندازیم اثر تمدن و نتیجه دانش را در این نو تمدنان نیکو خواهیم دید

آنچه را هفت گزشت نوشته بودیم صحت در این میدان نیز جنرال سکرویاتکن محصور و (مکدن) را ژاپونیا منصرف خواهند شد بمنصه شهود رسید. استقامت جنرال [کرویاتکن] و استقلال لشکریان روس درین میدان در مقابل حملات بی دربی [مارشل اوپاما]

دشمن و اصول طمن و ضرب او را دوست بدست آورده و خصم را اندکی از مراکز خود دور ساخته یک مرتبه چنان بر او تاخند که سرکردگان و سربازان روس دست و پا را گم کرده جلوریز راه فرار پیش گرفتند و جنرال [کرپین برگ] چنان خائب و خاسر گردید که بدون ساعتی در رنگ تا (بترسبرگ) آرام نگرفت

مکالماتی که در بدو ورود جنرال موصوف با جنرال [کرویاتکن] نموده با جواب آن در روزنامه فیکاروی فرانسه اشاعت یافته ترجمه آن در این مقام خالی از مناسبت نیست [کرپین برگ] سرا از دانش و جلادت و استعداد کافی و تدارک وافی وزیر جنگ و سپهسالار اعظم و آن نام بلند و ارجمند دریغ می آید که ده ماه کامل در مقابل جماعتی نیم وحشی معطل و بدین سبب نام دولت روس پست گردد [کرویاتکن] طی وقتی که اعلیحضرت امپراطوری سرا سپهسالاری اقصای شرق نمزد فرمود چون بخيال خود خصم را خیلی فرومایه و پست پایه می شمردم حرکت خویش و مقابله با آنان را ذلت دوات قوی شوکت روس و طایه پستی مراتب خویشتن تصور میکردم. ولی از تجربه روزانه که در هر صحنه ده ماه حاصل نموده خطای خیالات بلند پروازانه اولیه خود را اشعار می نمایم. چنانچه ندامت من از سخنان بی اطلاانه که در ابتدای حرکت خود مانده ام روزها درین موضوع زده بودم بیشتر است از ندامتی که درین جنگهای مختلف و شکستهای بی در بدر حاصل نموده ام [کرپین برگ] بعد از شکر خنده مستهزانه - از فرمایشات وزیر جنگ با اینکه جنگهای بزرگ دیده و محاربات عظیمه دول منمدنه را بقسی شنیده که گویا حاضر بوده مرا شکفت می آید که مشق مردمان زرد چرده کوچک جثه تنگ چشم دهن گشاد بی تربیت را چه تصور فرموده که بدین پایه صدق شجاعت و معرف علم و دانش آنها شده اند. این سخنان از زبان سپهسالار کل بالاصاله برای مرعوبیت یک اردو کافی است [کرویاتکن] ندامت سخنان اولیه و بلند پروازهای مفرورانه ابتدایه مرا و میدارد که اطلاع و تجربیات خود را بسرداران و رجال دولت و شخص امپراطور معظم عرضه دارم تا ما اطلاع کافی و استعداد وافی بدفع خصم کوشند. با این استعدادیکه از ژاپونیا خود دیده ام ما را مهاجمه نباید. تا جائیکه مدافعه ممکن است خصم را باید جلو گرفته معطل سازیم شاید در آینده دولت بطریق کافی تدارک دیده دفع خصم کند

[کرپین برگ] آیا دولت پیش ازین استعداد که برای مقابله با هر یک از دول بزرگ اروپا کافی است تدارک بیند؟ [کرویاتکن] طی دولت روس برای آنکه آب رفته خود را بجوی آرد با یک ونیم میلیون قشون که مهائش تمام کامل

روس در منچوریا زیاده منتشر شود اغتشاشات اندرون وی پیشتر میگردد. اروپا بصیرت که به ذره بین سیاست در بلوای روسیه نظر حقیق افکنده بلوا را خیلی مهول و مخوف می بینند. دولت روس هر قدر بازمی و سختی و وعد و وعید میخواید نیران بغاوت را فرونشاند تا بپوش کارگر نمی شود. اطمینان ملت از دولت با اندازه مرتفع شده که دولت اعلان تسلیم خواستارانشان را میدهد ملت قبول نمی نماید. چنانچه برای بحاس شورای عمومی خواهش کرد که مزدوران و عملجات دویست نفر از طرف خود نمایند منتخب نموده نادر امور ملک بحث کرده قوانین لازم القابرت ملت و ترقی دولت را مرتب دارند. ملت همراهی نکرد دولت نیز بناچار از قصد و هنرم خود بازگشت فعلاً تا جائیکه دولت مقتدر است به گرفتن و خارج کردن و کشتن و بستن در راج اغتشاش سوسی می نماید و قوانین جنگی را در داخله ملک بین ملت خویش جاری میدارد هر قدر دولتبان سختی پیش میکنند بشوهرات برآشفته و متفر از دولت می شود. اینک کار بجائی کشیده که برخی از طوائف ذریع باسایحه و ادوات حرب بعداوت برخاسته بتاراج مملکت اقدام نموده اند. جمیع رجال دولت حق شخص ابراطور از جان خود این نمی باشد واضح است که این مراتب طبعاً دولتبان را از انتظامات باز میدارد و هر قدر از کارهای مانی گزاره جویند اغتشاشات ملک پیش و بلوای ملت بالا میگردد یکی از رجال با سیاست فرانسه میگوید که بلوای روس بینه بلوای فرانس در تبدیل سلطنت بجمهور است و همان نتیجه را هم طاقت خواهد بخشود. ولی فرق این است که امت فرانسه دانا و ملت روس جاهل اند. ازین رو بعید نیست قبل از آنکه تبدیل سلطنت بجمهور شود طریق ملوک طوائفی در روسیه قائم و در آن صورت انقلابات عظیم پیش و خون ریزیهای بزرگ خواهد شد. ممکن است که اطراف مملکت نیز ماضول سیاست و مقتضای طبیعت به راه انتظام و دفع آشوب جلو مقراض همسایگان درآید

درین گیرودار بزرگترین صدمه که بروس رسیده است تکاف صرافان فرانسه از دادن قرض میباشد ظاهر است که پشت گرمی و قوت قاب روس بقوه طایفه فرانسه بود. دولت روس مجدداً سی و دو میلیون لیرا به صرافان فرانس اعلان قرض داد. بعد از شورای زیاد دولت روس را از بازار صرافی پاریس چنین جواب رسیده (بیست میلیون قرض میدهم و دولت روس باید این مبلغ را آخرین استراخ از فرانسه تا چند سال دیگر تصور کند) مسلم است این اعلان در نزد جمیع صرافان اروپا

سپسالار ژاپون بی ثمر و اثر شد. اگرچه تلفات قشون ژاپون را در این میدان کتر از کشتگان روس نمیتوان گفت ولی باین فتح بزرگ نمایان که غیرت و شجاعت ژاپونرا بر جمیع ملل غیر شجاع عالم برتری داده آنرا ندامت و تأسفی نیست. این شکست قشون روس را یکدفعه مضمحل و درانظار اروپا حرب بدست ساخت جنرال [کروپاتکن] بدوات متبوعه خود رسماً خبر میدهد که حملات شديده متوالیه ژاپونیان و کثرت لشکران ژاپون اردوی ما را از جای کنده و بهیئت اجتماع ما مجبور بفرار و محصور شدیم (در این تلگراف جنرال [کروپاتکن] التزام این شکست را از خود مرتفع داشته بدوات نهاده است. یعنی ما در تدبیر و عقل و شجاعت کبودی نداشته و نداریم چون استعداد لشکری ما در برابر خصم ناقص بود لذا مجبور بفرار شدیم)

این شکست بین و شرمماری فاحش آرزوی فتح را از سر جنرال [کروپاتکن] بدر کرد و امید نصرت را از خاطر لشکران روس بیرون برد. نه فقط دولت مشارالیه را در نظر خارجه بیست و کم و قریب در داخله نیز رعب و هیبت دولت را از انظار مرتفع ساخت. شک نیست که این خذلان شرایط صلح را از طرف ژاپون سخت تر و دولت روس را مجبور بقبول آن خواهد نمود. مشکل این است که دولت روس بدواً قسمی وساطت دول عظام را رد نموده که امروز احدی اقدام در وساطت صلح بخودی خود نمی نماید و شخصاً روس شکست خود میداند که خواهش صلح از ژاپون کند ولی امروز دولت روس را جز این چاره نیست

وزیر خارجه ژاپون در نطق خود اظهار داشته که اقدامات ما درین جنگ فقط برای حفظ حقوق خودمان بوده و هیچ امر ما را داعی نیست که خواستگار صلح باشیم و تا وقتیکه خصم تمام شرایط ما را قبول ننماید و رسماً بلا واسطه از ما خواستگار صلح نشود هرگز از اقدامات جنگی باز نخواهیم ایستاد. میبایگیری دول در ماده صلح با چین اگرچه ما را از چین نمرات فتح باز داشت ولی هوشیار نمود لذا درین موقع اگر جمیع دول متحداً بوساطت صلح برخیزند و دولت روس تمام شرایط ما را قبول نکند با کمال جرئت و ملت های جسارت دست رد بپسینه همه خواهیم گذارد و از هیچگونه مخاصمه خوئی نخواهیم نمود. دولت ژاپون هیچگاه جنگ جو نبوده و هرگز این مسلک را اختیار نخواهد کرد. عملاً قریب ظاهر خواهد شد که دولت ژاپون اساس صلح را در شرق قسمی محکم گذارد بلکه هیچ منازعه و اختلافی او را متزعزع و متخلخل نتواند داشت

مشکل تر از همه این است که هر قدر خبر شکست

شماره (۲۴) ۶ محرم الحرام (۱۳۲۳) - سال دوازدهم - ۱۳ مارچ (۱۹۰۵) سنه (۱۳۰۵)

را با کمال استعداد در مقابل خود دید چون از هر طرف خود را در محاصره و محاطه یافت و از هر جا سر خورد بامتهای شجاعت و دلیری برگشته بجانب جنرال (نودزو) بدین اراده که لشکریان خود را از جناح اردوی ژاپون فرار دهد و به (نیلنک) که قلاع رزینة او را قبل از وقت برای چنین روزی استوار نموده و دو استحکامات طبیعی عالی (ایاویاک) است برساند - بر ساقه دجله دشمنی تازه یعنی شهر بندر آرتھر (جنرال بوگو) شد چون طریق فرار جز این راه نداشت با تمام قوت در مغلوب ساختن جنرال (بوگو) دامن برگرزد که شاید ازین طریق راه فراری برای اردوی خود بدست آرد و خوبشتن را به (نیلنک) رساند ولی بدخترانه معلوم می شود که جنرال کرویاتکن بدین مقصود نائل نگردیده و راه آهن قبضه ژاپونیان در آمد تمام اردوی روس محصور و مجبور به تسلیم شده گویا جنگ خانگی شده است چه در این محاصره اردوی روسرا چندان تاب تحمل و خود داری نیست - همین که راه آهن قبضه ژاپونیان آمد ابواب کمک از هرجهت بروی روسیان بسته قشون از نیاتن سیواسات دست و پا را گم کرده فوراً تسلیم خواهند شد هنوز معلوم نیست که پس از تصرف مکن نتیجه محاصره جنرال و صوف بکجا انجامیده است

ترجمه از جریده لواسات هرات

(مورخه دوم فروری ۱۹۰۵)

جناب اشرف پرنس میرزا رضا خان سفیر بزرگوار دولت علیه ایران که چندی در مسافرت بودند در روز یا کشتی موسوم به (سیکلای دوم) از کپانی روسی که از اسکندریه می آید وارد اسلامبول شدند پذیرائی بسیار امر و شکوهی در حق سفیر معمول گردید

اعلی حضرت سلطان جناب غالب بیگ معاون تشریفات را برای مراسم خوش آمدی مأمور فرموده بودند جناب شوکت ماب صدراعظم و جناب وزیر امور خارجه هر یک ترجان وزارت خود را که جنابان خیرالین بیک و سعدالدین بیک هستند برای تبلیغ سلام و پذیرائی با استقبال سفیر کبیر فرستاده بودند میرزا مصطفی خان مستشار سفارت کبری که در هنگام غیبت سفیر کبیر رحمت شاز و افری داشتند به همراهی اعضای سفارت کبری و اجزای جنرال قونسولگری و مستبرین ایرانیان و جمعی از سایر اشخاص معروف بکشتی رفته خیر مقدم بجناب اشرف پرنس میرزا رضا خان عرض کردند جمعیت زیادی نیز در سفارت کبری حاضر و تبریک ورود سفیر کبیر نمودند پرنس را کمال خوش وقتی از این پذیرائی عجبانه حاصل گردید

شب را اعضای سفارت کبری و اجزای جنرال قونسولگری بهام در سفارت کبری مدعو بودند

اعتباری برای روس باقی نگذارد و مبنای از قیمت سندات استقراضی وی کاست این نکته نیز دولت روس را مجبور بصلح می نماید

یکی از ارباب جراند دولت فرانسه را سرزنش و نکوهش نموده مینویسد که حقوق روس بر فرانس در جنگ آلمان زیاده بر آن است که بتصور آید - اگر دولت روس با درمیان نه نموده نقشه که پرنس بسارک کشیده بود یک مرتبه محو دولت فرانسه را دعوت می نمود - درین صورت شایسته نبود فرانسه یک قدمه درین جنگ بی طرفی اختیار نماید - ولی اگر مدقت ملاحظه شود این سخنان ناشی از بی اطلاعی نگانده است که نمیداند دانایان ژاپون از روی مال اندیشی دفع حمله گرگانه فرنگارا بهینت اجتماع سه سال پیش بمعامده سوق عسکری و اتحاد با دولت انگلیس و امریکا نمودند - هرگاه دولت فرانس با آلمان و با تمام بجهایت روس بر میخواستند از روی مساعدت دو آلتین امریکا و انگلیس نیز مجبور بجهایت درین جنگ بودند - درین صورت جنگ محدود اقتصادی شرق در اروپا بطریق غیر محدود بصورت خیلی مهیب جلو میگردید - اگر چه این امر دولت روس را مفید بود ولی از مال اندیشی اروپائیان خیلی بعید می نمود چه اگر چنین جنگی در اروپا واقع میشد نصف قشون حلاک و آن مملکت مسموم ویران میگردید بزرگترین همراهی فرانسه بروس تأییدات مالی بود که به گاو شیرده روس ضرب المثل شده - ماندازه که ثروت فرانسه در جمیع عالم بقرس منتشر است معادل آن در روسیه با هم بقرس - همان شده و شاید در باره این دولت فرانسه مقتدر به همراهی نبوده و نیست این است که از بازار صرافان فرانسه بدان عنوان دولت روس را جواب رسید

تلگرافیکه از میدان جنگ میرسد حالت جنرال (کرویاتکن) و قشون روس را خیلی مهول مینماید چه نقشه [مارشل اوپاتا] کشیده و پیش میرود و تا کنون مقضی المرام شده اگر تا آخر بدان قسم پیش رود و کامروا گردد جنرال [کرویاتکن] تمام قشون وی را محصور و بلاد رنگ مجبور به تسلیم خواهد نمود - ازیک ماه باین طرف (مارشل اوپاتا) در این مقصود اقدامات مجدها نموده و قشون وی حلقه وار بوست یکصد میل اردوی روس را دوره نموده - میسره یا جنرال [کرویاتکن] قلب با [جنرال نودزو] میمنه با [جنرال اوکو] در مقدمه الحیش [مارشل اوپاتا] خود مانند شیر و بان در تکاپوست پس از آنیکه اردوی جنرال کرویاتکن از جلو خصم کنده شد و رو بفرار نهاد جنرال موصوف بهر طرف روی آورد یکی از سرداران بزرگ ژاپون

خلاصه مکتوب از قفقاز

بخدمت ولته از تأثیرات انفس مقدسه و وزنامه
 جلالالتین که تاش بلند و مقامش ارجند باد انسانی
 گرامی وطن عزیز حالا تا یک درجه خودشان را از
 وقته اسارت خواب غفلت خلاص نموده و حس مایه
 در تمام ایرانیان پیدا شده و در سایه همت بدستاری
 سی و مجاهدت بدفع و رفع ناخوشی مزمن جهالت
 بمن چه که نتیجه بطالت و کدات سالهای دراز بود
 برخاسته و به تدوین و تنظیم امور مملکتی قیام و اقدام
 نمودند - زیرا که بخوبی متذکر شده اند در هر مملکتی که
 انتظام امور و اجرای اصول مساوات و مجازات در
 تحت یک قاعده و ضابطه نباشد ملت هیچ وقت
 رفاهیت و امنیت نامه از مال و جان و عرض و ناموس
 خود نخواهد داشت - و اقویا به مال و جان ضحیا
 چیره شده حکام دست آنگاهول به حقوق رعایا
 دراز کرده و در امر و نهی خود فعال ما برد خواهند
 بود و بدین حبه ملت بیچاره چشم از تصات مادی
 پوشیده برای حفظ جان از وطن اصلی متواری گشته
 و پناه به ملک اجانب خواهند برد - و فی الواقع این همه
 رعیت ایران که کرور کرور به خاک روسیه و عثمانیه ریخته
 در ممالک اجنبی هزار زحمت و مشقت مشغول تحصیل
 معاش یومیه میباشند و قتیکه شخص حال پریش و وضع
 دل ریش این بیچاره هارامی بیندانشک خونین از چشمش
 جاری میشود و بی اختیار بدین سحقان مترنم میشود
 پروردگارا خداوندا از این ملت قدیم و قویم نجیب
 ایران چه گناه عظیم و تقصیر فاحشی سرزده که در مقابل
 آن حلقه کوب در میخ سرگردانی و پریشانی شده اند و
 از آن قدرت و شرف سابقه شان آری باقی نمانده و حالادر
 صرحا مورد هرگونه تمسخر و استهزاء اجانب میباشند
 خدا یا خداوندا رحما کریمیا تو جبرینده و مخلوق از
 پدر و مادر سربان تری بر آفت خود از سر تصحیحهای
 ما که نتیجه غفلت و تدلی است در گذر و مارا گوش
 شنوا و چشم بینا و طبع قوی و فهم زکی و فراست
 قوی و تشخیص عطا فرما

آنها صمدا این و دینه گرانهای تو که رعیتش
 نامست بواسطه بی مبالاتی سابقین از رجال سنگ
 شکن و کل کنی طرفی و شوارح ممالک اجنبی

شده و در دریاها و صحراها و جنگلهای و قرهها اسیر
 جنگ استیجار اجانب گشته و بهتیمهای مختلف جانها
 بدر و تنها بی سر می ماند - بحال این بیچارهها رحمی فرما
 اگر یک صرخه خانگی از کسی مفقود شود صاحب آن
 صرخه اطراف و جوانب و خنهای همایه را میگرد
 و سراغ مال مفقود شده خود را می گیرد و میجوید چه
 شده است که نیه ایران کتر از صرخه خانگی شده و این
 قدر رعیت به ترک دار و دیار گشته و میگویند و کسی
 عات این همه فرار و متواری شدن آنها را نمی پرسد
 و در صدد جلوگیری و پراگندگی و رفاقت رعیت بر
 نمی آید فرموده حضرت خنسی مرتبت صلواته علیه
 و آله را بنظر بیاورد که فرموده الملك یبقی مع الکفر
 و لایبقی مع الظلم

بخدمت این اوقات در سایه هارایه بندگان اعلی حضرت
 اقدس هابون شاهنشاه دل آگاه رعیت پرور و بهمت
 ترقی پرورانه حضرت مستطاب شاهزاده عین الدوله صدر
 اعظم چشم رجا و امیدواری ایرانیان بر این است که
 عنقرب ایران رونق تازه حاصل نموده و آب رفته
 بجوی باز آید تا باز ایرانیان بپرایگیری خودشان
 بنانند و بیالند و حدودان زشت حکام بگدازند و
 بنانند

نظر مطبوعات روسیه و مخصوصاً روزنامهجات قفقازیه
 به ترقیات ملیه دوات ایران متطرق است - و همان مطبوعات
 بیک آواز از بیداری حس ملیه ایرانیان و بحران
 ظاهره در آن سامان فریادها میکنند و دول اروپا را
 بداخله و جلوگیری این هیجان تکلیف مینانند - و
 ترقیات ایرانیان را در آینده یکی از اسباب جلب خود
 ملوک غرب در ایران میشمارند چون قابلیت فطری و
 جوهر ذاتی انسانی ممالک ایران که یک وقت مشرق
 انوار معارف و منبع بحار علوم بود بر کسی پوشیده
 نیست و این اوقات که بتوجهات اولیای دولت عالی
 انسانی گرامی وطن از خواب غفلت بیدار شده و
 حییات مایه به هیجان آمده میترسند این دولت هشت
 هزار ساله باز بیک جنبش قادرانه و بقوت الکتریقی
 اثر معارف و انتظام امور ممالک آن شرف قدیمی
 خودش را به ملک و ملت باز رساند و همان مفاخر
 دیرینه از یاد رفتی را از سر نو در روزگار مستقر

شماره (۲۴) ۶ عرم الحرام (۱۳۲۳) - فصل دوازدهم - ۳۳ مارچ (۱۹۰۵) منجزه

ناصرالدین شاه بقتاً بوجود آمدن شهریار مزبور مخصوصاً جهة پاشای دریاچه مزبور تشریف برده احوال و وضعیت مختلفه او را بطور واقفانه بالذات رسیدگی و مساحه و تدقیق فرمودند

این دریاچه چون در هنگام بروز شاه عینک بود خاقان شهید او را دریاچه عینک نامیدند اما پس از آن از ژاید آنها کسب جسامت نمود و شکل ابتدائی خود را ضایع و اینک مقیاس کوچک دریای مازندران را پدیدار نمود

این دریاچه از شمال شرقی رو بجنوب غربی امتداد یافته طولش (۴۵) کیلومتر و وسعت و پهنای جاهاییکه از همه جا پر پهنای ترست ده کیلومتر و تنگ ترین جا هایش شش کیلومتر میباشد و گودترین محل او ده متر و مساحت سطحه اش دویست و پنجاه کیلومتر مربع است

آب این دریاچه آب یعنی نیل و شورا است و درمیانی ماهی خوردنی وفور دارد و ازوفور انواع مرغان که از اطراف در آن دریاچه گرد آمده و می آیند در دریای مزبور تشکیل يك شكافه دریایی شده است

و مرعای اطراف دریا دواتی و چراگاه ده هزار شتر دولتی است

رودهاییک بدریاچه ساوه میریزد

(۱) رود کرج - یا خود رودخانه شور که در جهة غربی از رودخانه قزوین و (آبهار) تشکیل و بطرف شرق جریان و از جانب چپ (آب جاد) که از دانه جنوبی کوه شمیران نمان و از طهران میگذرد به او ملحق و دوباره بطرف غرب برگشته در ساحل شرقی دریاچه داخل دریاچه میشود

(۲) قره سو - که از شمال شهر بروجرد نمان مدتی بشام رود (رزین) بطرف شمال جریان و در جوار (جهان آباد) از کوه الوند دو رود جریان می یابد هر دو رود از طرف یمن و یسار بنهر مزبور ملحق پس از آن بسوی شرق جریان و (قره چای) را سکه از طرف قریه (الف آباد) جاری است و رودخانه (رضاء) را که از طرف شمال می آید در جوار قریه (بالادون) اخذ و در شمال شهر قم بدریاچه مزبور مصب میگردد

سازد و مثل ژاپونیان در مدت قلیل این راه دور و دراز تمدن را طی نموده باشه معارف و فضایل چشم حسودانرا خیره نماید - این است مطبوعات فرنگستان و مخصوصاً روزنامهجات روسیه که در واقع نایبند بلکه آئینه افکار و خیالات دوات و ملت اند همه متفقاً دول فرنگستان را تهدیراز آینده ایران و ایرانیان نموده و برای حفظ قوت خودشان اقسام تدابیر و دسایس نشان میدهند. اینک ترجمه فصولی که روزنامهجات روسیه در این خصوص مینویسند ذیلاً مینگاریم با این حال باید اولیای دولت ابد مدت علیه فرصت را از دست نداده و در این موقع مفتم اقدامات سریانه و مجدانه در خصوص تنسیقات امور مملکت و چاره در حصول پیشرفت معارف ملت بعمل بیاورند والا در آینده مثل دولت عثمانیه از هر طرف دو چارهزاران زحمت و ندامت خواهیم شد و پشیمانی در آتیه سودی نخواهد داشت و شیخ علیه الرحمه چه خوش گفته است

هر که مزروع خود بخورد و خورید

وقت خرمش خوشه باید چید

چون مشغله پیش و فراغت اندک بود این هفته

بیشتر از این نتوانست زحمت داد (باقی دارد)

جغرافیای ایران

(از شماره ۲۳)

(دوم دریاچه ساوه)

دریاچه ساوه در شمال شهر مقدس قم و جنوب شهر مبارک شاهزاده عبدالعظیم و در پهنای و هشت کیلومتری طرف شرقی قصبه ساوه بجهة غربی بانلاق (زوانج) واقع است و از جهت علامات و خوارقی که در ولادت حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله وسلم در اقطار ارض در آن واحد برور نمود مانند شکست برداشتن ایوان بوشیروان در مداین و خواعوش شدن آشکده فارس و برافروختن چراغهای ظلم بدون زینت و منع شیاطین از خروج به آسمان و غیره این دریاچه هم در حین ولادت با سعادت آنحضرت در آن واحد خشک و ناپدیدشد زیرا که او را پارسیمان دریاچه مقدس نامیده و در نزد او آمده سوگند یاد مینمودند. پس از آنکه بقدر هزار و سیصد و پنجاه و سه چهار سال معدوم شده بود در سنه (۱۳۰۵) در زمان سلطنت خاقان شهید

شمال این سد جسم جریان دارد میریزد آن قاضل آب شده و خرابیهای مزار کبخیرو را در طرف چپ خودرها نموده و از طرف غرب (استخر) با تخت جشید گذشته و نهر پولوار هم از طرف راست مزید او گردیده رو بشرق جریان و بدریاچه نرگس مصب میگردد

آب دریاچه نیریز با آنکه مانند دریاچه نرگس تلخ است چون وسعت و گودیش بسیار کم است در زمانیکه آنها رو بکمی میگذارد زمینهاییکه از تسویه آب خارج میاند رایحه متعفن از آنجا منتشر میگردد

دریای نمک و یا دریاچه مهارلو

در جنوب غربی و هفت فرسخی شیراز واقع و در وضعیت مانند ، وازی دریاچه بختگان میباشد و در قرب قره مهارلو واقع و آبش بنایت شورست بحدی که از کتارهای دریاچه مزبور نمک اخذ می نمایند دوره دریاچه مزبور دوازده فرسخ است و از قاضل آب (نهر اعظم) که شهر و باغات شیراز از او آبیاری میشود و آب (سعدی) و آب (زنکی) آباد و آب (رکنا باد) و (جشمه چنار) و (جشمه مرقاب) نهر بزرگی تشکیل و بدریاچه مزبور مصب میگردد (بالی دارد)

مکتوب خراسان

(از شماره ۲۳)

من بخورم و آنها محروم باشند مسلمانان غیرت مند وطن پرست ملت دوست تمدن خواه در تمام دول و ملل خیر طواغیان بجمع و تهیه اموال و باعانت و افضال بناهای طبری در رباط و اطانت و میانت و حمایت قرا و مرزا و غربا و شکستگان و مظلومان تأسیس مینمایند در حالیکه بذل مال در بعضی نفوس اعظم اقبال واحز اعمال بلکه در بعضی اشخاص نزدیک بحال است - بناهای بزرگ از مکتب خانه و شفا خانه و غریب خانه ها در عالم بریاست شما غیرت کنید همت کنید خود کتی فرمائید قدری از اقوال و کلمات که اسهل از همه زحمات است بلکه در بعضی نفوس از جهت لذات شمرده میشود بر روی هم بگذارید و این بنا شده های مقدس را که قدما وجدیدا در این آستانه متبرکه هست و از شدت اندراس بلکه تبدیل اساس غالباً در عوض اینکه مشرف خوانند و نواید باشد متعجب نمائید

(۴) نهر بادیان - این نهر از رود (هارون) که از خولسار گذشته بطرف شمال جریان دارد با عنزم رود که از قصبه شهر نو میگردد ملحق و نهر بزرگی تشکیل و از (بلد لاک) نام و قریه موسوم به بلد لاک بالمرور و بدریاچه مصب میگردد

با تلاق - زواقع

این تا تلاق در سمت شرقی دریاچه ساوه در میان دشت کبیر ایران واقع و آبیکه از طنائی کی که دره کوچکی است و آب رود (حیلا) که از کوههای طبرستان می آید در وسط دشت تراکم و این با تلاق از تراکم آن آنها و آبهای کوچک دیگر تشکیل یافته و طولش از شرق رو بنرب ده کیلومتر میباشد و عبارت است از يك با تلاق جسم مثلث الشكل از اطراف این با تلاق نمک و از جایهای مختلف ایندشت شوره فراوان استخصال مینمایند

در سابق چون آب رودهاییکه اینک بدریاچه ساوه میریزد بدان با تلاق میریخت بزرگ بود ولی حال که آن دریاچه بوجود آمده و جهة جریان آن رودها بدریاچه برگشته رفته رفته رو بکوچکی گذارده است

بختگان که

(دریاچه های نیریز - و نرگس میباشد)

این دو دریاچه در سمت شرقی ایالت فارس و در شرق شمالی کوههای کوشنگان واقع و از غرب شمالی بسوی جنوب شرقی تمتد و طولش (۱۳۰) کیلومتر و تریباً (۲۹۰۰) کیلومتر است

این دریاچه بختگان چون (جزیره - آده) یوسفعلی در وسطش واقع شده لذا بدو قسم منقسم یکی را نیریز و دیگری را نرگس مینامند ولی از دو طرف این جزیره دو کلوگاه است که این دو دریاچه را بهم اتصال میدهد و بدریاچه شمالی که نرگس نام داده اند نهری که او را بند امیر مینامند داخل میشود - سبب تسمیه این نهر به بند امیر آنستکه در عصر (المطاع بالله) که یکی از خلفای بنی عباس است ابوالشجاع عنداللهوه بندی در جلو رودهاییکه از کوهها جاری بوه بست و اینک بروه خانه که از قاضل آب آن بند جاری است آبهاییکه از دانه کوه دینار در جانب

و مفاسد شده است از باب و جوب نهی از منکر
 لصباح فرماید. اگر کسی بگوید واجب نیست عرض
 میکنم و جوب نهی از منکر و امر بمعروف از فروع
 دینه معروف است اگر فرماید منکر نیست کدام
 منکر از صرف حال موقوفه در غیر موقوف عایم
 حرامتر و مصیبت تر و کبیره که متفق علیه تمام مسلمین
 است کدام. مسلمان انکار حرمتش را کرده اگر فرماید
 دخلی با ندارد عرض میکنم تمام عباد و بلاد را درین
 موقوفه مخصوصه شرکت است درین موقوفات موقوفه
 هست که برای طلق زوار است خواه غنی باشد یا فقیر
 که از حین ورود تا سه شب و یا ده شب بشام و نهار
 و غیره مهیا باشد و نسبت بعراب از روز ورود تا
 بزم خروج است پس این واسطه اهل تمام بلاد اسلام
 شریک درین حق هستند از عجم و عرب. و موقوفه هست
 محض امانت علانی که بیایند و بجهت فقرا مخصوصاً و
 سادات مخصوصاً و هر یک بطور عموم، امروزه ابداً
 يك پول از اینها بشرايط خود. مصرف نمیشود امروزه
 ده من یا هشت من برنج در مطبخ زوار با قدری
 استخوان ولویا و سبزی طبخ مینمایند. شقی از این
 مطبوخ را در روی یکقطعه نانی بوضی که غالباً کدما
 از گرفتن آن پرهیز مینمایند بزوار میدهند آن هم
 در شبانه روزی یکمرتبه وقت عصر و نصف ازین
 مطبوخ را اجزاء مطبخ خانه درکاسه و دوری و رکابی
 بجهت خود برداشته بعد از يك ساعت درب سخن و
 جاهای دیگر میفروشند و چون حال این مطبوخ از
 عدم ماکول و غیر مقبول بودنش بر احرا و اعضای
 کار واضح و معلوم میباشد قسمت حیره خود را بوجه
 تام خشک میکنند و هیچیک از طبخ و جمله مطبخ و
 اجزاء خدمت مهیا خانه که ابداً درین اولافه جز اسم
 و مواجب چیز دیگر از خدمت و کار درکار نیست
 از این مطبوخ میخورند اگر چه بعنوان خود ببرند برای
 فروختن است نه قصد خوردن مثلاً باید در وقت نهار
 و هنگام تمام قبل از صرف طعام مهیا ها در مهیا
 خانه بطور محترم حاضر شود و پذیرائی از آنها شده
 بوضه هم خوانده شود و نهار یا شام بعد داده شود
 حالا مجلس که نیست دعوت که نیست پذیرائی و خدمت
 هم بالضروره نیست و لیکن خدمت گذاران از شبام

و نهار بطور خشک و ازین مطبوخ البته نباید بگنژند
 و این خدمت کاران فارغ از کار را صاحب منصب خارج از
 فوج بیشتر از شمار قراست. اگر چه این فزونی
 صاحب منصب و ارباب لقب از تابع و این امر ویژه اختصاصی
 به يك اداره ملکی یا مافی یا شرعی یا صرفی ندارد
 (هر کجا که روی آسمان همین رنگ است)
 و اینکه هر چند قرا تاین جان نشان يك فرمان
 گذار با لقب و نشان داشته باشند از زندقه و کفریات
 اهل فرنگ است امروزه هر چه لقب دولت با جزای
 کار میدهد توایت هم همین القاب را باید داشته باشد
 دولت سرتیپ خارج از فوج دارد در تولیت هم القاب
 شرفی میدهند مواجب و مقرری هم از هر جا
 باشد باید اخذ شود که از حقوق واجب الهیه شمرده
 میشود. سابقاً رسم بود که درب دروازه اسامی واردین
 زوار را مینوشتند اند که اگر بعض آنها بمحض همان
 دعوت عمومی بجهت شام و نهار حاضر نشوند رفته
 دعوت بنویسند یا آدم مخصوص از جانب نظارت برود
 دعوت میکند و در مجلس عالی بوضع محترم پذیرائی
 میفرموده اند. حالا همین شام میدوم را که زواران
 مظلوم بنوان تبرک میخوانند مثل گدا های زمان
 قحط در خیابان و درب مطبخ خانه جوب زدن و
 فحش دادن و راندن میبکنند تا آن يك لقمه برنج را
 روی يك قطعه نان گرد بدهند مسلمان اشود کافر نه
 پند این بود حال مسافر خانه و مهیا سرای حضرت
 امامدارالشفای مبارک که الحقی دارالشفای کلیه است
 یادالان بهت. هر مریض که در این دارالشفای متبرک
 برود با سرعت زمان از تمام آلام و اقام ظاهره و
 باطنیه سهل است که از زحمات فوق العاده زندگانی
 عاقبت کلی حاصل مینماید. اولاً مریض را که میبرند آنجا
 چنانچه لباس کار آمدی داشت باشد یا قدینه و اسبابی
 وجود داشته باشد قبول میکنند و الا قبول نمیشود
 و عذرش را میخوانند زیرا که لباس و اسباب مریضیکه
 درین قنکاه بشهادت میرسد بحکم (من قتل قتیلاً فله
 سلبه) مال و حق آقایی چند است که ملازمین بحسابند
 و بعد از قبول باو طاقی میبرند که زمستان از شدت
 سرما و تابستان از حدت گرما معین مقصود اصلی است و
 آدم صحیح آزاد در آنجا استمداد و دوام پلصاعت

شماره ۲۴۶، محرم الحرام (۱۳۳۳) - اسلام دوازدهم - ۱۳ مارچ (۱۹۰۵) - صفحه ۹۹

را ندارد الا اینست که مریض بعد از قبول شدنش یا قدرت فرار ندارد یا رخصت و اختیار از او مسلوب است. آنوقت اگر مطلقاً همراه برده است همان شب وقت مینماید چرا که حکیم باشی نوبت خودش را بحکم دیگر نمیدهد و خدمت گذاران امروزه کار را بفردا و خدمت گذاران فردا نمیکذارند بحق حضرت رضا صلوات الله علیه که یکی از اطبا برای من گفت که در نوبت من مریض مستحق را حال بهبودی بحال وضوح بود بنوبت دیگر که يك روز یا دو روز فاصله بود دیدم مرده است از خدمت گذاران جوابا شدم گفتند حالش بد شد دیشب سحر مرده. بعد از یکی هفتاد پرسیدم گفت دیشب حکیم باشی حکم خوب زدن بشکمش داده چهاره بجهت تغییر حکم علاج قدری پول در بازویش بست داشت داد ولی چون حکم طبابت برشوت تغییر پذیر نیست چند خوب که زنده پناه بخدا و رخت از دنیا برد. و اگر مریض مطلقاً نداشته باشد و عده مرگش را خدا میداند اما کسی نیست آبش بدهد یا حین مردن دست و پایش را بگیرد شکشد یا دراز نماید هر وقت آمدند دیدند مرده همان حالت سکه برده خشک شده است و گاه باشد که دست و پای خشکیه داخل تابوت نمیشود ناچار

دست و پای مرده را خورد سگ مرده در میان تابوت میگذارند و گاه گاه هم بدون غسل و کفن دفن میشود و بخارج تجویزش را سکه یا آستانه محسوب میدارند مأمورین در میان میگذارند از قراریکه از اجزای دفتر آستانه تحقیق شده سالی دوازده هزار تومان زیادتر است اما محاسب خانه مبارکه که باید در او اطفال بیدار نگاه داری شود و گذران بدهند و تربیت کنند از قرار قرار داد واقف اطفال خاصه سادات را باید هر شب بحدودری یلو با لوازمش داده شود حالا پنج سیر نان هم تمام داده نمیشود و در هر شب چمه هم دو سیر و نیم گوشت میدهند و لباس هم میدهند اما یکدمت لباسیکه دوام پوشیدن ندارد حاصل موقوفات مکتب سادات سالی سه هزار تومان زیاده مابقی دارد

(اری فیتمم فی غیرهم منقلاً)

(و ایدهم من فیتمم صفرات)

اما شربت خانه مبارکه و کارخانه حدام قلم انجام رسید سریشکت حداوند قهار پنج شش نفر روپاه شهری را فریسه شیرهای درنده بیابان فرماید و یک شیر شهر را جیفه منوشه و طعمه سگان همرا نماید شاید روز تغییر و بروز تدبیری برای اصلاح آن بشود (باقی دارد)

تاریخ حرب ژاپون

(از شماره ۲۴)

اسلحه سواره

اسلحه سواره ژاپون مانند تفنگ پیاده است فرق درمیانه آن با پیاده سکوهای تفنگ سواره است که قدری کوتاه تر میباشد و فشنگ تفنگ پیاده استعمال میشود تنها مسافه نشانه این تفنگ عبارت از هزار و پانصد متر است و بواسطه بند جرمی چنانچه در همه جاممولست بدوش میبندازند و غلاف شمشیرهای سواره ژاپونیان معنی است که بکمر میبندند

هر چند در دست سواره محافظ نیزه است ولی همینکه بخارج شهر و بمحال بیده جبهه خدمت می روند برای آنکه تخفیف اقبال شود با خود نقل نمیکند هر يك از سواران چهل و پنج عدد فشنگ با خود نقل میکنند

(صنف نویسی)

نخست نویسی ژاپون بدو قسم تقریق میشود

۱ - نویسی همرا و میدان

۲ - نویسی قلعه و استحکام

نویسی همرا عبارتست از ۱۹ آلاهی از ایشان يك آلاهی بنام نویسی محافظ جبهه محافظه امپراطور معین

جبهه هیجده آلاهی از نمره يك تا هیجده نمره داده شده است

شماره ۲۴۶ - ۶ محرم الحرام (۱۳۳۳) - شماره مسلسل دوازدهم - ۱۳ تاریخ (۱۳۵۱) - شماره ۱۰۰

هر آای عبارتست از دو فوج و هر فوج دارای سه بطری که در این صورت هر آای عبارت از شش بطری میباشد و هر آای به يك فرقه عساکر منسوب میباشد
(يك آای نویی در توکیو اقامت دارند)

آای نمره يك و دو و سه و شش و سیزده و چهارده و پانزده و شانزده و هنده و هیجده نویی همرا میباشد - پنج و هشت و نه و ده و یازده و دوازده نویی جیل یعنی کوه اند آای هفتم درآده (بذو) میباشد و تشکیلات آنان عبارت است نمی از نویی صحرا و نمی از نویی جیل تشکیلات دائمی نویی در هنگام حضر بوجه آن است
(تشکیلات يك بطری سواره)

اسب	افراد	ضابط
		کوماندان بطری سلطان
		نایب اول و دوم
	۱۰	ضابط کوچک ده باشی یا سردسته
	۱۰	اصناف عسکری
	۸۶	نویی
	۱۶	ارابه جی
	۱	فورخانه جی
۱۶		اسب سواری
۴۶		اسب توپ
۶۲	۱۲۳	۵ نفر جمع

(تشکیلات توپ کوهی)

اسب	افراد	ضابط
		سلطان کوماندان فرمانده
		نایب اول و دوم
	۱۰	ضابط کوچک ده باشی سر جوقه و پاسر دسته
	۱۰	اصناف عسکر
	۸۵	نویی
	۱۶	ارابه جی
	۱	فورخانه جی
۷		اسب - ولدی
۳۰		اسب توپ
۳۷	۱۲۲	۵ جمع

در وقت حضر هر بطری عبارت از شش توپ و دو اراده فورخانه است و هر سه بطری توپ از طرف يك سرهنگ اداره میشود و يك آای از طرف سرتیب اول و با سرتیب دوم اداره میشود -
در وقت حضر موجودی دائمی يك آای عبارت است از هفت صد و هفت نفر نویی و اسب و هشتاد دو اسب

(در وقت چرب یعنی حالت سفر، کوه وجه آن است)

موجود دائمی يك بطری کوهی يك صد و چهل و شش نویی و نود و شش اسب است